۳۷

اخلاق زیست محیطی پیامبر اکرم

تقی متقی



بسم الله الرحمن الرحیم

اخلاق زیست محیطی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

نویسنده:

تقی متقی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اخلاق زیست محیطی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

مشخصات کتاب

سرشناسه : متقی، تقی، ۱۳۴۱-

عنوان و نام پدیدآور : اخلاق زیست محیطی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله/ تقی متقی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما: دفتر عقل، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : [۴]، ۱۳۷ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۲۴۷. با پیامبر صلی الله علیه و اله؛ ۲۶.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۲۶-۵

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : کتابنامه: ص.[۱۲۹] - ۱۳۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق.--نظریه درباره محیط زیست

موضوع : محیط زیست -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : اخلاق زیست محیطی

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۴/۹ /م۳ م۲ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۶۴۳۱۸

ص:۱

اشاره

دیباچه

دیباچه

هرچنـد پیشـرفت علـم و صـنعت، آسـایش، رفـاه و زنـدگی راحـت را برای جوامـع بشـری به ارمغـان آورده، ولی همین امر در مواردی نیز اصل حیات انسان ها و دیگر موجودات زنـده را به خطر انـداخته و به تهدیـدی جـدی برای ادمه زندگی نسل های آینده تبدیل شده است.

روند افزایشـی نازک شدن لایه اُزُن، گرمای فزاینده هوای کره خاکی، افزایش آلودگی آب ها و هوا ــ این دو عنصر حیاتی ــ دانشمندان و علاقه مندان محیط زیست را به چاره جویی واداشته است. در پی افزایش اعتراض ها و هشدارهای جدی هواداران محیـط زیست، دولت هـا و قـدرت هـا مجبور شـده انـد با وضع قوانینی برای نگه داری منابع زیستی، محیط زنـدگی بشـر را از نابودی نجات دهند.

مـدعیان تمـدن و تکنولوژی پس از آزمون و خطاهای بسـیار و وارد ساختن خسارت های فراوان و در مواردی جبران ناپذیر به طبیعت، اکنون به فکر تـدوین و تنظیم اخلاق زیست محیطی افتاده انـد. این در حالی است که دین مبین اسـلام در همان سپیده دم طلوع خود، قوانین و احکـامی را برای تعامـل درست انسان با محیط پیرامونش از جمله آب، خاک، هوا، گیاهان و حیوانات وضع کرد و پیروان خود را به رعایت آنها فراخواند.

در مجموعه پیش رو، پژوهشگر ارجمند، جناب آقای تقی پورمتقی

کوشیده است با تکیه بر برخی سخنان تابناک رسول مهر و زندگی، اخلاق و احکام زیست محیطی اسلام را تبیین کند. بهره گیری مناسب از چنین پژوهش هایی به فراگیری احکام مترقی اسلام یاری می رساند و زمینه را برای جهانی شدن دین مبین اسلام فراهم می آورد.

رسانه ملی در ایجاد فرهنگ صحیح و تغییر و تصحیح رفتارها و باورهای جامعه نقش پررنگی دارد. برنامه سازان صداوسیما نیز می توانند با توجه به باورهای مذهبی و دلدادگی دینی مخاطبان مؤمن و مسلمان رسانه و دست مایه قرار دادن چنین پژوهش هایی، در نهادینه کردن فرهنگ زیبای تعامل درست با محیط زیست، نقش سازنده ای داشته باشند. با آرزوی داشتن جهانی پاک و به امید حکومت صالحان و پاکیزگان بر آن.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

هر روز که می گـذرد، بر دامنه آلودگی و تخریب منـابع طبیعی و محیـط زیست جهـان افزوده می شود. نـابودی چراگـاه ها به دلیل چرای بی رویه دام ها، بیابان زایی، آلودگی آب های سطحی و زیرزمینی به انواع مواد شیمیایی، مسموم شدن سبزی ها و میوه هـا به انواع حشـره کش هـا، تغییر کـاربری زمین هـای کشـاورزی، کاهش حجم جنگل ها، افزایش مصـرف سوخت های فسیلی، آلودگی هوا به انواع گازهـای زیان منـد، تخریب لایه اُزُن، پدیـده گل خانه ای جو، از بین رفتن تنوع زیستی گیاهی و جانوری، افزایش بیماری های تنفسی و قلبی ـ عروقی، آلودگی صوتی، تشعشع های هسته ای و افزایش روزافزون سرطان ها و فشارهـای روانی، بلاهـای نوظهور روزگـار مـاست؛ روزگاری که امیـد می رفت بشـر متمـدن با کاوش در زوایای پنهان علوم، نیک بختی را برای خود و نسل های آینده به ارمغان آورد.

افسوس که حرص قـدرت هـای اقتصـادی جهان در تولیـد و مصـرف و کسب سود هر چه بیشتر، کار تخریب منابع حیاتی را به جـایی رسانـد که مـادر مهربـان طـبیعت که روزگـاری دست و دامنش پر از ثروت و برکت بـود، هم اکنون در فقر و فلاـکت، روزگار می گذارند.

با این همه، نبایـد نومیـد بود و دست روی دست گذاشت، بلکه باید دست به دست هم داد و کاری کرد تا تعادل و توازن رفته به دامن طبیعت و محیط

زیست باز گردد.

هرکس به آینده جهان و انسان خوش بین است، باید به این حرکت اصلاحی بپیوندد و به امید بهتر شدن شرایط جهان در آینده، از همین حالا، کاری کند.

* * *

... و چنین شد که ما نیز در حوزه فرهنگ دینی آستین تصمیم بالا زدیم و دامن همت به کمر بستیم. دیدیم کتاب آسمانی ما، رسول خدا صلی الله علیه و آله را الگوی شایسته بشریت در زندگی معرفی کرده است. پس به قصد الگوگیری از آن محبوب الهی در زمینه چگونگی تعامل با آب و خاک و گیاه وحیوان، بی درنگ به راه افتادیم و به محضرش شرفیاب شدیم و گوش هوش و راز نیوش به سخنان احیاگرش سپردیم و شیفته سیره عملی اش در این میدان شدیم.

حال این شما و این هم دسته گل دماغ پروری، از بوستان اخلاق زیست محیطی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ؛ که گفته اند:

یک دسته گل دماغ پرور

از خرمن صد گیاه، بهتر

برای آشنایی با اخلاق زیست محیطی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بهتر دیدیم پیش از ورود به بحث های اصلی (بخش دوم)، ابتدا در بخش اول کلیاتی را به اختصار برای افزایش بصیرت خوانندگان فهیم درباره محیط زیست طبیعی مطرح کنیم، تا آن گاه که به جایگاه والای طبیعت و محیط زیست می پردازیم،

درک بهتری از ارجمندی آن به دست آید.

این پژوهش در دو بخش سامان پذیرفته است: در بخش نخست، تعریف محیط زیست و تقدس طبیعت در جهان بینی الهی و شیوه تصرف در طبیعت از دیدگاه اسلام بازکاوی شده است. نیز نگاهی داریم بر چند و چون آلودگی و تخریب و بحران های زیست محیطی پدید آمده در جهان و ایران به همراه آمارهایی هشداردهنده در این زمینه ها. سپس «مبانی حفاظت از طبیعت و محیط زیست» را بر اساس اصول اعتقادی مکتب اسلام و مبانی و قواعد فقهی آن کاویده ایم.

در بخش دوم، اخلاق زیست محیطی رسول گرامی اسلام را در پنج آینه «آب»، «خاک»، «کشت و زرع»، «درخت و گل و گیاه» و «حیوانات» به تماشا نهاده ایم. در هر یک از آنها نیز برای استفاده بیشتر خواننده ارجمند، ابتدا برخی مباحث علمی مربوط به عنوان بخش را به اختصار آورده و با استناد به ارمغان آسمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله (قرآن)، آیاتی از آن را برای درس آموزی و بیان ارجمندی این عناصر یاد کرده ایم؛ چه آنکه در قرآن، ۷۵۰ آیه درباره طبیعت و محیط زیست وجود دارد. در پایان، با تفصیل بیشتری، عناصر پنج گانه را در سیره گفتاری و رفتاری حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از نظر گذرانده ایم.

امید که این خدمت ناچیز، بصیرتی افزون برای علاقه مندان به این گونه مباحث فراهم آورد و تقدس حیات و جایگاه ارجمند طبیعت و محیط زیست گیاهی، جانوری وانسانی را به عنوان «آیات» علم و قدرت و حکمت

خداوندی در چشم و دل مان به باوری پایدار بدل سازد. چنین باد!

بخش اول: محیط زیست طبیعی

اشاره

بخش اول: محیط زیست طبیعی

زیر فصل ها

-۱

فصل اول: تقدس طبیعت و محیط زیست

اشاره

فصل اول: تقدس طبیعت و محیط زیست

زیر فصل ها

۱. تعریف محیط زیست

۲. جهان بینی و محیط زیست؛ مقدس بودن یا نبودن طبیعت

۳. طبیعت در آموزه های اسلامی

۴. اسلام و شیوه تصرف در طبیعت

۱. تعریف محیط زیست

۱. تعریف محیط زیست

تعریف های زیادی از محیط زیست شده است که کم و بیش به حقیقت یگانه ای اشاره دارند و در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود. با این حال، تعریف زیر در این پژوهش بیشتر مورد نظر و گفت وگوست:

محیط زیست اصطلاحا به طبیعت و عناصر طبیعی موجود در کره زمین ـ و در مقیاس کوچک تر، در محدوده زندگی انسان همچون شهر و روستا ـ اطلاق می شود.(۱)

در قوانین کشورمان، محیط زیست چنین معنا شده است:

آنچه که پیرامون زیستن را در برگرفته و با آن در فعل و انفعال است. فضایی با تمامیِ شرایط فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره که همه موجودات زیست کننده در آن را شامل می شود و مجموعه روابط بین آنان را دربرمی گیرد.(۲)

کنفرانس ملل متحد پیرامون محیط زیست انسانی، محیط زیست را چنین تعریف کرده است:

انسان، مخلوق و شکل دهنده محیط زیست خود است؛ محیطی که به وی

۱- محمد نقی زاده، مقاله «جهان بینی و حفاظت محیط زیست» نامه فرهنگستان علوم، ش ۲۲، ص۱۵۵.
۲- مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ایران، ۱۳۷۹.

بقای فیزیکی، فرصت رشد معنوی (اخلاقی، اجتماعی و روحی) عطا می کند.(۱)

محیط زیست در همایش زمین نیز چنین تعریف شده است:

انسان ها موضوع اصلی هرگونه توسعه هستند. برخورداری از سلامت و توانایی جسمی و روحی جزو حقوق انسان ها در انطباق با طبیعت است.(۲)

شورای اقتصاد اروپا، محیط زیست را این گونه تعریف کرده است:

محیط زیست شامل آب، هوا، خاک وعوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می گردد.(۳)

۲. جهان بینی و محیط زیست؛ مقدس بودن یا نبودن طبیعت

۲. جهان بینی و محیط زیست؛ مقدس بودن یا نبودن طبیعت

اصولاً ـ در طول حیات بشر بر این کره خاکی، دوگونه جهان بینی پدید آمده و فعالیت های جوامع بشری را سامان بخشیده است: جهان بینی الهی و جهان بینی مادی. این جهان بینی ها دربردارنده دو اندیشه دینی (الهی و توحیدی) و غیردینی (غیر الهی و مشرکانه و مادی) هستند.

در تعریف رابطه انسان با جهان یا محیط زیست نیز همین دو جهان بینی نقش دارند. آگاهی به هویت انسان، موضوع مهمی است که در جهان بینی های مختلف، تعاریف متفاوت و گاه متضادی برای آن بیان شده است و پیرو آن، نقش هایی که برای او در زمین و هدفی که برای حیات وی قائل هستند، متفاوت است.

با توجه به دو جهان بینی یاد شده و با عنایت به نقش جهان بینی ها در

۱- بیانیه کنفرانس ملل متحد پیرامون محیط زیست انسانی استکهلم ــ ۱۹۷۲.

۲- کنفرانس ملل متحد پیرامون محیط زیست و توسعه، معروف به همایش زمین ریودوژانیرو ــ ۱۹۹۲.

۳- مقاله «جهان بینی و حفاظت محیط زیست»، ص ۱۵۵.

جهت دهی و هدایت فکر و عمل انسان ها در رسیدن به هدفی که برای انسانیت قائل هستند، به راحتی می توان دست کم دو نوع برخورد با طبیعت و دو روش بهره گیری از منابع طبیعی را معرفی کرد.

اولین و مهم ترین موضوع در تفاوت این دو نوع نگرش، عبارت از تفاوت در قائل بودن حیات و معنا برای طبیعت است. یک جهان بینی، طبیعت را موجودی هوشمند و دارای حیات و معنا می شمارد و برای آن ملکوت و تقدس قائل است. ازاین رو، قوانینی را بر آن حاکم می داند که تخطی از آنها زمینه مبارزه عالم با عناصر خاطی را فراهم می کند که نتیجه آن یا اصلاح و به راه آمدن یا هلاک عنصر و عضو خاطی ــ حتی انسان ــ خواهد بود.(۱)

تفکر دیگر، طبیعت را ماده ای بی جان و بدون درک و شعور و معنا معرفی می کند که هرگونه تصرف در آن به منظور کسب ثروت و پاسخ گویی به هواهای نفسانی، مجاز است.

جهان بینی توحیدی نمی تواند جهان طبیعت و عالم وجود و عناصر آن را پوچ و بی درک و شعور قلمداد کند. بدین ترتیب، ره آورد جهان بینی توحیدی، تفسیر معنوی جهان و محیط زیست و عناصر آن است. از نظر انسان موحد، هستی، نه دستگاهی مادی، بی شعور، پوچ و بی هدف، بلکه یک پیکره زنده، حساس، خودآگاه و دارای نیروی اراده، علم، آرمان و آفرینندگی است. براین اساس، طبیعت از مجموعه هماهنگ پدیده ها و نمودها (آیات) دقیق علمی تشکیل شده و در جهت هدفی متعالی در حرکت است.(۲)

۱- محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۱۴.

۲- مقاله «جهان بینی و حفاظت محیط زیست»، صص ۱۴۶ ــ ۱۴۸.

مکتب هایی که بر پایه جهان بینی مادی استوارند و به هدف داری هستی و وجود عالمی ورای این عالم محسوس باور ندارند، بـا محیـط زیست چنـان رفتار می کننـد که در زنـدگی خود بتواننـد بیشترین بهره را از آن ببرنـد. هواداران این مکتب ها چون زنـدگی را فناپـذیر و منحصـر به جهان مادی می دانند، هرچند برای تنظیم زندگی خود در این جهان، قوانین و مقرراتی وضـع می کنند، ولی تا زمانی پیرو این قوانین هسـتند که نیروی قانون را ناظر بر کردار خود ببینند. در غیر این صورت، امکان دارد به هر کردار ناپسـندی دست یازند. وانگهی به سـبب باور نداشتن پیوستگی عناصر طبیعت و لازم ندیدن رعایت حقوق آن، دم را غنیمت می شمرند و حداکثر بهره برداری از طبیعت را در درجه اول برای تأمین هرچه بیشتر منافع و لذت خویش و سپس برای فرزندان و نسل های آینده خود سرلوحه کارشان قرار می دهند.(۱)

در مقابـل، بر اسـاس جهـان بینی دینی (اسـلامی)، هسـتی دارای حقیقـتی واحـد است. وجود و همه عناصـر آن تجلی ذات حق تعـالی و ساخته و پرداخته حکمت بی همتای اوست. بنابراین، در ذات خود از ارج و اعتباری ویژه برخوردار است. نفس هستی ارزش دارد تا چه رسد به اینکه همه جلوه ها و نمودهای آن بر اساس حکمت محض و خیر و سودمندی آفریده شده باشد.

تمام اجزای هستی همیشه در حال فعل و انفعال و جنب و جوشـند. پس زنده اند و پویا و با این سرزندگی و پویایی، زندگی را استمرار می بخشند و

۱- صلاح الدین محلاتی، مقاله «رفتار زیست محیطی، باور و جهان بینی»، اطلاعات، دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۸۲.

زمینه را برای بقای آدمی مهیا می سازند. هستی و عناصر طبیعت از سه نظر دارای تقدس و شایسته تکریمند:

۱. آفریده دانای مطلقند؛

۲. پدیدآورنده و استمراربخش زندگی اند و خالق زیبایی، سرور، نشاط و آرامشند؛

۳. نفس وجود و هستی و عناصر سازنده آن، پویا، زنده و هوشیارند: «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلاّ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لكِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ.» (اسراء: ۴۴) همچنین نظام آفرینش را تشکیل داده و بر مبنای حکمت محض آفریده شده اند و در گردونه حیات، نقشی سازنده برعهده دارند. به همین دلیل، از حقوقی برخوردارند که مهم ترین آنها حق ادامه حیات، سلامت و پاکیزه داشتن و اسراف نکردن در استفاده و تلف نکردن بیهوده آنهاست؛ چه آنکه سلامت و پاکیزه داشتن طبیعت و محیط زیست، مایه سلامت هستی از جمله انسان است و تخریبش موجب ویرانی و بیماری زندگی و به هم خوردن توازن حیات دیگر موجودات:

اگر یک ذره را برگیری از جای

خلل یابد همه عالم سراپای

۳. طبیعت در آموزه های اسلامی

اشاره

۳. طبیعت در آموزه های اسلامی

طبیعت و عناصر آن مورد عنایت ویژه کتاب الهی است. در قرآن بیش از بیست و سه بار به مقوله تسخیر طبیعت و منابع آن(۱) و هجده بار به احیای

۱- برای نمونه، نک: جاثیه: ۱۳.

طبیعت(۱) پرداخته شده است. همچنین بیش از پانزده مورد لفظ بحر و مانند آن،(۲) دوازده مورد الفاظ جبل و جبال،(۳) دوازده مورد ریح و ریاح،(۴) پنج مورد شجر،(۵) نه مورد نهر و انهار،(۶) دوازده مورد دابّه و دوابّ،(۷) بیش از صد مورد لفظ زمین(۸) و شصت مورد لفظ سماء(۹) در قرآن کریم به کار رفته است.

الف) طبیعت، آیت الهی

الف) طبیعت، آیت الهی

طبیعت و اجزا و قوانین حاکم بر آن در آموزه های اسلامی به عنوان «آیات الهی» مطرح هستند که تدبّر و تعقل در آنها انسان را به شناخت بهتر عالم وجود و عظمت و قانون مندی آن و در نهایت، به شناخت خالق هستی و حکمت و قدرت و علم و وحدانیت او رهنمون می سازد.

به بیان دیگر، طبیعت در آموزه های اسلامی یکی از ابزارهای شناخت است. ازاین رو، بسیاری از آیات قرآن کریم بیانگر توجه به طبیعت به عنوان آیات (نشانه های علم و قدرت) الهی و ابزار شناخت هستند. برای نمونه، خدای تعالی می فرماید:

أَ فَلا یَنْظُرُونَ إِلَی اْلإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ وَ إِلَی السَّماءِ کَیْفَ رُفِعَتْ وَ إِلَی الْجِبالِ کَیْفَ نُصِبَتْ وَ إِلَی اْلأَرْضِ کَیْفَ سُطِحَتْ فَذَکِّرْ إِنَّما أَنْتَ مُذَکِّرٌ.

۱- برای نمونه، نک: روم: ۵۰.

۲- برای نمونه، نک: نحل: ۱۴.

۳- برای نمونه، نک: نبأ: ۷ و ۸ .

۴- برای نمونه، نک: اعراف: ۵۷ .

۵- برای نمونه، نک: یس: ۸۰.

۶- برای نمونه، نک: نمل: ۶۱.

۷- برای نمونه، نک: فاطر: ۴۵.

۸- برای نمونه، نک: اعراف:۱۰.

۹- برای نمونه، نک: ذاریات: ۲۲.

(غاشیه:۱۷_۲۱).

آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده و به آسمان که چگونه برافراشته شده و به کوه ها که چگونه برپا داشته شده و به زمین که چگونه گسترده شده است؟ پس [ای پیامبر!] تذکر ده که تو تنها تذکردهنده ای!

در توضیح بیشتری در این باره آمده است:

مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست. و زمین را گستردیم و در آن لنگر [کوه ها] فرو افکندیم و در آن از هرگونه جفت دل انگیز رویانیدیم [تا] برای هر بنده توبه کاری، بینش افزا و پندآموز باشد. و از آسمان، آبی پربرکت فرود آوردیم. پس بدان آب، باغ ها و دانه های دروکردنی رویانیدیم و درختان تناور خرما که خوشه های روی هم چیده دارند. [اینها همه] برای روزی بندگان است و با آن آب، سرزمین مرده ای را زنده گردانیدیم. رستاخیز [نیز] چنین است. (ق: ۶ _ ۱۱)

آیا این آیات دل کش و زیبا بر مدّبری حکیم، دانا، خالق، روزی ده و قدیر دلالت نمی کنند؟ چه آنکه هستی دادن و تنظیم عملکردی چنین شگفت انگیز برای هر یک از این عناصر طبیعی در جهت برقراری جهانی در نهایت نظم وحساب و پیچیدگی، جز از آفریننده ای حکیم امکان پذیر نیست.

در روایات رسیده از معصومان علیهم السلام به ویژه در روایت مفصلی که حضرت امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر جعفی _ از اصحاب خاص خود _ بیان فرموده،(۱) بر این امر تأکید شده است. برای نمونه، درباره حکمت های نهفته در مرگ درختان و تجدید حیات آنها در توحید مفضل چنین آمده است:

۱- ۱.به کتاب توحید مفضل معروف است.

در انواع تـدبیرها و حکمت هـای نهفته در آفرینش درخت بینـدیش. می بینی که هر سال می میرد، ولی حرارت غریزی آن در چوبش می مانـد و مواد میوه ها از آن زاده می شود و آن گاه در همه جا پراکنده می شود و چنان که غذاهای متنوع و لذیذ به تو می دهنـد، میوه های گونه گون و گوارا و خوش طعم به تو تقدیم می کنند. شاخه ها مانند دست به سوی تو دراز می شوند و میوه هـای نیکو در اختیـارت می نهنـد. ریحـان هـا چنان در برابرت ایسـتاده انـد که گویی خود را به تو هـدیه می کننـد. این حسـاب و کتاب دقیق و حکمت عظیم جز از سوی مقـدّر حکیم از آن کیست و چرا این گونه است؟ آیا جز برای آن است که آدمی را از لذت و سود این میوه ها بهره رسانند؟ شگفتا که مردم به جای سپاس بر نعمت، انکار منعم می کنند.

همه این بیان ها لزوم ارتباط نزدیک انسان و طبیعت را گوشزد می کنند و ضروری می نماید تا امکان بهره گیری از این آیات الهی و تفکر در آنها و نیز استفاده از قوانین حاکم بر آنها برای ایجاد محیط مناسب زندگی انسان فراهم آید.

ب) طبیعت، آفریده و پرورده خداوند

ب) طبیعت، آفریده و پرورده خداوند

اسـلام به طبیعت نگاه تنگ نظرانه مادی نـدارد، بلکه از زاویه ای غیرمادی بدان می نگرد. از نگاه قرآن ــ چنان که گذشت ــ طبیعت، آفریـده خداوند حکیم، دانا و تواناست که هیچ گونه سـستی، کاستی، ضـعف و جهالتی در کار او راه ندارد. خداوند، این خلقت عظیم و اعجاب آمیز و شکوهمند را به حال خود رها نساخته، بلکه پیوسته به پرورش و هدایت آن مشغول است:

رَبُّنَا الَّذِی أَعْطی کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی. (طه: ۵۰)

پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی در خور داده و سپس آن را هدایت کرده است.

ج) طبیعت، نعمت خداوند

ج) طبیعت، نعمت خداوند

طبیعت، نعمت بزرگ خداوند است که از سر لطف در اختیار آدمی نهاده است تا در پرتو بهره برداری از آن، نیازهای خود را برآورد و با دیدن زیبایی های اعجاب آمیز آن، زمینه شادابی و نشاط در او فراهم آید. آیات و روایات فراوانی، زمین، آسمان، شب و روز، ماه و خورشید و ستارگان، آب و خاک و گیاهان و دانه ها و کوه ها را نعمت و گاه رحمت الهی دانسته اند.

این نعمت های بی شمار را خدای مهربان و حکیم در اختیار جانشین خود، انسان نهاده و او را امانت دار خزاین خود در زمین قرار داده است. به همین دلیل، عمران و آبادی زمین(۱) و در پی آن، شکر برخورداری از این نعمت ها و در نهایت، حفظ این امانت ها را از او خواسته است.

۴. اسلام و شیوه تصرف در طبیعت

۴. اسلام و شیوه تصرف در طبیعت

آموزه های اسلامی با بیان اصولی تغییرناپذیر و جاودانی، شیوه تماس و بهره گیری انسان ها از منابع طبیعی را در قالب تبیین ارزش های حاکم بر حیات به خوبی روشن می کند. اصول و ارزش هایی چون «حفظ تعادل»،(۲) «پرهیز از اسراف»،(۳) «اصلاح زمین»(۴) و مانند آنها مشخص می سازد که هرگونه دخل و تصرف در طبیعت باید به کمال اصلاحی بینجامد و به دور از فساد، اسراف، تباهی و بیهودگی باشد.

۱- ر.ک: هود: ۶۱.

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «بِالْعَدْلِ قامَتِ السَّمواتُ وَ الْاَرْضُ؛ آسمان ها و زمین به عدل تعادل و توازن برپاست.» تفسیر صافی، ج ۲، ص ۶۳۸.

۳- نک: اعراف: ۳۱؛ نساء: ۶.

۴- نک: اعراف: ۵۶.

به طور خلاصه می توان گفت که تفکر اسلامی به شدت مبلّغ و مشوّق حفاظت محیط زیست است و این تفکر حتی در مناسک عظیمی چون حج نمود یافته است. از آنجا که مناسک حج را می توان الگویی برای زندگی مسلمانان قلمداد کرد، توجه به مواردی از وظایف مُحرمین، نشان دهنده پیام حج به جامعه بشری درباره حفظ محیط زیست است.

یکی از محرّمات بر شخص مُحرِم، کشتن حیوانات و صید و شکار آنهاست و دیگری، حرمت کندن گیاهان از زمین است. البته این نهی به گیاهانی که خود شخص نکاشته است، منحصر می شود.(۱)

همه اینها علاوه بر معانی معنوی و جنبه نمادینی که در خود مستتر دارند، به روشنی بیانگر توجه به حفاظت از محیط زیستی است که در سلامت و بقای انسان نقش اساسی ایفا می کند.

برخی ازمناسک حج، از جمله وقوف در عرفات و مشعر و برخی محرّمات از جمله کندن درخت یا بوته، کشتن حیوانات، حرکت کردن در سایه و پوشانیدن سر در گرمای روز، جملگی از تماس انسان با طبیعت و زندگی مسالمت آمیز با آن حکایت دارد.(۲)

۱- نک: امام خمینی رحمه الله، مناسک حج، ص ۸۲ .

۲- محمد نقی زاده، مقاله «طبیعت در تعالیم اسلامی»، کیهان، یک شنبه ۲۳ دی ۱۳۸۰.

فصل دوم: تخریب طبیعت و بحران های زیست محیطی

اشاره

فصل دوم: تخریب طبیعت و بحران های زیست محیطی

زیر فصل ها

۱. چشم انداز بحران های زیست محیطی

۲. مفهوم شناسی بحران زیست محیطی

۳. ارزیابی بحران های زیست محیطی

۴. آمارهای هشداردهنده زیست محیطی

۵. زمینه های تخریب محیط زیست در ایران

۱. چشم انداز بحران های زیست محیطی

۱. چشم انداز بحران های زیست محیطی

در دو قرن اخیر با رشد روزافزون علوم و فنون، قدرت دخالت انسان در طبیعت و محیط زیست با سرعتی شگرف افزایش یافته است. هم زمانی رشد صنعتی با حاکمیت نظام های سرمایه داری بر بیشتر جوامع انسانی و رشد بی رویه جمعیت سبب شده است تا شهروندان امروزین به گونه ای خطرناک به استثمار مواد و ذخایر طبیعی خود و نسل های آینده بپردازند.

تخریب محیط زیست، نابودی جنگل ها و مراتع، آلودگی شدید آب و خاک، کمبود منابع انرژی، افزایش بیماری ها و افول ارزش های اخلاقی در جوامع بشری از نتایج ناگوار این فرایند است.(۱)

از همین رو، کارشناسان و صاحب نظران، خطرها و چالش های زیست محیطی را، نه مسئله ای ملی و محدود به یک یا چند کشور، بلکه معضلی جهانی می دانند، چنان که در دهه ۱۹۶۰، مردم بسیاری در سراسر جهان با وضع بحرانی در محیط زیست جوامع خود روبه رو شدند: باران های اسیدی شروع به نابودی جنگل ها کردند؛ زباله ها و پس ماندهای صنعتی، آلودگی و مسمومیت را برای رودخانه ها به ارمغان آوردند؛ شهرها در انبوه دود ناشی از

۱- مقاله «بحران محیط زیست»، روزنامه کیهان، یک شنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۰، سال شصتم، ش ۱۷۲۰۴.

احتراق سوخت اتومبیل هاو صنایع، دچار خفگی شدند و منابعی که روزگاری غنی و سرشار بودند، رو به زوال نهادند.

در آن هنگام، شـمار اندکی از دانشمندان درباره پیوستگی جهانی این معضلات سخن گفتند و هشدار دادند که ما انسان ها به سرعت قربانی موفقیت ها و رشد و توسعه جوامع خود خواهیم شد؛ قربانی موفقیت در کسب توانایی برای تاراج تمام سیاره ای که به فرموده قرآن، «گهواره زیست»(۱) و حامی و نگه دار ماست.

به طور کلی، عوامل اصلی تخریب و آلودگی محیط زیست عبارتند از: افزایش جمعیت، افزایش مصرف انرژی، افزایش دمای کره زمین، تخریب جنگل ها و مراتع، نابودی و تهدید گونه های متفاوت حیوانی، مصرف بیش از حد سموم و مواد شیمیایی و در نتیجه، آلودگی آب، خاک و هوا.

۲. مفهوم شناسی بحران زیست محیطی

۲. مفهوم شناسی بحران زیست محیطی

بشریت در چهار سده اخیر با پیشرفت های خیره کننده علمی روبه رو بوده است. دگرگونی های بزرگی در جریان توسعه علمی جوامع اتفاق افتاده و دانسته های علمی در عرصه های مختلف، توانایی هایی به آنها بخشیده که در مقایسه با گذشته و حتی سراسر تاریخ مکتوب بشری، بی سابقه است.

تغییرهایی که انسان در طبیعت و محیط زیست فردی و اجتماعی اش پدید آورده، تغییرهای شگرفی است که منشأ خدمات بزرگی نیز به شمار می رود، ولی واقعیت این است که در کنار این خدمات، مشکلاتی هم پیدا شده که رو

۱- «أَ لَمْ نَجْعَلِ ٱلْأَرْضَ مِهادًا». نبأ: ۶.

به افزایش است.

گمان می رفت با پیشرفت علم و صنعت، انسان ها از ذخایر موجود در این جهان ــ که پایان ناپذیر می نمود ــ در مسیر بهبود زندگی خود بیشتر بهره برند و به رفاه و آسایش بیشتری دست یابند. به تدریج این درک به وجود آمد که برداشت حاضر، شتاب زده بوده و چنین نیست که هر چه از طبیعت برداشت شود، محصول این انبار به پایان نرسد. بنابراین، یکی از جلوه های بحران طبیعت این است که انرژی ها و ذخایر مورد استفاده بشر در طبیعت، محدود و رو به کاهش است.

دومین جلوه این است که با حرکت علمی و صنعتی بشر، محیط زیست ساخته شد، ولی به تدریج، همین محیط دچار آلودگی و تخریب گردید و دست کم تعادل و توازن موجود در آن مختل شد.

تصور پیشین بر این بود که طبیعت همان گونه که منشأ مواد و انرژی است، می تواند مواد زاید ناشی از تولیدات صنعتی را در خود حل و جذب کند و دوباره به صورت قابل مصرف درآورد و در اختیار ما گذارد. در حالی که اکوسیستم طبیعت نمی تواند به طور نامحدود، مواد زاید صنعتی را در خود نگاه دارد و در عین حال آسیبی نبیند.

همچنین با وجود آنکه از سویی استفاده از فن آوری فراورده هایی چون سموم گیاهی و کود شیمیایی موجب افزایش بهره وری زمین می گردد، ولی از سوی دیگر، انباشته شدن بعضی مواد شیمیایی سبب برهم خوردن تعادل

موجود در آب و خاک می شود. برای نمونه، مواد سنتتیکی(۱) تولید شده، دیگر در طبیعت تجزیه نمی شود.

آلودگی ناشی از صدا، امواج، اشعه، تشعشعات مغناطیسی و غیرمغناطیسی، آلودگی هوا (اسموگ) و استفاده از تلفن های همراه و اینکه دریافت امواج در کنار مغز _ که خود امواج الکتریکی تولید می کند _ می تواند سبب ایجاد اختلال در مغز شود، همگی موجب نگرانی بشر امروز است.

نتایج مطالعه درباره رادیو اکتیو، آن هم نه تنها به شکل سلاح های اتمی، بلکه حتی انواع صنعتی آن، نشان می دهد که این مواد در کنار فواید عظیمی که دارند، می توانند مشکلات پیچیده ای نیز به وجود آورند.

غذاهای مصرفی امروزی در مقایسه با آنچه درگذشته به دست مصرف کننده می رسید، از نظر ترکیبات و انباشته شدن مواد مختلف موجود در غذا، تفاوت دارد که به دلیل عملکرد متفاوت ما در زمینه کشاورزی است. زمین با افزایش دما روبه روست که ناشی از پدیده گل خانه ای است؛ یعنی گرما همان گونه که در گل خانه انباشته می شود، در جو زمین نیز جمع می شود و درجه حرارت زمین به تدریج افزایش می یابد. سپس جریان طبیعی و منظم بادها به هم می خورد، به گونه ای که اندازه گیری مداوم جریان آب ها و بادها در ده سال اخیر نشان می دهد، جریان گلف سوئیم(۲) در حال کاستن از دماست که بر تغییرات آب و هوایی امریکای جنوبی و اروپا اثر خواهد گذاشت. همچنین یخ های

۱- مواد سنتتیکی: موادی که از ترکیبات شیمیایی با پلیمراسیون هیدروکربن ها اولوفین ها تولید می شود.

۲- نوعی جریان دریایی.

قطبی در حال آب شدن تدریجی هستند که این امر سبب می شود سطح آب های عمومی بالا رود. ازاین رو، پیش بینی شده است که بخش قابل توجهی از برخی کشورها مانند بنگلادش ـ که درآن فاصله زمین از سطح دریا اندک است ـ به زیرآب برود و بخشی ازمحیط زیست انسان ها با دگرگونی های بزرگی روبه رو شود.

در کنار همه این پدیده ها، از چند سال گذشته این امکان برای بشر به وجود آمده است که از روی جانوری که از جنبه های گوناگون مناسب تشخیص می دهد، پس از تغییرهای ژنتیکی ممکن، تکثیر کند. این روش، مسیر عادی زاد و ولد را نمی پیماید، بلکه در آن، یک سلول جنسی جانوری را با سلول جنسی دیگری از همان جانور همراه می کنند تا تکثیر آنها درست مثل کار دستگاه کپی انجام شود. دو جانور پدیدآمده به این روش، به جز تفاوت مکانی و زمانی به دلیل تقدم و تأخری که دارند، هیچ فرقی با هم نخواهند داشت. در مجموع به این عمل «کلونینگ» گفته می شود.

حال این پرسش مطرح می شود که اگر این مسئله درباره انسان عملی شود، چه خواهد شد. شاید اکنون به نظر خواب و خیال برسد که کسی ارتشی با قد، جثه، توانایی و ضریب هوشی مورد نظر خود سفارش بدهد، ولی با وجود امکانات علم ژنتیک، چنین رؤیایی چندان دور از دست رس نخواهد بود.

آنچه بیان شد، امکانات عظیمی است که فن آوری در اختیار انسان گذاشته است. در این میان، چگونگی برخورد با این پدیده ها، مهم است. به هر حال، این مسائل هم اکنون در مدرسه ها، رسانه ها، مجامع تصمیم گیری ملی و

بین المللی به صورت جدی مطرح است.(۱)

۳. ارزیابی بحران های زیست محیطی

۳. ارزیابی بحران های زیست محیطی

کلاس توپفر، مدیر اجرایی برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP)، در گزارش خود با عنوان «چشم انداز جهانی محیط زیست _ ۳ (Geo-۳)» اظهار می دارد:

کره زمین در یک وضعیت فوق العاده بحرانی قرار دارد و این وضعیت، تداوم بقای جنگل ها، اقیانوس ها، رودخانه ها، کوه ها، حیات وحش و دیگر عناصر حیات را که نیاز نسل امروز و فرداست، شدیدا با مخاطره مواجه کرده است. ما در حال حاضر، صدها اظهارنامه، توافق نامه، راهنما و راه کار قانونی تدوین شده در دست داریم تا به حل مشکلات زیست محیطی و عوامل تهدیدکننده بپردازیم. این عوامل، سلامت انسان ها و حیات وحش ساکن بر این سیاره را در وضعیت فوق العاده ای قرار داده است.

چشم انداز جهانی محیط زیست _ ۳ (Geo-۳)، کامل ترین ارزیابی جهانی از محیطی است که ما در آن زندگی می کنیم. بر اساس این گزارش، تقریبا سراسر جهان تحت تأثیر قرار خواهد گرفت، ولی آثار آن در کشورهای فقیر و جهان سومی بیش از پیش مشهود خواهد بود.

این گزارش می افزاید:

با وجود اینکه در امریکای شمالی و اروپا به منظور بهبود کیفیت آب وهوا اقداماتی انجام شده است و تلاش های بین المللی برای توقف صدور آلاینده های شیمیایی مؤثر بر لایه ازن تا حدودی موفقیت آمیز بوده، ولی باز هم

۱- ۳.سیدمحمدرضا حسینی بهشتی، مقاله «طبیعت در بحران»، جام جم، شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۸۳، سال پنجم، ش ۱۱۶۸.

محیط زیست جهانی در یک حالت فوق العاده به سر می برد.

چشم انداز جهانی محیط زیست _ ۳، فشارهای موجود بر زمین را که حیات همه زیست منـدان را به خطر انداخته است، چنین توصیف می کند:

الف) فشـار جمعیت: از سال ۱۹۷۲ تـا به امروز حـدود دو میلیارد و ۲۲۰ هزار نفر به جمعیت سـاکن در این سـیاره افزوده شـده است.

ب) فرسایش خاک: بیش از دو میلیارد هکتار خاک (یعنی به انـدازه وسـعت دو کشور کانادا و ایالات متحده) که مجموعا ۱۵ درصد سطح زمین را تشکیل می دهد، با فعالیت های انسانی تخریب شده است.

ج) منـابع آب: ۵۰ درصـد رودخـانه های جهانی به طور جـدی از بین رفته یا با آلودگی های شدیـد روبه رونـد. کاهش منابع آبی جهان تا نیمه دهه ۹۰ م. تنها حدود ۴۰ درصد مردم جهان را با مشکل روبه رو کرده بود.

د) جنگل ها: از سال ۱۹۹۰ تاکنون، ۴/۲ درصد از پوشش جنگلی زمین از بین رفته است.

ه) حیات وحش: تقریباً ۲۵ درصد از پستانداران و ۱۲ درصد از پرندگان با خطر انقراض روبه رو هستند.

و) ماهی ها: نزدیک به یک سوم ذخایر ماهی آب های جهان از میان رفته است.

گزارش برنامه محیط زیست سازمان ملل می افزاید:

با ادامه این روند غلط و تخریب منابع و بهره برداری بی رویه که عواقب آن مانند وضعیت آخرین دوره عصر یخ بندان خواهد بـود، بـدون اقـدام جهـانی، حـدود دویست میلیون نفر از مردم زمین به علت خشـک سـالی یـا سـیل مجبور به آوارگی خواهند شد.(۱)

یک پژوهش علمی نشان می دهد که تغییرات آب و هوایی ممکن است

۱- مقاله «هشدار در مورد تغییر وضعیت آب و هوایی زمین»، نیازمندی های جام جم، یک شنبه ۱۴ آبان ۱۳۵۸.

بیش از یـک میلیون گونه حیوانی و گیـاهی را در جهـان تا سال ۲۰۵۰ نـابود کنـد. به گزارش مجله «طبیعت»، این پژوهش که شش منطقه جهـانی را پوشـش داده است، نشـان می دهـد که یـک چهـارم گونه هـای حیوانی و گیـاهی موجود زمین بـا خطر نابودی روبه رو هستند.(۱)

۴. آمارهای هشداردهنده زیست محیطی

۴. آمارهای هشداردهنده زیست محیطی

به این آمارهای تأسف بار هم توجه کنید تا عمق فاجعه را بیشتر دریابیم:

* سالانه سه میلیون کودک بر اثر آلودگی محیط زیست قربانی می شوند.(۲)

* در صد سال گذشـته، نه میلیون تن از خاک بارور کره زمین فرسایش داشته است که بیشترین حد تخریب آن در کشورهای در حال توسعه است.(۳)

* متأسفانه در کشور ما هر ساله ۵/۱ میلیارد تن خاک مورد فرسایش قرار می گیرد.(۴)

* همه ساله بیش از ۴۰۰ هزار هکتار جنگل تخریب می شود.(۵)

* کارشناسان محیط زیست معتقدند ۱۰۸۸ گونه زیستی از موجودات زنده جهان در شرف نابودی اند.(۶)

* سالانه حدود شش میلیون هکتار از اراضی حاصل خیز به زمین های لم یزرع تبدیل می شود.(۷)

۱- مقاله «تهدید همه جانبه طبیعت»، ضمیمه اطلاعات، چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۸۳، ش ۱۳۰۶۳.

۲- همشهری، سه شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۸۰.

۳- کیهان، یک شنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۰.

۴- کیهان، یک شنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۰.

۵- کیهان، یک شنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۰.

۶- کیهان، یک شنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۰.

۷- کیهان، یک شنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۰.

* ۲/۷۲ درصد آلودگی هوای تهران ناشی از وسایل نقلیه موتوری است. روزانه بیش از ۳۵۰۰ تن منواکسید کربن، ۳۲۰ تن هیدروکربن، ۲۸۵ تن اکسیدهای نیتروژن، ۴۵ تن اکسیدهای گوگرد و ۲ تن سرب وارد هوای تهران می شود.(۱)

* تا ۳۰ سال آینده تنها یک سیاره فقیر و بی حاصل باقی خواهد ماند؛ چه آنکه در حال حاضر نیمی از مردم جهان از نظر دست رسی به آب بهداشتی و کافی در تنگنایند و حدود ۵/۲ درصد از آنان با خطر مرگ و گرسنگی شدید روبه رو هستند.(۲)

* سِر نیکولاس استرن، اقتصاددان ارشد سابق بانک جهانی نیز با تهیه گزارشی ۷۰۰ صفحه ای در مورد تغییر وضعیت آب و هوایی زمین برای دولت بریتانیا، اعلام داشته است که در صورت کوتاهی دولت ها از مقابله جدی با این مشکل، جهان با بحران اقتصادی بزرگی روبه رو خواهد شد و تا سال ۲۰۵۰، بخش های بزرگی از کره زمین غیرقابل سکونت خواهد گردید. بنابراین گزارش، بی اعتنایی به تغییر وضعیت آب و هوایی زمین می تواند به مشکلات زیر بینجامد:

سیل ناشی از بالا رفتن سطح آب دریاها، حدود صد میلیون نفر را بی خانمان می کند. در نتیجه ذوب شدن یخچال های قطبی، یک ششم جمعیت کره زمین دچار کمبود آب آشامیدنی خواهند شد. حیات وحش به خطر می افتد و در بدترین وضعیت، ۴۰ درصد از انواع موجودات حیات وحش منقرض می شوند.

۱- ایران، دوشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۸۴، سال یازدهم، ش ۳۲۲۹.

۲- مژگان جمشیدی، «سه دهه سیاه در پیش است»، همشهری، جمعه ۱۰ خرداد ۱۳۸۱، سال دهم، ش ۲۷۳۷.

نتیجه خشک سالی، پدید آمدن میلیون ها «پناهنده آب و هوایی» خواهد بود. ادامه روند موجود می تواند به کاهش رشد اقتصادی در جهان تا ۲۰ درصد بینجامد، در حالی که مقابله با این مشکل در حال حاضر تنها یک درصد تولید ناخالص داخلی کشورها را به خود اختصاص می دهد.

حرکت به سوی دنیایی که در آن از سوخت های فسیلی کمتری استفاده شود، به معنای اندکی فقیرتر بودن است، ولی اگر این اقدام به تعویق بیفتد، هزینه های آن برای مردم دنیا بسیار بیشتر خواهد بود.

دمای زمین در صورت ادامه روند کنونی، در ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال آینده با ۵ درجه افزایش روبه روخواهد شد.

که عواقب آن مانند وضعیت آخرین دوره عصر یخبندان خواهد بود. بدون اقدام جهانی، حدود ۲۰۰ میلیون نفر از مردم زمین به علت خشک سالی یا سیل، آواره خواهند شد.(۱)

* در حال حاضر روزانه ۳۸ تا ۴۲ هزار تن انواع زباله های شهری در کشور تولید می شود که از این مقدار، حدود ۵/۶ تا ۷ هزار تن فقط در تهران تولید می شود. بررسی ها نشان می دهد بسیاری از این پس مانده ها که حاوی پس ماندهای صنعتی و بیمارستانی هستند و در شمار مواد زاید خطرناک قرار می گیرند، بدون رعایت ملاحظات زیست محیطی و فنی، در محیط تخلیه می شوند که آلودگی شدید آب و خاک را در بسیاری از مناطق کشور به همراه داشته است.(۲)

* بر اساس اطلاعات موجود، میزان تولید زباله های جامد صنعتی کشور در

۱- مقاله «هشدار در مورد تغییر وضعیت آب و هوایی زمین»، نیازمندی های جام جم، یک شنبه ۱۴ آبان ۱۳۸۵.

۲- هفته نامه برنامه، شنبه ۱۳ تیر ۱۳۸۳، ش ۷۲.

کارگاه های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر، از حدود ۲۳۶۴ هزار تن در سال ۱۳۷۴، با رشد سالانه ۲/۱۸ درصد، به ۴۶۱۶ هزارتن در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است. در مجموع در طول سال های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸، حدود ۶/۱۶ میلیون تن زباله صنعتی در کشور تولید شده است که بخش زیادی از آنها به صورت غیر اصولی و بدون رعایت موازین حفظ محیط زیست، در محیط تخلیه شده اند.(۱)

* در صد سال گذشته، دمای هوای زمین به واسطه وجود گازهای گل خانه ای، به طور متوسط یک درجه گرم تر شده است. همین یک درجه افزایش دما سبب شده است که مقدار زیادی از یخ های قطب های شمال و جنوب ذوب شود. در پنجاه سال گذشته، به علت ذوب شدن یخ های قطب جنوب و جدا شدن تکه های یخ از قطب، جمعیت پنگوئن ها به نصف کاهش یافته است.(۲)

* در حال حاضر، دو میلیارد نفر از مردم دنیا به آب پاکیزه دست رسی ندارند.(۳)

* واقعیت این است که هر ساله ۵/۲ میلیون تن آفت کش شیمیایی در جهان مصرف می شود.(۴)

*به طور کلی، روزانه در نواحی شهری کشور ۳۰ هزار، در روستاها

۱- هفته نامه برنامه، شنبه ۱۳ تیر ۱۳۸۳، ش ۷۲.

۲- همشهری، سه شنبه ۲ مرداد ۱۳۸۰.

۳- جام جم، شنبه ۲۹ فروردین ۱۳۸۳.

۴- جام جم، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۳.

۱۵ هزار و در بیمارستان ها، ۳۵۰ تن زباله تولید می شود.(۱)

* سالانه ۱۰ میلیارد تومان از سرمایه های پایتخت (تهران) صرف جمع آوری زباله از کانال ها و جوی های آب می شود.(۲)

* روزانه حدود ۴۰ هزار تن زباله در بخش شهری کشور تولید می شود.(۳)

* متأسفانه آفت کش ها، مشکلات متعددی را ایجاد کرده اند، به گونه ای که سالانه یک میلیون نفر به وسیله آفت کش ها، مسموم وحدود ۲۰ هزار نفر تسلیم مرگ می شوند. از دیگر آثار مستقیم و غیرمستقیم مصرف سموم، تجمع آفت کش ها در مواد غذایی، ایجاد سرطان در انسان، آلودگی محیط زیست، از هم گسیختگی اکوسیستم ها و از میان رفتن شکارچیان طبیعی آفات و بیماری هاست.(۴)

* ما در جهانی زندگی می کنیم که در هر ۱۰ ثانیه، کودکی از بیماری بر اثر آب آلوده می میرد و یک پنجم تمام مرگ و میرها به سبب آلودگی های زیست محیطی است.(۵)

* از تخریب جنگل های بارانی،(۶) عدد و رقم مشخصی در دست نیست. بر اساس یافته های پژوهشی، دست کم ۵۰ میلیون هکتار از این جنگل ها در سال

۱- جام جم، چهارشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۸۳.

۲- جام جم، چهارشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۸۳.

۳- جام جم، یک شنبه ۳ خرداد ۱۳۸۳.

۴- جام جم، یک شنبه ۳ خرداد ۱۳۸۳.

۵- همشهری، شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۸۱.

۶- اصولاً جنگل های بارانی به وسیله دو عامل شناخته می شوند: موقعیت که در نواحی گرم قرار دارند، و میزان بارندگی در آنها که در سال چهار تا هشت متر در جنگل های مناطق حارّه ای باران می بارد.

تخریب می شود که این مقدار با مساحت کشور انگلستان، ولز و اسکاتلند برابر است.(۱)

* مصرف سوخت فسیلی در کشورهای صنعتی، علت انتشار دو سوم گاز کربنیک حاصل از این سوخت هاست. گاز کربنیک، گاز اصلی گل خانه ای است. سوخت های مصرف شده در این جوامع، سه چهارم اکسیدهای گوگرد و ازت به وجود آورنده باران های اسیدی را آزاد می کند. کارخانه های این کشورها بخش بزرگی از زباله های شیمیایی زیان آور جهان را به وجود می آورند. تأسیسات نظامی ۹۹ درصد کلاهک های اتمی دنیا را ساخته است. نیروگاه های اتمی شان نیز ۹۶ درصد ضایعات رادیو اکتیو جهان را ایجاد کرده است. همچنین کولرهای گازی، افشانه ها و کارخانه های آنها ۹۶ درصد کلرو فلورو کربن (C.F.C) منهدم کننده لایه محافظ ازن زمین را آزاد می سازد. بر اساس یک برآورد، هر شهروند متوسط کشورهای صنعتی، سه بار آب شیرین، ده بار انرژی و نوزده بار آلومینیوم بیشتر از هر شهروند متوسط کشورهای در حال توسعه مصرف می کند.(۲)

* به نظر کارشناسان، بطری هایی که برای عرضه نوشابه موسوم به خانواده تولید می شود، از نوع موادی است که قابل بازیافت نیست.(۳)

* متأسفانه در حال حاضر، تالاب انزلی که جاذبه ای اکوتوریستی به شمار

۱- همشهری، شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۸۱.

۲- همشهری، سه شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۸۰.

۳- بیشتر مطبوعات.

می آیـد، در حال مرداب شـدن است. تالاب، مکانی است با حداقل ۱۵ متر عمق، در حالی که هم اکنون ورود فاضـلاب شـهر رشت از طریق رودخانه زرجوب و ورود کودهای شـیمیایی زمین های کشاورزی به تالاب انزلی موجب شده است کف تالاب ۸ متر بالا بیاید. همچنین ورود مواد شوینده موجود در فاضـلاب به این تالاب، موجب از بین رفتن موجودات زنده و ماهیان آن شده است. این تالاب زمانی متشـکل از حیوان و گیاه بود، ولی در حال حاضـر، حیوانات آن در حال از بین رفتن و گیاهان آن در حال زیاد شدن هسـتند. نیزارها نیز در سـطح تالاب رشد کرده اند و گیاهی به نام «آزولا» ــ نوعی سرخس آبی سرخ رنگ ــ نیز تمـام سـطح تالاب را پوشانـده و مانع از نفوذ نور و اکسـیژن به تالاب می شود. به همین دلیل، تالاب در حال گندیـدگی است.(۱)

* هر فرد، روزانه ۹۰۰ گرم زباله تولید می کند. هر تن زباله حدود ۴۰۰ متر مکعب گاز گل خانه ای دی اکسید کربن متصاعد می کند و از هر تن زباله ۴۰۰ تا ۶۰۰ لیتر شیرابه خارج می شود که می تواند تأثیر خطرناکی روی آب و خاک داشته باشد.(۲)

* بسیاری از مواد موجود در زباله ها سال ها سبب آلودگی و آسیب دیدن محیط زیست می شوند. شیشه و قوطی های فلزی و به ویژه آلومینیومی صـدها سال روی زمین باقی می ماننـد. کیسه ها و ظروف پلاستیکی تجزیه ناپذیرنـد و به طور متوسط ۵۰۰ سال در محیط باقی می مانند. کیسه های پلاستیکی همراه باد

۱- مصاحبه دکتر پرویز کردوانی، ایران جمعه، سال نهم، ش ۲۴۴۷.

۲- جام جم، سه شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۸۲.

همه جا پخش می شوند و بیشتر آنها سر از دریا درمی آورند و جانداران با بلعیدن آنها می میرند. چنانچه پلاستیک و نایلون موجود در زباله سوزانده شود، اسیدکلرید ریک ایجاد می کند که سبب آلودگی هوا و آسیب رساندن به انسان و دیگر موجودات می شود. بعضی از زباله های خانگی مثل انواع باتری، لامپ های مهتابی و جیوه ای و لوازم الکترونیکی به علت داشتن سرب، جیوه و کادمیوم در ترکیب خود، خطرناک هستند. همچنین تعویض خانگی روغن موتور ماشین و جاری کردن آن در فاضلاب شهری به دلیل وجود مواد سمّی، سبب آلودگی آب ها می شود. یک لیتر روغن موتور می تواند تا یک میلیون لیتر آب سالم را آلوده کند.(۱)

* یک پنجم جمعیت جهان در صد کشور تحت تأثیر بیابان زایی قرار دارند.(۲)

* ۹۰ درصد از اراضی کشور ایران در معرض تخریب ناشی از فرسایش بادی و آبی قرار دارند.(۳)

* شمار تقریبی مرگ و میرهای ناشی از آلودگی هوای شهرها در سراسر جهان به رقم سالانه ۷۵۰ هزار نفر افزایش یافته است که بیش از ۵۳۰ هزار نفرشان در آسیاست.(۴)

* به گفته مدیر نظارت بر طرح های فاضلاب کشور (ایران)، سالانه حدود

۱- جام جم، سه شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۸۲.

۲- نک: «شالوده آسایش سرزمین»، مجید مخدوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، مقدمه کتاب.

۳- اطلاعات، پنج شنبه ۲۳ آذر ۱۳۸۵، ش ۲۳۸۰۰.

۴- جام جم، دوشنبه ۲۷ آذر ۱۳۸۵، سال هفتم، ش ۱۸۹۲.

۲۵ میلیارد متر مکعب آب کشور در معرض آلودگی با پساب های فاضلاب ها و آلاینده ها قرار دارد.(۱)

* بر اساس گزارش سازمان بازرسی کل کشور، میزان آلاینده های هوا در ایران بیش از ۸ برابر استاندارد جهانی است و شرایط محیط زیست ایران بین ۱۴۶ کشور جهانی در ردیف ۱۳۲ قرار دارد که به استناد این آمار، آلودگی هوا در ایران یک «تهدید ملی» است که سلامت انسان ها را به خطر انداخته است.(۲)

حال، شما خواننده محترم، خود قضاوت کنید. آیا با این همه تهدیدی که هستی و جسم و جانمان را از شش جهت فراگرفته و هر لحظه ممکن است همچون بختک بر سرمان فرود آید، دیگر آرامشی برای امروز و امیدی برای فردایمان باقی می ماند!

۵. زمینه های تخریب محیط زیست در ایران

۵. زمینه های تخریب محیط زیست در ایران

هر زیست بومی در هر وضعیتی، ظرفیت تحمل معینی دارد. افزایش سریع جمعیت به همراه بهره برداری غیر اصولی از منابع و ورود آلودگی به محیط، روند تخریب را بر محیط زیست تحمیل کرده است. رشد جمعیت در کشور در حالی صورت می گیرد که بعضی از منابع مورد استفاده تراز منفی را نشان می دهد و پیامد تخریب آنها پیوسته ابعاد تازه ای به خود می گیرد.

رشد شهرنشینی در چند دهه گذشته بسیار چشم گیر بوده است و شهرهای بزرگ به علت تراکم جمعیت و فعالیت های صنعتی به مناطق بحرانی تبدیل

۱- جام جم، دوشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۸۵، سال هفتم، ش ۱۸۱۲.

۲- جام جم، چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۳۸۵، سال هفتم، ش ۱۸۹۴.

شده اند، به گونه ای که جمعیت شهرنشـین هفت شـهر بزرگ کشور از ۳۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۱ درصد در سال ۱۳۷۵ رسـیده است. رشد روزافزون جمعیت، موجب افزایش نیاز به غذا، افزایش تولیدات کشاورزی و تأثیر منفی بر منابع طبیعی شده است. همچنین روش کشت متمرکز، به کاربرد وسـیع نهاده های کشاورزی به ویژه استفاده روزافزون از سموم و انواع کودهای شیمیایی انجامیده است. چنین کاربردهایی ـ اگرچه در کوتاه مدت ـ سبب افزایش تولیدات کشاورزی می شود، ولی در بلند مدت، علاوه بر آلوده سازی رودخانه ها، دریاها و خاک، فرسایش ژنتیکی و تهدید بسیاری از گونه های جانوری و گیاهی را در پی دارد. تراکم فعـالیت های صـنعتی در برخی مناطق کشور، افزون بر تغییر کاربری زمین ها به فعالیت های صـنعتی، محیط را با مشـکلاتی چون پساب های صنعتی، آلودگی آب های زیرزمینی و سطحی و آسیب دیدن دیگر اراضی کشاورزی و منابع طبیعی پیرامون روبه رو کرده است. از فعالیت های مخاطره آمیز بخش صنعت و معدن به موارد زیر می توان اشاره کرد:

الف) رشد نامتوازن صـنعت به ویژه بدون مکان یابی مناسب و با در نظر گرفتن مؤلفه های اقتصادی، اجتماعی و گاه سیاسی به جای ملاحظات زیست محیطی؛

ب) فرسوده بودن صنایع کشور و نبود سامانه تصفیه مناسب در بیشتر خروجی ها؛

ج) قابل توجه بودن میزان پس ماندهای صنعتی جامد و دود و دوده و

گازهای زیان آور؛

د) تخریب چشم اندازهای طبیعی؛

ه) تخریب خاک سطحی و از بین بردن پوشش گیاهی و زیست گاه های جانوری بر اثر ساخت جاده ها و خاک برداری غیر اصولی و انفجار؛

و) ایجاد زه آب های اسیدی؛

ز) رهاسازی و انتشار انواع آلاینده ها به ویژه فلزات سنگین و پس ماندها در محیط؛

ح) افزایش بار رسوبات رودخانه ها و تجمع آنها در پشت سدها و آبگیرهای طبیعی.

در برخی از قلمروهای زیستی کشور ممکن است عوامل بحران زیست محیطی، از خارج و کشورهای هم جوار نیز وارد شوند، مانند آلودگی آب های دریای خزر و خلیج فارس و همچنین آثار ویرانگر جنگ خلیج فارس.(۱)

۱- مقاله «توسعه پایدار بدون حفظ محیط زیست ممکن نیست»، اطلاعات، یک شنبه ۲۲ تیر ۱۳۸۲، ش ۲۲۸۱۸.

فصل سوم: اسلام و مبانی حفاظت از طبیعت و محیط زیست۱

اشاره

فصل سوم: اسلام و مبانی حفاظت از طبیعت و محیط زیست(۱)

زیر فصل ها

۱. اصول مکتب زیست محیطی اسلام

۲. مبانی فقهی حفظ محیط زیست

۳. قواعد فقهی حفظ محیط زیست

۱. اصول مکتب زیست محیطی اسلام

۱. اصول مکتب زیست محیطی اسلام

اگرچه در هیچ یک از منابع اسلامی به عنوان محیط زیست، حکمی مطرح نشده است، ولی در آیات قرآن و احادیث معصومان علیهم السلام احکام زیادی درباره عناصر طبیعت چون آب، خاک، کوه ها، دریاها و مانند آن وجود دارد که به کمک آنها می توان مقررات دقیقی برای مسائل زیست محیطی به دست آورد. برای پیش گیری از تخریب محیط زیست، عوامل و عناصر مختلفی را باید درنظر گرفت که مسائل فرهنگی به ویژه مذهبی در شمار آنها و بلکه از مهم ترین آنهاست. مکتب زیست محیطی اسلام، به تمام جنبه های انسان، محیط زیست و جهان هستی در ارتباطی هماهنگ در مسیر الهی توجه می کند و محیط زیست را از این پیوند، جدا نمی داند. بنابراین، در این مکتب، مبانی حفاظت محیط زیست در موازنه با نظام هستی و در ارتباط با خالق این نظام جریان می یابد.

بر اساس اصول مکتب زیست محیطی اسلام، اجرای سیاست توسعه پایدار و بی زیان، نیازمند اِعمال تغییرهای اساسی در معیارها و ارزش های ماست. امروزه دلایل اصلی تخریب محیط زیست در آزمندی، بی مسئولیتی و

-۱

بی توجهی به ارزش های والای انسانی است و به همین دلیل، باید تحولی در ارزش های ما صورت گیرد. در بسیاری از اوقات، رعایت اصول حفظ محیط زیست با یک سلسله محرومیت های مادی همراه است و دلیلی ندارد که یک فرد، بی جهت و بدون انگیزه معنوی، آن محرومیت ها را تحمل کند، مگر اینکه معتقد باشد این محرومیت ها در سرای دیگر بدون «پاداش» نخواهد ماند.

از این رو، دعوت مردم به حفظ محیط زیست بدون انگیزش ریشه های مذهبی در آنان بی اثر یا کم اثر خواهد بود. به همین دلیل، باید کوشید تا عوامل مخرب زیست محیطی، در پرتو ایمان و تقوا و عقیده به جهان دیگر و نظام مکافات، تضعیف شوند. بر اساس اصول اعتقادی مکتب زیست محیطی اسلام، بین اعمال انسان و نظام تکوینی زندگی او پیوند نزدیکی وجود دارد، به گونه ای که اگر انسان بر اساس فطرت و آفرینش گام بردارد، برکات الهی شامل حال او می شود.(۱) هرگاه نیز برخلاف قوانین آفرینش رفتار کند، نظام آراسته و صالح جاری به فساد می گراید و زندگی او را تباه می سازد. بر این اساس، بحران زیست محیطی کنونی، حاصل انحطاط انسان در عرصه محیط زیست است.

در توضیح باید گفت از آنجا که خداوند، مالک و حاکم و مدبّر هستی است، برنامه های تکاملی انسان باید تحت عنایت آن مدبّر بزرگ قرار گیرد. بنابراین، راه مستقیم تنها آن راهی است که به سوی او منتهی می شود و جز این راه، هر طریق دیگری انحرافی و به سوی باطل خواهد بود. دلیل این مسئله

۱- «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعا برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می گشودیم، ولی تکذیب کردند، پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم.» اعراف:۹۶

کاملاً روشن است؛ زیرا تمایلات هوس آلود همیشه یک بعدی است. می دانیم که یکی از عوامل مهم فساد، تخریب و نابودی محیط زیست، برنامه های یک بعدی است که ابعاد دیگر هرگز در آن مورد توجه قرار نمی گیرد. به هرحال، نقطه مرکزی بودن آدمی بر روی زمین سبب می شود که اگر انسان در انتخاب خود، در راه پیروی از اراده الهی گام نگذارد و به جاده ناهموار حق ناشناسی و کفران نعمت و عصیان کشیده شود، در جهان آفرینش، به صورت اغتشاش گر درمی آید که هم اکنون در این عصر، شاهد آنیم.

خداوند در قرآن می فرماید:

ظَهَر الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ اَیْدِی النّاسِ لِیُذیقَهُمْ بَعْضَ الَّذِی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ.(روم: ۴۱)

فساد در خشکی و دریا به سبب کارهایی که مردم انجام داده اند، آشکار شده است. خدا می خواهد نتیجه بعضی از کردارشان را به آنان بچشاند. شاید [به سوی حق] بازگردند.

مراد از فساد در زمین، مصایب و بلاهای عمومی است که یکی از منطقه ها را می گیرد و مردم را نابود می کند، مانند زلزله، نیامدن باران، قحطی، بیمارهای واگیر، جنگ ها،... همه اینها فسادی است که در دریا و خشکی، پدید می آید و خوشی و طیب عیش انسان ها را از بین می برد.(۱)

بر این اساس، هر جا فسادی ظاهر شود، بازتاب رفتار مردم است و در ضمن، یک هدف تربیتی دارد تا مردم طعم تلخ نتیجه اعمالشان را بچشند؛

۱- نک: المیزان، ج ۱۶، صص ۲۹۲ و ۲۹۳.

شایـد به خود آیند. از جمله اصول عملی مکتب زیست محیطی اسـلام، اصل شـکران و کفران نعمت است. بر اساس این اصل، کفران نعمت، تنها به این معنی نیست که انسان ناسپاسـی خـدا گویـد، بلکه هر گونه بهره گیری منفی و سوء اسـتفاده از نعمت، کفران نعمت است و اصولاً ـ حقیقت کفران نعمت همین است. پس اگر هزاران بار با زبان، سـپاس خـدا گفته، ولی در عمل از نعمت الهی سـوء اسـتفاده شـود، کفران نعمت شـده است. در همین زمینه، تـوجه به آیه ۱۳ سوره سـبأ جـالب توجه است. تعبیر قرآن با جمله «اعملوا... شُـكْرا» بیانگر آن است که شـکر بیشتر از مقوله «عمل» است و شـکر واقعی از طریق اعمال انسان امکان پـذیر خواهـد بود. شایـد به همین دلیـل، قرآن تعـداد شـکرگزاران واقعی را انـدک شـمرده است: «وَ قَلِیـلٌ مِنْ عِبادِیَ الشَّکُورُ». (سبأ:۶)

بنـابراین، شـکرگزاری و کفران نکردن، تنهـا یـک مسـئله تشـریفاتی و گفتن بـا زبان نیست، بلکه منظور آن است که انسان هر نعمتی را درست و به جای خود مصـرف کند و در همان هدفی که برای آن آفریده شده است، به کار گیرد. متأسفانه در همین عصـری که مـا زنـدگی می کنیم، برجسـته ترین نمونه این تبـدیل نعمت به کفران، به چشم می خورد. نیروهـای مختلف جهان طبیعت در پرتو هوش و ابتکار خـدادادی بشـر به دست انسان مهار می شود و به جای آنکه آن را در مسـیر رضای خـدا به کار گیرد. در جهت تخریب و سـتم و فساد به کار می گیرد. نتیجه طبیعی این کفران، کیفر سـخت الهی است: «هر کسـی که نعمت خدا را پس از آنکه به او رسید، دگرگون سازد، [بداند که] خداوند سخت کیفر است». (بقره: ۲۱۱)

در مکتب زیست محیطی اسلام، «آسمان ها و زمین بر اساس عدالت (تعادل) به پا داشته شده» است(۱) و عدالت و بی عدالتی به عنوان دو ملاک اساسی برای تشخیص فضایل و معایب یا صلاح و فساد مطرح می شود. قرآن کریم می فرماید: «همانا خداوند شما را به عدل و احسان فرمان می دهد» (نحل: ۹۰) و «خداوند عدالت پیشه گان را دوست دارد» (ممتحنه: ۸).

بر اساس اصل عدالت، هیچ فرد، گروه یا دولتی مجاز نیست از طبیعت و منابع خدادادی آن به گونه ای بهره کشی کند که تعادل و توازن اکولوژیکی موجود به هم بخورد یا عرصه کار و زندگی بر دیگران تنگ شود. مسئله توزیع عادلانه منابع از نظر زیست محیطی نه تنها شامل عدالت بین افرادی است که در حال حاضر در قید حیاتند، بلکه عدالت بین آنها و نسل های آینده را نیز دربرمی گیرد. برای مثال، اگر در ماهی گیری، میزان ماهی صید شده یا در شکار پرندگان و دیگر حیوانات، میزان شکار از زاد و ولد آنها بیشتر باشد، تعداد ماهیان، پرندگان و دیگر حیوانات شکاری به تدریج کاهش می یابد. در بُعد کلی تر، ممکن است بر اثر صید و شکار بی رویه یا محدود شدن محیط زندگی (از دست رفتن زیست گاه)، نسل هرگونه جانوری از بین برود که در آن صورت، نسل های آینده برای همیشه از آن منبع محروم خواهند شد. اینک این پرسش مطرح است که آیا درست و عادلانه است کسانی که امروز زندگی می کنند، منابع و فرصت های اقتصادی ناشی از آن را از دیگران سلب کنند و با کسب منافع از آنها، مخارج آن را به نسل های بعدی واگذار کنند؟

۱- «بِالْعَدْلِ قامَتِ السَّمواتُ وَ الْأَرْضُ».

بنابراین، برخورداری انسان از چنین امکاناتی سبب طرح مسئولیت وی در برابر طبیعت و جهان آفرینش است. تصمیم های غلط و اقدامات غیرمسئولانه بشر، گاه می تواند آسیب های جبران ناپذیری بر تعادل و سلامت محیط زیست وارد آورد. مسلّم است که واکنش چنین آسیب هایی، دیر یا زود، مستقیم یا غیرمستقیم دامن گیر بشر می شود، چنان که قرآن کریم نیز فرموده است:

ظَهَرَ الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ أَیْدِی النّاسِ... (روم: ۴۱)

فساد در خشکی و دریا به سبب کارهایی که مردم انجام داده اند، آشکار شده است. خدا می خواهد نتیجه برخی کردارشان را به آنها بچشاند. شاید [بیدار شوند] و به سوی حق بازگردند.

بر اساس اصول عملی مکتب زیست محیطی اسلام، فرد و حکومت اسلامی، در قبال محیط زیست، مسئولیت های ویژه ای دارند. بر این اساس، احکام عملی محیط زیست در اسلام دارای دو جنبه فردی و حکومتی است که در دو طیف عملکردی مطرح می شوند. در جنبه اول، یکایک افراد جامعه اسلامی در برابر محیط زیست مسئولند. این جنبه از مسئولیت، چون جنبه فردی دارد، محدود به توانایی فرد است که از گرایش به رفتار هنجار زیست محیطی و پرهیز از رفتارهای ناهنجار زیست محیطی تجاوز نمی کند.

جنبه دوم اصول عملی مکتب زیست محیطی اسلام، جنبه اجتماعی دارد و از شئون حکومت اسلامی به شمار می رود. در این جنبه، حکومت اسلامی موظف است افراد و گروه هایی را که رفتار نا به هنجار زیست محیطی دارند، به رفتارهای بهنجار ارشاد و الزام کند و هر جا که منافع فرد و اجتماع در تقابل با هم قرار گیرند، منافع اجتماع را در نظر بگیرد و فرد را ملزم به انجام رفتاری

در قبال محیط زیست کند که به سود اجتماع است.

۲. مبانی فقهی حفظ محیط زیست

اشاره

۲. مبانی فقهی حفظ محیط زیست

در زمینه مباحث فقهی مرتبط به محیط زیست نمی توان از مجموعه آثار فقهی قرون گذشته، شیوه نظام واری را متناسب با نیازها و دریافت های بشر معاصر به دست آورد، ولی در لابه لای مباحث فقهی از قبیل طهارت، جهاد، لقطه، احیای موات، صید و ذباحه و حتی حدود و دیات می توان بحث های متنوع و مرتبطی یافت. در این بخش ها، صدها خبر در مجموعه های روایی به چشم می خورد که بحث های فقهی معمولاً بر محور آنها طرح شده است.

الف) دلیل عقلی

الف) دلیل عقلی

مقصود از حکم عقل در مسئله محیط زیست، بخشی از مدرکات عقل عملی است که در کتاب های اصولی متأخر به آن توجه کرده اند و بر قاعده کلامی حسن و قبح عقلی که نزد عدلیه به رسمیت شناخته شده و نیز قاعده ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع استوار گشته است. در این باره، هر گونه اقدام انسانی که به برهم خوردن توازن و تعادل محیط زیست بینجامد و موجب اخلال در نظام زندگی شود، قبیح است. در مقابل، تلاش آدمی در جهت حفظ محیط زیست و احیای آن که به تقویت توازن و تعادل عناصر آن می انجامد، موجب حفظ نظام و بقای نوع و مصداق عمل نیکو و پسندیده است. نتیجه حکم به ضمیمه قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، وجوب شرعی اصلاح محیط زیست و حرمت تخریب آن است.

ب) قرآن کریم

ب) قرآن کریم

اول:

وَ إِذا تَوَلّی سَعی فِی الْأَرْضِ فِیها وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللّه ُلا یُحِبُّ الْفَسادَ.(۱) (بقره: ۲۰۵)

و چون برگردد [یا ریاستی یابد]، می کوشد که در زمین فساد کند و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند، تباه کاری را دوست ندارد.

آیه در شأن منافقی به نام اخنس بن شریق ثقفی نازل شده است. وی در مدینه نزد پیامبر به اسلام تظاهر کرد، ولی چون بیرون آمد، کشتزار گروهی از مسلمانان را آتش زد و چارپایی را پی کرد.(۲) از آنجا که تخریب منابع محیط زیست در نهایت به هلاک نسل آدمی می انجامد، مصداق فساد در زمین است. از سویی آیه در مقام تقبیح فساد در زمین است و بر اساس ذیل آیه، هیچ گونه فسادی، محبوب الهی نیست و اراده تشریعی خداوند بر ضد آن تعلق گرفته است. این معنا به ضمیمه نهی «لا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها» (اعراف: ۸۵) کبرای قیاس را تشکیل می دهد و نتیجه آن، حرمت هر گونه اقدام تخریب کننده محیط زیست است.

دوم:

هُوَ أَنْشَأَکُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَکُمْ فِیها... (هود: ۶۱)

او (خدا) شما را از زمین پدید کرده و در آن آبادگر نهاده است... .

۱- در نگارش این بحث، از مقاله «مبانی و احکام فقهی محیط زیست» نوشته آقایان: احسان تاریمرادی و محمدتقی فخلعی استفاده شده است.

۲- جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۳۸.

عمـارت، به معنی قرار دادن زمین در حالتی است که بتوان از فوایـد مترتب بر آن انتفاع جست.(۱) برخی فقیهان از دلالت آیه به وجوب عمران و آبادانی زمین با کشت و زرع و کاشت درخت و احداث ابنیه سـخن گفته اند؛(۲) چه آنکه «استعمار»، طلب عمران بوده و طلب مطلق از خداونـد، دالّ بر وجوب است.(۳) بنابراین، بایـد گفت که آیه به دلالت منطوقی (ظاهری) به لزوم اقـدام به عمران و آبـادانی محیـط زیست انسانی و با ملازمه عقلی بر نهی از ضـد آن؛ یعنی عـدم عمران دلالت دارد و چون از عدم عمران، نهی شده باشد، به اولویت قطعی، تخریب و ویرانی زمین هم متعلق نهی شرعی خواهد بود.

سوم:

ظَهَرَ الْفَسادُ فِی البَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ أَیْدِی النّاسِ لِیُذِیقَهُمْ بَعْضَ الَّذِی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ یَرْجِعون (روم: ۴۱)

به سـبب عملکرد مردم، فساد در خشـکی و دریا نمودار شده است تا [سزای]بعضی از آنچه را کرده اند، به آنان بچشاند. باشد که باز گردند.

آیه، ناظر به پیامدهای ناخوشایند دنیوی است که بشـر باید در نتیجه مفاسد آشکار در زمین، آن را تحمل کند. بی گمان، همه اقـداماتی که به تخریب و نـابودی منـابع محیط زیست بینجامـد و نیز ویرانی های سـطح کره زمین از قبیل فرسایش ها، سـیلاب هـای مخرب، آلودگی هـای آب و خـاک وماننـد آن، که از بی تـدبیری آدمیـان و رفتـار غیرمسـئولانه آنان برای پیش گیری سرچشمه می گیرد،

۱- المیزان، ج ۱۰، ص ۳۱.
۲- طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۶۴.
۳- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۹، ص ۵۵.

مصـداق فسـاد ظـاهر در آیه کریمه است و پیش از عقوبت اخروی، بایـد کیفر دنیوی آن را چشـید. این عقوبت دنیوی، سـزای نظاره گر شدن ویرانی محیط زیست انسان و به هم خوردن تعادل و توازن آن است که انبوه بلاها را بر سر انسان می آورد.

چهارم:

وَ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لاتُسْرِفُوا اِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفینَ (اعراف: ۳۱)

وَ لا تُبَذِّرْ تَبْذِیراً اِنَّ الْمُبَذِّرِینَ کانُوا اِخْوانَ الشَّیاطِینِ وَ کانَ الشَّیْطانُ لِرَبِّه کَفُوراً. (اسراء: ۲۷)

درباره این آیات، چند نکته درخور توجه است:

نخست آنکه نهی از اسـراف و تبذیر، نهی تحریمی است و قرینه هایی چون: «إِنَّ الْمُسْـرِفِینَ هُمْ أَصْـحابُ النّارِ» (غافر: ۴۳)، «إِنَّ الْمُبَذِّرِینَ کانُوا إِخْوانَ الشَّیاطِینَ.» (اسـراء: ۲۷) «إِنَّ اللّه َلا یَهْـدِی مَنْ هُوَ مُسْـرِفٌ کَذّابٌ» (غافر:۲۸) بر شـدت حرمت آن دلالت دارد.

دوم اینکه گرچه در آیه سوره اعراف، نهی از اسراف در پی امر به خوردن و آشامیدن آمده است و این می تواند اختصاص را بفهماند، ولی به قرینه آیات دیگر از جمله «وَ آتُوا حَقَّهُ یَوْمَ حَصادِهِ وَ لا تُسْرِفُوا» (انعام: ۴۱)، اسراف، هرگونه عمل زیاده از حد اعتدال را دربرمی گیرد.

از آنجا که در روایات، مواردی همچون دور انداختن هسـته خرما و بر زمین ریختن زیادی آب، اسـراف شمرده شده است،(۱) بی شک، به کارگیری بی رویه

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۰۳.

محیط زیست و اموری از قبیل قطع درختان و شکار حیوانات و هدر دادن منابع مهم آب و گیاه از برجسته ترین مصداق های اسراف و تبذیر به شمار می رود. به گفته علامه طباطبایی: «اسراف در مقوله انفاق و اصلاح حرام است، چه رسد به افساد و تخریب».(۱) در آیه دوم، مبذّران، برادران شیاطین نامیده شده اند که دو معنی دارد: نخست آنکه در پیروی از شیطان و سلوک مسیر او، برادر شیطانند. دوم آنکه در دوزخ، همراه و همگن شیطان هستند.

پنجم:

وَ لا تُؤْتُوا السُّفَهاءَ أَمْوالَكُمُ الَّتِی جَعَلَ اللّهُ لَكُمْ قِیاما....(نساء: ۵) به قرینه اضافه شدن «اموال» در حالت جمع به ضمیر خطاب جمع که همه مکلفان را دربرمی گیرد، می توان چنین استنباط کرد که اموال و ثروت های عمومی از قبیل مباحات اصلی و مشترکات(۲) موضوع آیه را تشکیل می دهند؛ چه آنکه منابع محیط زیست معمولاً این گونه اند. خداوند، مالک حقیقی این اموال است و آن را مایه قوام و معاش جامعه اسلامی قرار داده است.(۳) وانهادن این اموال در دست سفیهان سبب خواهد شد که با تصرفات غیرعقلایی خود، قوام جامعه را بر هم زنند و درنظام معیشت مردم اخلال پدید آورند. همچنین مفهوم «سفیه» در آیه کریمه تأمل ویژه ای می طلبد. بی تردید، عاقل نمایانی که به ظاهر از همه ویژگی های هوشمندی و درایت برخوردارند، ولی آن را در مسیر تصرفات

۱- المیزان، ج ۷، ص ۳۶۴.

۲- مشترکات در فقه عبارتند از اشیایی که همه مردم در شرایط برابر از آن استفاده می کنند و سبقت به آنها موجب حق اولویت می شود. الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۲، ص ۲۵۸.

۳- المیزان، ج ۴، ص ۱۷۱.

خودخواهانه در اموال و ثروت های طبیعی به کار می برنـد و حیات بشـر حاضـر و نسل های آینـده را در معرض تهدیـد جدی قرار می دهنـد و نیز مـدیران نالا‌یقی که مسـئول امور محیط زیست و بخش های اجرایی مرتبط بـدان می شونـد، همگی سـفیه هستند و نباید گذاشت این گروه سیطره خود را بر منابع زیست محیطی تحکیم کنند.

ششم:

إِجْعَلْنِی عَلی خَزائِنِ الْأَرْضِ إِنِّی حَفِیظٌ عَلِیمٌ. (یوسف: ۵۵)

یوسف گفت: مرا بر خزانه های این سرزمین بگمار؛ چون من حفاظت کننده ای دانا هستم.

هنگامی که بحران طبیعی به سوی سـرزمین مصر رو آورده بود، حضرت یوسف علیه السلام از پادشاه کشور خواست تدبیر امر ارزاق مردم را به او بسپارد. او گفت که از دو ویژگی حفیـظ و علیم بودن نیز برخوردار است. عقلای عالم به این ویژگی های مهم همواره به عنوان دو شـرط لازم، بلکه کافی برای تصـدی مناصب حساسـی همچون اداره ارزاق عمومی توجه کرده اند. به نظر می رسـد که عبـارت «خزائن الا‌رض» عمومیت دارد و همه ذخـایر طبیعی از جمله منـابع محیط زیست را دربرمی گیرد. به طور کلی، پیام آیه آن است که محیط زیست و سـرمایه های طبیعی تنها بایـد بر عهـده اشخاصـی باشد که از دو ویژگی حفیظ بودن و مسئولیت شناسی و کاردانی و تخصص برخوردارند.

ج) سنت

ج) سنت

در سـنت؛ یعنی سـخن، رفتار و تقریر معصوم علیه السـلام نیز به محیط زیست عنایت ویژه ای شـده است. این مطلب با دقت در مضمون روایات انبوهی که

کیفیت تعامل با جانوران، گیاهان، درختان و مانند آن را بیان می کند، به درستی معلوم می شود. برای نمونه، یک روایت را در اینجا می آوریم و باقی روایات را درباره محیط زیست در بخش دوم از نظر می گذرانیم. روح کلی این روایات، ایجاد حس مسئولیت در برابر پدیده های طبیعی و موجودات پیرامون آن است. این امر در نخستین خطبه امام علی علیه السلام در آغاز خلافتش تجلی یافته است، آنجا که فرمود:

إِتَّقُوا اللّه ‌َفِی عِبادِهِ وَ بِلادِهِ فَإِنَّکُمْ مَسْئولُونَ حَتّی عَنِ الْبِقاعِ وَ البَهائِم.(۱)

تقوای الهی را در بندگان خداوند و شهرها رعایت کنید؛ زیرا شما در پیش گاه خداوند حتی درباره خانه ها و حیوانات مسئول هستید.

علامه مجلسی در شرح این عبارت می نویسد:

سؤال از زمین ها، آنکه چرا این را ویران و دیگری را آباد کردید و چرا خداوند را در آن نپرستیدید و سؤال از چهارپایان، آنکه چرا آنها را گرسنه رها کردید و به درد آوردید و رعایت حقشان نکردید.(۲)

۳. قواعد فقهی حفظ محیط زیست

اشاره

۳. قواعد فقهی حفظ محیط زیست

دراینجا از مجموعه قوانین کلی سخن به میان می آید که بر تحولات محیط زیست قابل انطباق است. از آنجا که بسیاری از این تحولات از امور حادثی است که در عصر تشریع و دوره های نزدیک بدان اثری از آنها نبوده است، به طور طبیعی انتظار نمی رود که احکام تکلیفی و وضعی مرتبط بدان ها به طور خاص از مدارک کتاب و سنت به دست آید. در این میان، قواعد و اصول کلی

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷.

۲- بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۲۹۰.

شریعت از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود؛ قواعـدی که راز پویایی و انطباق پـذیری فقه اسـلامی بر حوادث نوپیدای جامعه در آنها نمایان گشته است.

الف) قاعده لاضرر

الف) قاعده لاضرر

این قاعـده مهم فقهی در دلیـل عقلی و سـیره عقلا ریشه دارد و مـدارک کتاب و سـنت(۱) به وفور بر آن دلاـلت می کنـد. به موجب این قاعده، هر حکم اسـلامی که اجرای آن در برخی موارد، زیان مالی یا جانی به کسی برساند، آن حکم در آن مورد قابل اجرا نیست. درباره نسبت این قاعده با مقوله محیط زیست چند نکته در خور توجه است:

نخست آنکه گرچه واژه شـناسان درباره مفهوم ضرر دیدگاه های متفاوتی دارند، ولی به طور کلی پذیرفتنی است که ضرر در مورد نقصان در نفس و مال به کار می رود و همه آسیب های حاصل در محیط زیست به این دو مقوله مربوط می شود.

دوم اینکه این قاعده به ضـررهای شخصـی اختصاص ندارد و شامل اضـرار عمومی هم می شود و حتی اهمیت ضرر عمومی به مراتب بیش از ضـرر فردی است. ضـرر وارد شده به محیط زیست معمولاً از سـنخ ضررهای عمومی است که حیات نوع بشر را به خطر می اندازد.

سوم اینکه درباره مفاد «قاعده لاضـرر» آنچه مسلم است، آنکه ضرر در اسلام، مشروعیت ندارد. این عدم مشروعیت، هم شامل مرحله قانون گذاری و

۱- مانند حدیث نبوی: «لا ضَرَرَ وَ لا ضِرارَ فِی الْاءِسْلامِ». وسائل الشیعه، ج ۱۳، باب ۱۳، ص ۳۸، ح ۱۵۴۴۳.

هم شامل فرایند اجرای قانون می شود.(۱) به عبارت دیگر، هر گونه قانون گذاری که به ضـرر انجامد یا هرگونه رفتار فردی و اجتمـاعی که بـدان منتهی شود، به سـبب این قاعـده منتفی شـمرده می شود. بنابراین، در موضوع مورد بحث، قانون گـذار حق نـدارد قـانونی وضع کنـد که به تخریب محیـط زیست بینجامـد. افزون بر آن، هرگونه رفتـار مردم که به اضـرار محیـط زیسـت بینجامد، نامشروع بوده و مشمول نهی تکلیفی است.

چهارم، شـمول قاعـده لاضـرر بر عـدمیات است. در این صورت باید گفت نه تنها خسارت های ناشـی از اقدام های تخریبی با قاعده لاضـرر برداشته می شود، بلکه چنانچه ترک اقدام های اصلاحی و سازنده هم به اضرار محیط زیست بینجامد، این قاعده با آن مقابله خواهد کرد.

بنـابراین، دولت اسـلامی و متصـدیان محیط زیست، خود را مکلف می یابنـد که در مرحله قانون گـذاری و وضع مقررات و به کـارگیری تـدابیر اجرایی، همه توان خود را برای اصـلاح محیط زیست و حمایت از آن صـرف کننـد. برای مثال، به کارگیری روش های علمی برای جلوگیری از فرسایش خاک، احیای مراتع و جنگل ها و گسترش فضای سبز، همه اقـدام های بایسـته ای است که ترک آنها به زیان های جبران ناپذیری می انجامد و قاعده لاضرر با آن مقابله می کند.

از جمله نتایج مترتب بر شـمول قاعده لاضـرر بر عدمیات، اثبات ضـمان است. قاعده لاضـرر نه تنها مانع اضرار به محیط زیست می شود، بلکه ضمان

۱- سیدعلی حسینی سیستانی، قاعده لا ضرر و لا ضرار، ص ۱۳۴؛ ناصر مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۶۸.

خسارت های ناشی از هر گونه اقدام تخریبی یا ترک اقدام اصلاحی را هم بر عهده خسارت زننده قرار می دهد.

ب) قاعده اتلاف

ب) قاعده اتلاف

این قاعـده از آیه «فَمَنِ اعْتَـدی عَلَیْکُمْ فَاعْتَـدُوا عَلَیْهِ بِمِثْـلِ مَـا اعْتَـدی عَلَیْکُمْ» (بقره: ۱۹۰) و روایـاتی چون: «حُرْمَهُ مالِ الْمُسْـلِم کَحُرْمَهِ دَمِهِ»(۱) و «مَنْ أَتْلَفَ مـالَ الْغَیْرِ فَهُوَ لَهُ ضامِنٌ»(۲) برداشت شـده است. بر اساس آن، هر کس به تخریب و اتلاف اموال دیگران بپردازد، مسئول جبران خسـارت است. در این بـاره روایت امام علی علیه السـلام، ارتباط مصـداقی این قاعـده با محیط زیست را بیان می کند.

قَضی فِی مَنْ قَتَلَ دابَّهً عَبَثا أَوْ قَطَعَ شَجَرا أَوْ أَفْسَدَ زَرْعاً أَوْ هَدَمَ بَیْتا أَوْ عَوَّرَ بِئْرا أَوْ نَهْرا أَنْ یُغْرَمَ قِیمَهَ مَا اسْتَهْلَکَ وَ أَفْسَدَ وَ یُضْرَبَ جَلَداتٍ نَکالاً وَ إِنْ أَخْطَأَ وَ لَمْ یَتَعَمَّدْ ذلِکَ فَعَلَیْهِ الْغُرْمُ وَ لا حَبْسَ عَلَیْهِ وَ لا أَدَبَ وَ ما أَصابَ مِنْ بَهِیمَهٍ فَعَلَیْهِ ما نَقَصَ مِنْ ثَمَنِها.(۳)

حضـرت دربـاره کسـی که حیوانی را به ناحق بکشـد یا درختی را قطع یا زراعتی را خراب یا خانه ای را تخریب کنـد یا چاه یا رودی را به عمد بخشـکاند، چنین حکم کرد که باید قیمت آنچه را تخریب کرده و از بین برده است، به عنوان جبران خسارت پرداخت کنـد و تعزیر شود و اگر قصـدی در کـار نبوده است، فقط بایـد جبران خسارت کنـد و تعزیر و حبس و تأدیبی برایش نیست، ولی اگر نقصی بر حیوان وارد کرده باشد، باید جبران کند.

این روایت ضمن یادآوری مسئولیت مدنی ناشی از تخریب و افساد منابع

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۹.

۲- موسوی بجنوردی، قواعد الفقهیه، ج ۳، ص ۱۷.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۹۵.

محیط زیست، بیانگر وظیفه حاکم اسلامی در تحمیل مسئولیت بر مرتکبان است. همچنین از آن استفاده می شود که هرگونه اتلاف عمدی موجب پی گرد کیفری و ثبوت مجازات تعزیری برای تلف کننده است. ازاین رو، فقیهان تأکید کرده اند که در صدق معنای اتلاف، عنصر عمد و قصد (قصد فعل و نتیجه) دخیل نیست و اگر منشأ اتلاف، اقدام ناآگاهانه و اشتباهی هم باشد، باز مشمول قاعده می شود.(۱)

ج) قاعده تسبیب

ج) قاعده تسبیب

این قاعده که اجماع فقیهان بر آن بنا شده، بر روایاتی چون «کُلُّ شَیْ ءٍ یُضِرُّ بِطَرِیقِ الْمُسْلِمِینَ فَصاحِبُهُ ضامِنٌ لِما یُصِیبُهُ»،(۲) «مَنْ حَفَرَ بِئرا فِی غَیْرِ مِلْکِهِ کانَ عَلَیْهِ الضَّمانُ»(۳) و «مَنْ أَضَرَّ بِشَی ءٍ مِنْ طَرِیقِ الْمُسْلِمِینَ فَهُوَ ضامِنٌ لَهُ»(۴) مبتنی است. تفاوت این قاعده با قاعده اتلاف در آن است که اولی شامل تلف بی واسطه و دومی شامل تلف باواسطه می شود.

بر اساس قاعده تسبیب، هر اقدامی که به طور غیر مباشر موجب تخریب، آلودگی و از حیز انتفاع خارج شدن محیط زیست گردد، ضمان آور خواهد بود. نکته درخور توجه آنکه این قاعده، نقش های تسبیبی ناشی از ترک فعل را نیز دربرمی گیرد.(۵) برای مثال، اگر اقدام نکردن به موقع اشخاص یا نهادهای مسئول، سبب خسارت های زیست محیطی شود، به حکم این قاعده، مسئولیت

۱- مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۷.

۲- کافی، ج ۷، ص ۳۵.

۳- کافی، ج ۷، ص ۳۴۹.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۷۹.

۵- محقق داماد، قواعد فقه، ص ۱۲۰.

جبران خسارت بر عهده سبب خواهد بود.

د) قاعده ضمان ید

د) قاعده ضمان ید

این قاعـده از بنای عقلا، سـیره متشـرعه و حـدیث «عَلَی الْیَدِ ما اَخَذَتْ حَتّی تُؤَدّی»(۱) برگرفته شـده است. بنـا به نظر مشـهور فقیهان، شارع به موجب این حـدیث، ضـمانت مالی را که بر آن استیلا یافته اند، بر عهده مسـتولی قرار داده است. بر اساس این قاعـده، بـدیهی است که در صورت استیلا بر منابع محیط زیست، باید برای حفظ آن کوشـید و در صورت ایراد نقص، ارش و در صورت تلف و انهدام آن، ضمان بر عهده فرد، ثابت خواهد بود.(۲)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۷؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۶، ص ۹۵؛ متقی هندی، کنزالعمال، ج ۵، ص ۳۳۷.

۲- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۸۰؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۸۳.

بخش دوم: اخلاق زیست محیطی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

اشاره

بخش دوم: اخلاق زیست محیطی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

زیر فصل ها

فصل اول: آب

اشاره

فصل اول: آب

آب، اساسی ترین عنصر تشکیل دهنده ترکیب ماده سلولی است؛ چه آنکه بخش بزرگی از تمام سلول های زنده در شکل ها، انواع و حجم های مختلف گیاهی، حیوانی و انسانی را آب تشکیل می دهد. ازاین رو، از گذشته های دور مشهور بوده است که آب، عامل حیات هر موجود زنده بر سطح زمین، آسمان و دریاست.

آب قابل استفاده موجود در سطح زمین که از آن به عنوان منبع حیاتی آب یاد می شود و بخش عمده حیات در خشکی و تمامی اقتصاد جهان بدان وابسته است، تنها درصد ناچیزی از آب موجود کره زمین را به خود اختصاص می دهد. با این حال، همین بخش ناچیز، برای تداوم زندگی در سیاره ما اهمیت حیاتی دارد و انسان برای مصرف های گوناگونی از قبیل آشامیدن، غذا، حمل و نقل، شست وشو، تفریح و سرگرمی بدان نیازمند است.

از مجموعه منابع عظیم آب موجود در کره زمین که به حدود ۴/۱ میلیارد کیلومتر مکعب می رسد، ۴/۹۷ درصد آن در اقیانوس ها قرار دارد و ۶/۲ درصد باقی مانده، حدود ۳۶ میلیون کیلومتر مکعب کلّ ذخیره آب شیرین جهان را تشکیل می دهد. همچنین از مجموع ذخیره آب شیرین، ۷۷ درصد آن در کلاهک های یخی قطبی، کوه های شناور یخی و یخچال های طبیعی ذخیره شده است و سرانجام، از ۲۳ درصد باقی مانده آب شیرین، حدود ۹۰ درصد آن آب

زیرزمینی و بقیه آبی است که در رودخانه ها، دریاچه ها، بدن حیوانات، گیاهان و در جوّ زمین یافت می شود.(۱)

۱. آب در آموزه های قرآنی

اشاره

۱. آب در آموزه های قرآنی

آب یکی از نعمت هـای بزرگ الهی در جهـان طبیعت است. در قرآن کریم، از آب بسـیار سـخن به میان آمـده و به ضـرورت بهـداشت و پاکیزگی آن توجه شده است؛ چه آنکه آب، خود پاک است و پاک کننده. قرآن کریم با تعبیرهای مختلف، بیش از پنجاه بار از آب و جلوه های گوناگون آن یاد کرده است: واژه «مآء» بیش از سی بار، واژه «مَطَر» و هم ریشه های آن پانزده بار، واژه «غَیْث» و مشتقات آن شش بار، واژه «وَدْق» دو بار، واژه «وابِل» دو بار، واژه «طَلّ» یک بار، واژه «صَیِّب» یک بار.

اگرچه «رزق» الهی به طور عموم شامل آب، خاک، هوا، خورشید و غیره می شود، ولی برجسته ترین مصداق آن، آب (باران) است. طبرسی در این زمینه نوشته است: «رزق همان باران است که روزیِ موجودات زنده را فراهم می آورد».(۲)

در اینجا به طور خلاصه برخی آموزه های قرآنی را درباره آب و جلوه های آن از نظر می گذرانیم:

الف) آب، منشأ حیات

الف) آب، منشأ حیات

«وَ جَعَلْنـا مِنَ الْمـاءِ کُـلَّ شَـیْ ءٍ حَیٍّ أَفَلا یُؤْمِنُونَ؛ و هر چیز زنـده ای را از آب قرار دادیم، آیـا ایمان نمی آورنـد؟» (انبیاء: ۳۰) خداوند پس از هر بار یاد کردن نزول باران، با

۱- دائره المعارف جامع علوم کشاورزی، ج ۱، ص ۱۶.

۲- طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۷۲.

تعبیرهای گوناگون به اصل بودن آب در حیات زمین تصریح می کند:

و خدا همان کسی است که بادها را روانه می کند. پس [بادها] ابری را برمی انگیزد و [ما] آن را به سوی سرزمینی مرده راندیم و آن زمین را بدان [وسیله] پس از مرگش زندگی بخشیدیم. (فاطر: ۹)

و از نشانه های او [اینکه]برق را برای شما بیم آور و امیدبخش می نمایاند و از آسمان به تدریج آبی فرو می فرستد که به وسیله آن، زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. (روم: ۲۴)

و از آسمان، آبی پربرکت فرود آوردیم... و با آن، سرزمین مرده ای را زنده گرداندیم. (ق: ۹ _ ۱۱)

ب) آب (باران)، وسیله بیداری فطرت

ب) آب (باران)، وسیله بیداری فطرت

قرآن کریم در برخی آیات با طرح این پرسش که آیا شما درباره چگونگی تکوین ابرها و بارش باران اندیشیده اید، وجدان انسان ها را بیدار می کند و آنان را به تفکر در ربوبیت الهی در همه امور و سپس سپاس گزاری از این نعمت ها فرا می خواند:

اَفَرَأَيْتُمُ الْمآءَ الَّذِى تَشْرَبُونَ أَاَنْتُمْ اَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ لَوْ نَشآءُ جَعَلْناهُ اُجاجا فَلَوْلا تَشْكُرُونَ. (واقعه: ۶۸ _ ۷۰)

آیا آبی را که می نوشید، دیده اید؟ آیا شما آن را از [دل]ابر سپید فرود آورده اید یا ما فرود آورنده ایم؟ اگر بخواهیم، آن را تلخ می گردانیم، پس چرا سپاس نمی دارید؟

همچنین خداوند در قرآن می فرماید:

مگر ندیده ای که خدا از آسمان، آبی فرود آورد، پس آن را به چشمه هایی که در [طبقات زیرین] زمین است، راه داده، آن گاه به وسیله آن کشتزاری را که رنگ های آن گوناگون است، بیرون می آورد، سپس خشک می گردد. آن گاه

آن را زرد می بینی. سپس خاشاکش می گرداند. به یقین، در این [دگرگونی ها] برای صاحبان خرد، عبرتی است. (زمر:۲۱)

ج) باران، رحمت الهی

ج) باران، رحمت الهی

قرآن کریم در آیاتی چند، باران را رحمت الهی نامیده است و هر جا که رحمت به خدای تعالی نسبت داده شود، مراد انعام و احسان اوست(۱) و چه احسانی از نعمت آب بالاتر که کلّ حیات وابسته به آن است:

وَ هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ الرِّیاحَ بُشْرا بیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ وَ اَنْزَلْنا مِنَ السَّمآءِ مآءً طَهُوراً. (فرقان: ۴۸)

و اوست آن کس که بادها را نویدی پیشاپیش رحمت خویش [= باران] فرستاد و از آسمان، آبی پاک فرود آوردیم.

یا فرموده است:

و از نشانه های او این است که بادهای بشارت آور را می فرستد، تا بخشی از رحمتش را به شما بچشاند... . (روم: ۴۶)

د) نقش گناهان در کمبود باران

د) نقش گناهان در کمبود باران

اگر مردم جوامع، پاک و پرهیزکار شوند، بی گمان، رحمت الهی پیوسته بر آنان نازل می گردد و هیچ گاه قطع نمی شود؛ چه آنکه خدای متعال فیاض مطلق است. چنان که یکی از اثرهای زشت گناهان، کمبود بارش و پیرو آن، نابودی کشت و دام و انسان های گناه کار است:

أَلَمْ یَرَوْاکَمْ أَهْلَکْنا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَکَّنّاهُمْ فِی الْأَرْضِ ما لَمْ نُمَکِّن لَکُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمآءَ عَلَیْهِمْ مِدْرارا وَ جَعَلْنَا الْأَنْهارَ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهِمْ

۱- نک: راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، واژه «رحم».

فَأَهْلَكْناهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أَنْشَأْنا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنا آخَرِين. (انعام: ۶)

آیـا ندیـده انـد که پیش از آنان چه بسـیار امت ها را هلاك كرديم؟ [امت هایی که]در زمین به آنان امکاناتی دادیم که برای شما آن امکانات را فراهم نکردیم و [باران های]آسـمان را پی در پی بر آنان فرو فرسـتادیم و رودها را از زیر [شهرهای] آنان روان ساختیم. پس ایشان را به [سزای]گناهانشان هلاك كرديم و پس از آنان، نسل های دیگری پدید آوردیم.

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ. (اعراف: ۹۶)

اگر مردم شـهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، به یقین، برکاتی از آسـمان و زمین بر ایشان می گشودیم، ولی تکذیب کردند. پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان]آنان را گرفتیم.

ه) جدایی آب های شور و شیرین، نشان قدرت و حکمت الهی

ه) جدایی آب های شور و شیرین، نشان قدرت و حکمت الهی

بیشتر آب های موجود در منابع آبی مهم جهان چون اقیانوس ها و دریاها، شور یا تلـخ است و فقط حدود ۲۰ درصد آب های موجود در کره زمین شـیرین است. جالب آنکه به تقدیر الهی و حکمت و قدرت بی بدیل او همین آب های شور و شیرین آن گاه که به هم می رسند، یکی بر دیگری اثر نمی گذارد و حجابی میانشان جدایی می اندازد:

و او کسـی است که دو دریـا را موج زنـان به سوی هم روان کرد: این یکی شـیرین [و]گوارا و آن یکی شور [و] تلـخ است و میان آن دو، مانع و حریمی استوار قرار داد. (فرقان: ۵۳)

دو دریـا را [به گونه ای] روان کرد [که] با هم برخورد کننـد. میان آن دو، حـد فاصـلی است که به هم تجاوز نمی کننـد. پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را منکرید؟ (رحمان: ۱۹ _ ۲۱)

و) آب، پاک و پاک کننده

و) آب، پاک و پاک کننده

آب علاوه بر خاصیت حیات بخشی، خاصیت مهم پاک کنندگی نیز دارد؛ چه آنکه خود پاکیزه است: «اَنْزَلْنا مِنَ السَّمآءِ مآءً طَهُورا؛ ما از آسمان، آبی پاکیزه نازل کردیم». (فرقان: ۴۸)

«طهور»، صیغه مبالغه از «طهارت» است که هم پاک بودن آب را می رساند و هم پاک کنندگی آن را. طبرسی نوشته است: «طهور، یعنی پاکیزه است و پاک کننده. هم آلودگی های ظاهری را می زداید و هم نجاسات معنوی را.»(۱) همو در ستردن نجاسات معنوی چنین آورده است:

در جنگ بدر، مشرکان قبل از مسلمانان بر سر آب فرود آمدند و مسلمانان در منطقه ای خشک و شن زار. بدین سان بر اثر نداشتن آب، هم تشنه شدند و هم نتوانستند خود را از آلودگی ها پاک سازند (غسل جنابت کنند). شیطان به وسوسه پرداخت که شما باید با همین حالت آلودگی، نماز بخوانید... خداوند، باران را بر آنان نازل کرد و مسلمانان در آب باران، تن شستند و جان را جلا بخشیدند.(۲)

نزولات آسمانی که به صورت باران، برف و تگرگ از آسمان فرو می بارد، پاکیزه ترین و خالص ترین آب ها در طبیعت هستند. از این رو، خداوند این نوع آب را طهور معرفی کرده است. متأسفانه همین نعمت بزرگ خداوندی که رفع کننده آلودگی هاست، به دست عوامل متعددی در زندگی انسان امروزی و

۱- مجمع البیان، ج۴، ص ۱۰۱.

۲- مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۶.

متمدن، آلوده می شود.

«در حال حاضر، از مهم ترین مسائل مربوط به آب این است که آلودگی به اکثر ذخایر آب قابل دست رسی انسان مانند دریاچه ها، نهرها و آبخوان های سطحی نزدیک مراکز تمرکز جمعیت سرایت کرده است و مقدار و تنوع آلاینده های بالقوه زیان آور در آب حیرت انگیز است... در حقیقت، کیفیت بیشتر آب هایی که قابل دست رسی هستند، بسیار نزول یافته است. آب های طبیعی نظیر آب باران، آب های سطحی و زیرزمینی دارای مواد شیمیایی محلول هستند. برخی از موادی که به طور طبیعی وارد آب می شوند، برای زیست انسان و سایر اَشکال حیات زیان آورند و بسیاری از این مواد توسط صنایع جدید، کشاورزی و به طور کلی انسان تولید می شوند».(۱)

۲. پیش گیری از آلودگی و رعایت پاکیزگی در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

۲. پیش گیری از آلودگی و رعایت پاکیزگی در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در رعایت پاکیزگی تن و لباس و پرهیز از هرگونه آلودگی جسمی و روحی، مقتدای تمام مسلمانان و همه نسل ها تا قیام قیامت است؛ چه آنکه به فرموده خدای تعالی، آن حضرت، برترین الگوی عصرها و نسل هاست.(۲) از این رو، رعایت پاکیزگی و دوری کردن از آلودگی های جسمی و معنوی، بخش مهمی از سیره حضرت را تشکیل می دهد.

حضرت رسول فرموده است: «انّ اللّه ـ طیّبٌ یحبُّ الطیّب، نظیفٌ یحبّ النظافه؛ خداوند، پاک است و شخص پاک را دوست دارد؛ پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد».(۳)

۱- فریدون غضبان، زمین شناسی زیست محیطی، صص ۲۵۱ و ۲۵۲.

۲- نک: احزاب: ۲۱.

۳- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۳۴۰، ح ۲۰۳۱۴.

همچنین این سخنان از آن حضرت است:

«تَنَظَّفُوا بِكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّ اللّه َبَنَى الْاءِسْلامَ عَلَى النَّظافَهِ؛ هر چه در توان دارید، پاکیزگی را رعایت کنید؛ چه آنکه خدای تعالی، شالوده اسلام را بر پاکیزگی نهاده است.»(۱)

«مَنِ اتَّخَذَ ثَوْبا فَلْيَنَظِّفْهُ؛ هر که جامه ای می پوشد، باید آن را پاکیزه نگه دارد.»(۲)

«بِئْسَ الْعَبَدُ الْقاذُورَهُ؛ بد بنده ای است آدم کثیف».(۳)

«لا تُبَيِّتُوا الْقُمامَهَ فِى بُيُوتِكُمْ وَ أَخْرِجُوها نَهارا؛ فَإِنَّها مَقْعَدُ الشَّيطانِ؛ زباله را در خانه خود شب تا صبح نگه ندارید و روز بیرون ببرید؛ زیرا زباله جایگاه شیطان است».(۴)

«مازالَ جَبْرَئِيلُ يُوصِينِي بِالسِّواكِ حَتّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَجْعَلُهُ فَرِيضَهً؛ جبرئیل پیوسته مرا به مسواک کردن سفارش می کرد، چنان که گمان کردم آن را واجب می گرداند».(۵)

در روایت است که عده ای با دندان های زرد و موهای ژولیده به حضور آن حضرت رسیدند. حضرت به محض مشاهده آنان فرمود: «مالِي أَراكُمْ تَدْخُلُونَ عَلَيَّ قُلْحا مُرْغا، مالَكُمْ لا تَسْتاكُونَ؟؛ چرا شما را چنین می نگرم که با دندان های زرد و موهای کثیف و آشفته نزدم آمده اید! چرا مسواک نمی کنید؟»(۶)

آن حضرت در طول شبانه روز سه بار مسواک می کرد: پیش از خواب، پس از بیدار شدن و در آستانه بیرون رفتن برای نماز صبح. ایشان دندان هایش را

۱- کنز العمّال، ج ۲۶۰۰۲؛ میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۳۴۲، ح ۲۰۳۲۷.
۲- کافی، ج ۶، ص ۴۴۱، ح ۳؛ میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۳۴۲.
۳- شافی، ج ۱، ص ۲۰۸؛ میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۳۴۰، ح ۲۰۳۱۷.
۴- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۷۲؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵، ح ۴۹۶۸؛ میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۳۴۰، ح ۲۰۳۲۴.
۵- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۳.
۶- برقی، المحاسن، ص ۵۶۱؛ آموزه های اخلاقی ـ رفتاری امامان شیعه، ص ۶۷ ؛ بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۳۲.

عَرْضی مسواک می کرد، نه طولی.(۱)

بخش مهمی از احکام فقهی اسلام، احکام بهداشتی ـ محیطی است: احکام آب ها، احکام زمین، احکام مربوط به مسائل کشاورزی (مزارعه و مساقات) و بالاخره حفاظت از محیط زیست. اهمیت بهداشت تا آنجا مورد توجه قرار گرفته است که حتی برای دفن اجساد مردگان، احکام ویژه ای وضع شده است. برای مثال، بر اساس احکام فقهی اسلام، گورستان مردگان را خارج از شهر قرار می دهند؛ بدن میت را سه مرتبه غسل می دهند؛ آب غسل باید در گودالی ریخته شود که محل رفت وآمد عمومی نباشد؛ قبر باید عمیق باشد و محکم پوشانیده شود تا میکروب و بوی تعفن به بیرون سرایت نکند. احکام فراوانی نیز درباره آب ها و آلودگی آنها داریم، چنان که در اسلام، آلودگی بیش از حد با حکم «نجس»، تبیین و به جامعه هشدار داده شده است که از آلوده کردن آب تا مرز نجاست، پرهیز کنند. همچنین از کم ترین آلودگی آب ها مانند انداختن مردار در آن و بول کردن در آب به شدت نهی شده است. اصولاً در اسلام، هر ماده و کالایی را که به گونه ای مورد استفاده عموم است، باید چنان حفظ کرد که از تباهی و نابودی در امان بماند.

این بخش اگر جداگانه بررسی شود، مسائل بسیار زیادی در ارتباط با محیط زیست را دربرمی گیرد، ولی برای رعایت اختصار، به همین مقدار بسنده می شود.(۲)

۱- مکارم الاخلاق، ص ۴۱.

۲- برای اطلاعات بیشتر نک: کتاب های فقهی به ویژه رساله های عملیه مراجع عظام؛ محمد رحمانی، احکام فقهی آب، فصل نامه فرهنگ جهاد، شماره پیاپی ۷ ـ ۸، ص ۲۰.

۳. ارجمندی آب و پاکیزگی آن در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

۳. ارجمندی آب و پاکیزگی آن در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

امروزه مشکل کمبود منابع آبی از یک طرف و مسئله حادّ آلودگی آب ها از طرف دیگر، از اساسی ترین مشکلاتی است که هستی موجودات زنده به ویژه انسان را تهدید می کند. ازاین رو، لازم است انسان مسلمان بیش از هر چیز به وجود آب و ارجمندی آن اهمیت دهد؛ چه آنکه به فرموده خدای کعبه، آب مبدأ حیات است: «وَ جَعَلْنا مِنَ المآءِ کُلَّ شَی ءٍ حَیٍّ». (انبیاء: ۳۰)

الف) طعم آب، طعم زندگی

الف) طعم آب، طعم زندگی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «طَعْمُ المآءِ طَعْمُ الْحَیاهِ؛ مزه آب، مزه زندگی است.»(۱) به راستی که کسی این مزه را عمیقا درک می کند که در بیابان خشک و بی آب و علف تا آستانه مرگ پیش رفته و به ناگاه به چشمه آب گوارایی رسیده و جانِ در آستانه ترک بدن را بدان باز گردانیده باشد.

ب) آب، سرور نوشابه ها

ب) آب، سرور نوشابه ها

در ارجمندی آب همین بس که آن حضرت، آب را سرور همه نوشیدنی ها در دنیا، آخرت و بهشت معرفی فرموده است: «أَلْمآءُ سَیِّدُ الشَّرابِ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ(۲)» و «سَیِّدُ شَرابِ الْجَنَّهِ الْماءُ».(۳)

ج) آلوده کردن آب های شیرین ممنوع!

ج) آلوده کردن آب های شیرین ممنوع!

در فقه اسلامی از آلوده کردن آب به نجاسات نهی شده است:

«نَهی رَسُولُ اللّه ِ اَنْ یُتَغَوَّطَ عَلی شَفیرِ بِئْرِ مآءٍ یُسْتَعْذَبُ مِنْها أَوْ نَهْرٍ

۱- این سخن از حضرت امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است. نک: تحف العقول، صص ۳۷۰ و ۴۸۹.

۲- بحار، ج ۶۳، ص ۴۵۱، ح ۱۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب ۱، ص ۱۸۷.

يُسْتَعْذَبُ... .(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله از قضای حاجت کردن بر کناره چاه یا نهر آبی که از آب آنها برای آشامیدن و پاکیزگی استفاده می شود، نهی کرده است.

د) آب جوشیده، سودمندترین نوشابه

د) آب جوشیده، سودمندترین نوشابه

درباره ضد عفونی کردن آب که امروزه به منظور غیر فعال کردن میکروارگانیسم های بیماری زا از جمله باکتری ها، جلبک ها و ویروس ها انجام می شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَلْمآءُ الْمُغْلِیُّ یَنْفَعُ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ؛ آب جوشیده برای هر چیزی نافع است».(۲)

چنان که در سخنی دیگر، روش خاصی از جوشانیدن آب، تب بُر و نیروبخش معرفی شده است:

أَلْمآءُ الْمُسَخَّنُ إِذا غَلَیْتَهُ سَبْعَ غَلَیاتٍ وَ قَلَبْتَهُ مِنْ اِناءٍ إِلی إِناءٍ فَهُوَ یَذْهَبُ بِالْحُمّی وَ یُنْزِلُ الْقُوَّهَ فِی السّاقَیْنِ وَالْقَدَمَیْنِ.(۳)

آب گرم را اگر هفت بار بجوشانی و از ظرفی به ظرف دیگر برگردانی، تب را برطرف می سازد و به ساق و قدم ها نیرو می بخشد.

ه) آب، ثروت عمومی

ه) آب، ثروت عمومی

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنی، مردم را در سه چیز شریک دانسته است که یکی از آنها آب است: «أَلنّاسُ شُرَکاءٌ فِی ثَلاثَهٍ النَّارِ وَ الْمآءِ وَ الْکَلَأِ؛ مردم در سه چیز شریکند: آتش، آب و چراگاه.»(۴) چنان که در سخن دیگری فرمود: «خَمْسٌ

۱- التهذیب، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۱۵، باب ۱۱.
۲- التهذیب، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۱۵، باب ۱۱.
۳- بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۴۵۱، ح ۱۶.
۴- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۵۰، باب ۴، ح ۲.

لایَحِلُّ مَنْعُهُنَّ: الْمـآءُ وَ الْمِلْحُ وَ الْکَلَأُ وَ النّارُ وَ الْعِلْمُ...؛ پنـج چیز است که باز داشـتن از آنها حلال نیست: آب، نمک، چراگاه، آتش و دانش...».(۱)

جواز این حکم در صورتی است که آب، نمک و چراگاه، ملک شخصـی کسـی نباشد، مثل دریاچه ها و رودخانه ها و معادن عمومی نمک و چراگاه های عمومی. از این سخن گران سنگ، میزان عنایت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسئله دانش در آن روزگار جهل و تباهی نیز آشکار می شود.

به راستی آیـا بازداشـتن، بلکه نـابود کردن آبزیـان دریاهـا و رودخـانه ها به واسـطه آلوده ساختن آب ها به انواع مواد شـیمایی مرگ آور، همان بازداشتن نهی شده در سخن رسول گرامی اسلام نیست؟

و) برترین صدقه

و) برترین صدقه

حضـرت رسـول صـلی الله علیـه و آله در سـخنی هـدایت گر، آب نوشانیـدن به دیگران را برترین صـدقه معرفی فرمـوده است: «اَفْضَلُ الصَّدَقَهِ سَقْیُ الْمآءِ»(۲) و «لَیْسَ مِنْ صَدَقَهٍ أَعْظَمُ أَجْراً مِنْ مآءٍ».(۳)

آب دادن در اینجا مطلق است و به انسان ها مقیـد نشده است. از این رو، آب دادن به گیاهان و حیوانات را نیز شامل می شود. آن حضرت در پاسخ به این پرسش که آیا در سیراب کردن چهارپایان نیز پاداشی هست، فرمود: «فِی کُلِّ ذاتِ کَبِدٍ رَطْبَهٍ أَجْرٌ؛ در هر صاحب جگر [تشنه ای]که سیراب شود، پاداش است.»(۴)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۵۰، باب ۶، ح ۲.

۲- الماء، ج ۱، ص ۳۷۵.

۳- الماء، ج ۴، ص ۲۲۳.

۴- الماء، ج ۴، ص ۲۲۴.

حضرت در پاسخ به پرسش عمیر الفزاری در این باره که منع چه چیزی حلال نیست، فرمود: «آب».(۱) در حدیثی که ابوهریره از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده، آمده است:

سه گروهند که خدای عزوجل در روز قیامت به نظر لطف و رحمت بدیشان ننگرد و پاکیزه شان نگرداند و برای آنان عذابی دردناك است. یکی از آنها مردی است که زیادی آب آشامیدنی اش را از رهگذران دریغ کند.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنی دیگر، کسی را که امکان دست رسی به آب را برای مردم فراهم می آورد، چنین نواخته است:

هرکس مردم را در محلی که امکان دست رسی به آب در آنجا فراهم باشد، آب دهد، خداوند برایش در مقابل هر جرعه که نیکوکار و بدکار بیاشامد، ده حسنه می نویسد و ده درجه می افزاید و ده گناه از گناهانش کم می کند... و هر کس برای مردم در جایی که به آب دست رسی نباشد، آب فراهم آورد، گویا همه مردم را زندگی بخشیده است.(۳)

حضرت در سخنی دیگر فرموده است:

هر کس مؤمنی را با آبی که در اختیار دارد، سیراب کند، خداوند در برابر هر جرعه آب، هفتاد هزار حسنه به وی عطا می کند.(۴)

ی) باران و برف، سرچشمه آب های زمینی

ی) باران و برف، سرچشمه آب های زمینی

اقیانوس ها، دریاها، رودها، چشمه ها، چاه ها و قنات ها، منابع آب بر روی کره زمینند و هر کدام از اینها به نوعی از آب باران پدید می آیند یا اثر

۱- الماء، ج ۱، ص ۳۷۷.
۲- الماء، ج ۱، ص ۳۸۸.
۳- الماء، ج ۴، ص ۳۸۹.
۴- وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۵۲، باب ۱۰، ح ۷.

می پذیرنـد. به همین دلیـل، کمبود سالیـانه باران در ناحیه ای، خشک سالی و کمبود آب را در پی دارد. رسول گرامی اسـلام در جمله ای، از این حقیقت، چنین پرده برداشته است: «لَیْسَ مآءٌ فِی الاَرضِ إلّا وَ قَدْ خالَطَهُ مآءُ السَّمآءِ؛ هیچ آبی بر روی زمین نیست جز آنکه آمیزه ای از آب آسمانی (باران) دارد».(۱)

۴. پیش گیری از آلودگی آب در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

۴. پیش گیری از آلودگی آب در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

بی گمان، آلوده کردن آب بر مبنای قواعد حقوقی رایج از قبیل تسبیب و ضرر، حرام است.

از نظر زیست محیطی، هیـچ کس نمی توانـد محیط زنـدگی دیگران را آلوده یا مسـموم سازد، به گونه ای که زندگی بر آنان دشوار شود. در این صورت، حتی اگر ضـرری هم در میان نباشـد، زیست کنندگان می توانند آزاردهنده را تعقیب و از هر راه مقتضـی، شـر و فساد وی را دفع کننـد. به موجب آیـات بسـیار و احـادیث متواتر، خداونـد برای افراد بشـر به ویژه مؤمنان، حق استفاده از نعمت های بی پایان خود را قرار داده است: «هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُمْ ما فِی الْأَرْضِ جَمِیعا... ؛ او (خداوند) کسی است که هر آنچه را در زمین است برای شما آفرید....» (بقره: ۲۹)(۲)

چون هـدف از آفرینش همه مخلوقات از جمله آب و خاک و حیوان و گیاه، بهره وری انسان است، نبایـد آنها را آلوده، تباه و ویران ساخت. به موجب برخی از آیات و روایات، بسیاری از مخلوقات، از جمله آب و حیوان همانند

۱- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۱۷.

۲- نیز نک: لقمان: ۲۰؛ نحل: ۵، ۷، ۱۰، ۱۱ و ۱۴.

انسـان، واجـد ملاـک تقدّسـند؛ چون منتسب به خلقت الهی هسـتند. از این رو، به علت شـدت آمیختگی آنهـا با انسان و دیگر جنبنـدگان نبایـد آنهـا را آلوده سـاخت و به حریم پاکشـان تجاوز کرد: «وَ ما مِنْ دابَّهٍ فِی الْأَرْضِ وَ لا طائِرٍ یَطِیرُ بِجَناحَیْهِ إِلّا أُمَمٌ أَمْثـالُکُمْ...؛ هیـچ جنبنـده ای زمینی یا پرنـده ای آسـمانی که با دو بال خود پرواز می کنـد، نیست جز اینکه آنها هم امت هایی چون شما هستند...». (انعام: ۳۸)

در این زمینه، روایات بسـیاری وجود دارد که برخی به صراحت و بعضی هم به اشاره یا کنایه بر آن معنا دلالت دارند، از جمله روایاتی که در آنها از قضای حاجت یا ادرار کردن در آب ــ اعم از جاری یا راکد ــ در کنار شهرها و چاه ها، راه ها، رودها، زیر درختان میوه دار و نظیر آنها نهی شده است.(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله از قضای حاجت کردن بر کناره چاه یا نهر آبی که از آب آنهـا برای آشامیـدن و پـاکیزگی اسـتفاده می شود یا زیر درخت میوه داری که میوه اش پای درخت می ریزد، نهی کرده است.»(۲) آن حضـرت در حـدیث مناهی نیز فرموده است: «ممنوع است که کسـی در آب راکد بول کند؛ زیرا مایه زوال عقل (جنون) است.»(۳) بول کردن در آب غیرجاری (راکـد) آن را نجس می کنـد و از حیّز انتفاعات شـرعی خارج می سـازد. آن حضـرت در حـدیث دیگری، بول کردن بر ساحـل رودخـانه جاری را مکروه دانسـته است.(۴) در سـخنی دیگر نیز فرمود:

سه چیز است که هر کس انجام دهد، ملعون است: کسی که در سایه گاه ها که مردم

۱- نک: وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۸۸ و بعد از آن.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۵۰، باب ۴، ح ۳.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴، باب ۲، ح ۴۹۶۸.

۴- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۷، باب ۲، ح ۴۹۱۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۷، باب ۲، ح ۵۷۶۲.

می نشینند، مدفوع کند؛ کسی که جلوی نوبت آب دیگران را بگیرد و کسی که رفت وآمد مردم را سد کند.(۱)

۵. اسراف و تبذیر در مصرف آب

۵. اسراف و تبذیر در مصرف آب

اسراف، تجاوز از حد و اندازه در هر کاری است؛ اگرچه این معنا در انفاق مشهورتر است.(۲) تبذیر، عبارت است از ضایع کردن مال و ثروت و به اصطلاح، ریخت و پاش در آن. در بیشتر موارد، این دو واژه مترادف را با هم به کار می برند. اسراف از اموری است که به منابع طبیعی آسیب وارد می کند و به حکم شرع مقدس اسلام، حرام است؛ چه آنکه مصرف ناشایست و خارج از نیازِ منابع طبیعی، جوامع انسانی و حیوانی را با فقر و فساد و کمبود منابع روبه رو می کند و موجب اخلال در نظام اجتماعی و وابستگی اقتصادی می شود.

سید جمال الدین اسدآبادی در این باره نوشته است:

مردم شرق در املاک و معادن و آبادی های خود مانند آدم سفیه مبذّر تصرف کردند و همه را هدر دادند تا کار به آنجا رسید که غرب «آقا بالاسر» آنان شد. غرب هیچ گاه به مصلحت خود نمی داند که روش و فرهنگ شرق اصلاح شود و این سفاهت کاری پایان پذیرد، بلکه غرب آرزویش این است که شرق در همین گمراهی و اسراف کاری غرق باشد تا بتواند قرن ها او را در همین محجوریت و ممنوعیت از تصرف در اموال خود نگه دارد و خود،مالک سرنوشت شرقیان باشد.(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۵۵، ح۱۰؛ میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۳۰.

۲- راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ماده «سَرَف».

۳- محمدرضا حکیمی، بیدارگران اقالیم قبله، ص ۳۰.

از این رو، اسلام به منظور هدایت مصرف و کنترل آن، از اهرم هایی چون تشویق به زهد،(۱) انفاق، ایثار و نکوهش اسراف، تبذیر، بخل و مانند آنها استفاده کرده و در آیات و روایات فراوانی بر نهی از اسراف و وعده عقاب بر آن پای فشرده است: «أَنَّ الْمُسْرِفِینَ هُمْ أَصْحابُ النّارِ؛ اسراف گران همان یاران آتشند». (غافر: ۴۳).

یا «وَکُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لایُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ؛ و بخورید و بیاشامید و اسراف کار نباشید که او (خداوند) اسراف کاران را دوست ندارد». (اعراف: ۳۱)

چنان که گذشت، آب، ماده ای است که حیات همه موجودات بدان وابسته است. از این رو، در روایات، از اسراف و تبذیر در مصرف آب به شدت نهی شده است.

عبداللّه بن عمرو می گوید:

رسول گرامی اسلام از راهی می گذشت که سعد [بن معاذ] را در حال وضو گرفتن دید. فرمود: ای سعد! اسراف مکن. سعد گفت: ای پیامبر خدا! آیا در [آب]وضو هم اسراف است؟ حضرت فرمود: آری، اگرچه در کنار نهری [جاری] باشی.(۲)

در حدیثی از حضرت امام صادق علیه السلام نیز ریختن زیادی آب ظرف، از مصداق های اسراف دانسته شده است.(۳)

اگر در مصرف آب برای وضو، آن هم در کنار نهر جاری یا دور ریختن

۱- نک: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۰.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۴۷.

۳- تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۸۷.

باقی مانده آب ظرف، اسراف است، پس به طریق اولی، آلودن آب رودها و دریاچه ها به انواع مواد آلوده کننده خانگی و شیمیایی، باز گذاشتن شیر آب و هدر دادن آن یا شستن ماشین و آبیاری باغ ها و درختان با آب آشامیدنی و اموری از این قبیل از مصداق های اصلی اسراف خواهد بود. حضرت امام خمینی رحمه الله در فتوایی چنین آورده است:

زیاده روی به نحو غیرمتعارف، حرام است و چنانچه موجب اتلاف و ضرر باشد، موجب ضمان می گردد.(۱)

رسول گرامی اسلام در یک پیش بینی، مسلمانانی را که در آب وضو و غسل، اسراف روا می دارند و از حدی که آن حضرت معین فرموده است، خارج می شوند، از سنت خویش بیرون دانسته است:

آب وضو یک مدّ و آب غسل یک صاع است و پس از من، کسانی خواهند آمد که آن را اندک می شمارند. پس آگاه باشید که آنان برخلاف سنت من هستند... .(۲)

اسراف و ضایع ساختن منابع، از عوامل مهم پدیدآورنده فقر و فلاکت است. همیشه وجود فقر در یک گوشه از جهان، مولود اسراف و ولخرجی در گوشه دیگر و تنگ دستی یک نسل، مولود اسراف کاری نسل های پیشین است؛ چنان که زندگی مسرفانه یک فرد نیز موجب فقر و تهی دستی خود او در پایان زندگی خواهد شد. رسول گرامی اسلام فرمود: «مَنْ بَذَّرَ أَفْقَرَهُ اللّه؛ کسی که ریخت و پاش کند، خدا، او را فقیر می گرداند».(۳)

۱- استفتائات، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۶۲۱.

۲- وسائل الشیعه، ج، ص ۴۹۱، باب ۵۵، ح ۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۴، ح ۷.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱.

فصل دوم: خاک (زمین)

اشاره

فصل دوم: خاک (زمین)

«خـاک»، نـام عمومی مواد ناپیوسـته ای است که روی بیشتر قسـمت های زمین را می پوشانـد و حاصل خرد شـدن سـنگ ها و پوسیدن مواد آلی در طول زمانی دراز است و گیاهان می تواننـد در آن رشـد کننـد. به بخش رویی پوسته جامد زمین نیز که مخلوطی از کانی های گوناگون است، خاک گفته می شود.(۱)

منـابع خاک جهان، محـدود، تجدیـد نشـدنی و آسـیب پذیرنـد. این محـدودیت بـدان سـبب است که منابع خاک قابل کشـت مشـخص بوده و به گونه ای نامنظم، پراکنـده اند. تا حدود دهه ۱۹۷۰، بخش قابل توجهی از فراورده های غذایی با زیر کشـت بردن زمین های جدید به دست می آمد. افزون بر این، زمین های حاصل خیز به دلیل قرار گرفتن در مناطق آسـیب پذیر از نظر بوم شناختی(۲) یا قرار داشـتن در کشورهای ثروتمند، به آسانی در دست رس نیسـتند. درمناطق پرجمعیت آسـیا و اروپا، زمین های محدود برای کشت وجود دارد. وسعت سرانه زمین حاصل خیز در جهان ۳۲ درصد هکتار در سال ۱۹۷۵ بود که این رقم در سال ۱۹۹۰ به ۲۵ درصد هکتار کاهش یافت. در آسیا، وسعت سرانه

۱- حسن انوری، فرهنگ فشرده سخن، کلمه «خاک».

۲- علم بررسی روابط بین گیاهان، جانوران و انسان ها با محیطشاناکولوژی.

زمین حاصل خیز ۱۴ درصد هکتار است که در بعضی از کشورها این مقدار حتی به کمتر از یک دهم هکتار هم می رسد. میانگین وسعت سرانه کشتزار آبیانه در جهان ۷ درصد هکتار است که در آسیا به طور یکنواخت از ۵۲ درصد هکتار در سال ۱۹۷۵ به ۴۸ درصد هکتار در سال ۱۹۹۰ کاهش یافت.

منابع خاک بر پایه معیارهای زمانی بشر، تجدید ناشدنی هستند. در شرایط عادی، خاک جدید با سرعتی حدود ۵/۲ سانتی متر در ۱۵۰ تا ۱۰۰۰ سال تشکیل می شود. خاک در برابر ناهنجاری های شدید محیطی آسیب پذیر است. ویرانی خاک به ویژه در مناطق خشک و نیمه خشک مسئله ای فراگیر است؛ چه آنکه در حدود ۳۸ درصد زمین های قابل کشت جهان تحت تأثیر نوعی تخریب قرار گرفته اند.(۱)

۱. خاک، منبع اساسی حیات

۱. خاک، منبع اساسی حیات

اگر شما در یک خانواده کشاورز بزرگ نشده اید، ممکن است متوجه نباشید که خاک یکی از اساسی ترین منابع ماست که بیشترین سوء استفاده از آن شده است. خاک، رابط حیاتی بین لیتوسفر(۲) و تمام گیاهانی است که بر سطح آن زندگی می کنند. تقریبا تمام سبزی ها، میوه ها، گوشت، پشم، پنبه، چوب، کاغذ و بسیاری دیگر از منابع مورد نیاز ما مستقیم یا غیرمستقیم از این فرش نازک حیاتی تأمین می شود. بسیاری از مردم، به خاک به عنوان کثافت و چیزی که باید دور ریخته شود، نگاه می کنند، حال آنکه خاک، مخلوطی پیچیده

۱- دائره المعارف جامع علوم کشاورزی، ج ۱، صص ۲۵ و ۲۶.

۲- پوسته زمین و بخشی از پوشش فوقانی آن که قاره ها و بستر اقیانوس ها را شامل می شود و تا عمق ۷۰ الی ۱۰۰ کیلومتری امتداد دارد.

از مواد غیرآلی، مواد آلی، موجودات زنـده، هوا و آب است. مـاده به طور پیوسـته از خاک به گیاه و از گیاه به خاک در حال گردش است. گیاهان، آب و مواد مغذی شیمیایی یا معدنی را از خاک به دست می آورند.(۱)

۲. اهمیت خاک

۲. اهمیت خاک

خاک ها به دلایل زیر اهمیت ویژه ای دارند:

۱. خاک یک منبع طبیعی است که برای رشد گیاهان لازم است؛

۲. فرسایش خاک ها موجب اضمحلال محیط می شود و در نتیجه، پدیده از بین رفتن خاک باید کنترل شود؛

۳. خاک، منبع و تأمین کننده رسوبات است؛

۴. خاک، فیلتر یا صافی برای آب های زیرزمینی است؛

۵. خاک، ماده مورد نیاز در ساختن راه ها و ساختمان هاست.

افزون بر اینهـا، بخش بزرگی از غـذای انسـان از خـاک به دست می آیـد. این امر بـدین معنـا نیست که خـاک، ماده خوراکی است، بلکه انسان با خوردن گیاهانی که در محیط خاک رشـد می کننـد و تغذیه از حیواناتی که از گیاهان تغذیه می کنند، به طور غیرمسـتقیم از خاک تغذیه می کند. با وجود پیشرفت فن آوری، خاک همواره مورد نیاز انسان بوده و خواهد بود و انسان برای ادامه حیات خود به خاک نیاز دارد. بنابراین، خاک، منبعی برای رشـد مواد غذایی و نیز محیطی است که با پایش آن می توان آثار منفی بر زندگی انسان را مهار کرد. آثار زیان آور ممکن است خود را به صورت فرسایش، از دست دادن

۱- زیستن در محیط زیست، صص ۸۰ _ ۸۲.

حاصل خیزی، شوری، بیابان زایی و آلودگی آشکار سازد. خاك آلوده شده موجب آلودگی آب و موجودات دیگر می شود و آلاینده های موجود در خاك سرانجام به زنجیره غذایی می رسد.(۱)

۳. خاک، محیط زیستی زنده

۳. خاک، محیط زیستی زنده

باید به خاک به عنوان یک محیط زیست پویا و زنده و یک ماده و محیط با ارزش نگریست و در استفاده از آن، آبیاری، حفظ و نکوداشت آن کوشا بود. متأسفانه بشر، روز به روز متوجه می شود که نگه داری خاك به دست فراموشی سپرده شده است. در قرن اخیر، انسان با توسعه فن آوری و پیشرفت های صنعتی خود به نابودی پوشش گیاهی پرداخته و خاك را در معرض عوامل فرسایش نظیر باد و باران قرار داده و این عمل موجب نابودی خاك شده است. اگر بشر بخواهد خاك را به عنوان محیطی زنده حفظ کند، باید تمهیداتی بیندیشد. نکته مهم آن است که بدانیم خاك یک محیط زیست حیاتی است، نه یک فراورده اقتصادی. پس باید از آن به شدت حفاظت کرد.(۲)

۴. زمین در آموزه های قرآنی

۴. زمین در آموزه های قرآنی

در قرآن، از زمین (خاك) و مظاهر آن همچون کوه ها، دره ها و بیابان ها فراوان یاد شده است.(۳) بر اساس آموزه های قرآنی، خداوند، زمین را گهواره آرامش انسان قرار داده(۴) و زمین و آنچه در آن است، برای عموم مردم آفریده

۱- فریدون غضبان، زمین شناسی زیست محیطی، صص ۲۷۷ و ۲۷۸.

۲- فریدون غضبان، زمین شناسی زیست محیطی، صص ۲۷۵ _ ۲۷۷.

۳- برای نمونه، نک: ذاریات: ۲۰؛ روم: ۲۵؛ لقمان: ۱۰؛ جاثیه: ۳؛ رحمان: ۱۰ _ ۱۳؛ یس:۳۳_ ۳۶.

۴- نک: طه: ۵۳.

شده است: «وَالْأَرْضَ وَضَعَها لِلْأَنامِ؛ و زمین را برای مردم قرار داد». (رحمان: ۱۰) یا «هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُمْ ما فِی الْأَرْضِ جمیعا؛ او کسی است که آنچه را در زمین است، برای شما آفرید». (بقره: ۲۹)

خدای تعالی خواسته است مردم از چیزهای پاکیزه ای که در زمین روزی شان ساخته است، استفاده کنند و از سرکشی و طغیان دست بردارند: «کُلُوا مِنْ طَیِّباتِ ما رَزَقْناکُمْ وَ لا تَطْغَوْا فِیهِ...» (طه: ۸۱) تا گرفتار غضب الهی نشوند؛ غضبی که چه بسا به واسطه عوامل طبیعی چون زلزله، سیل و توفان های بنیان برانداز، نمود پیدا خواهد کرد.

خدا، مردم را از خاک آفرید و وظیفه آباد کردن زمین را ــ که به نوعی مادرشان به شمار می رود ــ بر دوششان نهاد: «... هُوَ أَنْشَأَکُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَکُمْ فِیها...» (هود: ۶۱) تا از محصولات زمین، از دانه ها و میوه ها و مانند آنها ارتزاق کنند و ادامه حیات دهند.

از آنجا که وظیفه آدمیان، آباد کردن زمین است، هر کاری که موجب آسیب رسانی یا نابودی زمین و عناصر اصلی و مفید آن شود، خلاف خواست خدا و محکوم است. بنابراین، رعایت اعتدال در بهره وری از عناصر طبیعت و محیط زیست در هر زمان ضروری است. چنان که در آیات کریمه دیگری، به صراحت، آنان را از ویران گری و فسادانگیزی در زمین بازداشته است: «وَ لا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها» (اعراف:۵۶) و «وَ لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ». (اعراف:۷۴)

آیا هیچ گاه ندای اصلاح گرانه الهی، پرده های دل مستکبران منافق صفت را

که کره زمین را به انواع فسادهای خود آلوده اند، لرزانیده است؟ به راستی که خیر؛ چه آنکه آنان به نیرنگ، فقط خود را اصلاح گر می دانند: «وَ إِذا قِیلَ لَهُمْ لاتُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ قالُوا إِنَّما نَحْنُ مُصْلِحُونَ.» (بقره: ۱۱) بنابراین، انسان مسلمان که به خدا و روز جزا اعتقاد دارد، باید خود را در برابر خاک نیز مسئول بداند و با استفاده بی حد و حصر از کودهای شیمیایی یا ریختن فاضلاب ها و زباله های تجزیه ناپذیر و صنعتی، جلو حاصل خیزی خاک را نگیرد و آن را چنان که قرآن می فرماید، به شوره زار خبیث تبدیل نکند که چنین زمینی جز گیاه ناچیز و بی ارزش نمی رویاند: «وَ الَّذِی خَبُثَ لایَخْرُجُ إِلّا نَکِداً». (اعراف: ۵۸)

«خاک، موجودی است زنده که اگر از مواد کانی، فلزات، شبه فلزات و به طور کلی مواد معدنی سرشار باشد، می گوییم این خاک، غنی است و اگر فاقد مواد معدنی کافی باشد، فقیر نامیده می شود. متأسفانه آلودگی شدید محیط زیست در دهه های اخیر در بسیاری از مناطق جهان، زندگی را از خاک گرفته و آن را عقیم و سترون ساخته است».(۱)

از دیدگاه قرآن کریم، زمین زنده است و روزی فرا خواهد رسید که در آن روز سخن خواهد گفت و حتی خاکی که در اعماق اقیانوس هاست، آنچه را بر او گذشته است، فاش خواهد ساخت. اگر انسان مسئولیت خود را در قبال او به درستی انجام داده باشد، سخن زمین به صلاح انسان خواهد بود وگرنه به امر الهی، کردار زشت انسان ها را در آلودن دامان خود و انجام معصیت بر ملا

۱- سیدمحمد حکیمی و فروغ هاشمی، مقاله «اثر خاک پاک زنده در از بین بردن آلودگی های محیط زیست»، در مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۴۰۷.

و از آنها شکایت خواهد کرد:

إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها وَ قالَ الْاءِنسانُ مالَها یَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها بِأَنَّ رَبَّکَ أَوْحی لَها. (زلزله: ۱ _ ۵)

آن گاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود و بارهای سنگین خود را برون فکند و انسان گوید: [زمین] را چه شده است؟ آن روز است که [زمین]خبرهای خود را باز گوید، [همان گونه] که پروردگارت بدان وحی کرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارشی نسبت به زمین چنین فرمود:

تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّها أُمُّکُمْ وَ إِنَّهُ لَیسَ مِنْ أَحَدٍ عامَلَ عَلَیها خَیْرا أَوْ شَرّا إِلّا وَ هِیَ مُخْبِرَةٌ بِهِ.(۱)

زمین را حرمت نهید و از آن حفاظت کنید؛ که آن مادر شماست و هیچ کس بر آن خیر و شری انجام نمی دهد جز آنکه [در قیامت]بدان خبر دهد.

بنابر اعتقاد ادیان آسمانی به ویژه اسلام، انسان ها پس از مرگ به اصل خویش (خاک) بازمی گردند و در آن دفن می شوند: «مِنْها خَلَقْناکُمْ وَ فِیها نُعِیدُکُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُکُمْ تارَةً اُخْری؛ از این [زمین]، شما را آفریده ایم. در آن، شما را بازمی گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می آوریم». (طه: ۵۵)

دفن مردگان در خاک به منظور رعایت احترام میّت است؛ چه آنکه دفن نکردن مرده موجب می شود جنازه روی زمین، محل رشد و انتشار میکروب ها و کرم ها شود یا طعمه حیوانات درنده قرار گیرد که همه اینها چهره زشتی از وی بر جای می نهد و موجب تنفر و بیماری مردم خواهد شد. در مقابل،

۱- کنز العمّال، ج ۱۶، ص ۳؛ نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۴۶.

بـازگشت مرده به خاک موجب می شود که مواد آلی بـدنش به سـرعت به وسـیله باکتری های موجود در خاک تجزیه شود و خاک برای کشت و زرع و استفاده های دیگر فراهم گردد.

شکی نیست که یکی از منابع آلودگی هوا، دفن نکردن جنازه ها، بلکه سوزاندن آنهاست که در برخی نقاط مرسوم است؛ چه آنکه چنین عملی موجب تولید دود و خاکستر و گازهای زیان آور دیگر می شود.

یکی از احکام فقهی اسلام، «تیمّم» است که در صورت دست رسی نداشتن به آب یا زیان مند بودن به کار بردن آب در وضو و غسل، واجب است خاک پاک را جانشین آب کنیم. قرآن کریم این دستور را چنین بیان داشته است:

ای کسـانی که ایمان آورده ایـد! در حال مستی به نماز نزدیک مشویـد تا بدانیـد چه می گوییـد و هنگامی که جُنُب هستیـد ــ مگر اینکه مسافر باشـید ــ تا غسل کنید و اگر بیمار بودید یا مسافر یا قضای حاجت کرده اید یا با زنان آمیزش داشـته اید و در این حال، آب [برای وضو یا غسل]نیافتید، با خاک پاکی تیمّم کنید، [به این صورت] که صورت و دست هایتان را با آن مسح کنید. خداوند، بخشنده و آمرزنده است. (نساء: ۴۳)

در اینجا نیز بر مطهر بودن خاک ــ مانند آب ــ تأکید(۱) و یکی از احکام مهم فقهی بر آن مبتنی شده است.

بایـد توجه داشت که خاک تیمّم کاملاً پاک باشد، همان طور که قرآن در تعبیر جالب خود می گوید: «طیّبا». قابل توجه اینکه تعبیر به «صعید» ــ در آیه

۱- امام صادق علیه السـلام می فرمایـد: «خـدای عزوجل خاک را نیز همچون آب، پاک کننده قرار داده است.» میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۲۰

شریف ــ که از ماده «صعود» گرفته شده، اشاره به این است که بهتر است خاک های سطح زمین ــ به ویژه بلندی ها ــ برای این کار انتخاب شود؛ همان خاک هایی که در معرض تابش [مستقیم] آفتاب و مملو از هوا و باکتری های میکروب کش است. اگر چنین خاکی، طیّب و پاکیزه نیز بود، تیمّم با آن می تواند انواع آلودگی ها را از بین ببرد؛ بدون اینکه کمترین زیانی داشته باشد.(۱)

۵. نمایی از فاجعه تخریب خاک در ایران

اشاره

۵. نمایی از فاجعه تخریب خاک در ایران

خاک، نخستین و گران بهاترین ماده تشکیل دهنده کره زمین و منبع همه برکات، گیاهان، معادن و محل ذخیره آب ها و منشأ منابع غذایی و گاهواره زندگی انسان است. با این حال، سالیانه ۵/۱ میلیون هکتار در کشورمان به سطح بیابان ها افزوده می شود و تپه های عظیم شن را درست می کنند. در هر دقیقه، ۲۰۰ تُن خاک از سطح مزارع، مراتع و جنگل ها راهی دریاها، دریاچه ها و پشت سدها می شود و در واقع، هر ساله در ایران به طور مستمر حدود ۱۵ تُن در هکتار خاک بر اثر فرسایش آبی شُسته می شود که به معنای از دست دادن ۷۶ کیلوگرم ازت، ۲۴ کیلوگرم فسفر و ۸ کیلوگرم پتاس در هکتار است. اگر قیمت مواد غذایی داخل خاک را حساب کنیم، سالانه حدود ۶/۷ میلیارد دلار از مواد غذایی داخل خاک را از دست می دهیم.(۲)

لطفا به این نمونه های عینی در دست رس نیز توجه کنید. اگر اینها بی احترامی (عدم مواظبت) نیست، پس چیست؟

۱- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۴۳.

۲- فریدون عسکری، مقاله «منابع طبیعی از دیدگاه قرآن کریم و احادیث»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، صص ۴۱۷ و ۴۱۸.

نمونه اول

نمونه اول

«مهم ترین مشکل آینده ما در کنار آلودگی هوا، به خطر افتادن سلامت زمین و خاکی است که روی آن زندگی می کنیم. نظم محیط زیست جهان پس از انقلاب صنعتی به هم خورده و به ویژه استخراج بی رویه معادن، زمین و خاک را به شدت آلوده کرده است. این مسئله بر سلامت انسان نیز تأثیر گذاشته و نظم بدن وی را مختل کرده است. اکنون در وضعیتی هستیم که سفره های آب زیرزمینی و زمین های کشاورزی آلوده شده و انسان را نیز بیمار کرده اند. باید ببینیم با زمین خود چه کرده ایم که با ما این گونه برخورد می کند؟(۱)

نمونه دوم

نمونه دوم

«فاضلابی که از سطح شهر تهران جمع آوری می شود و به جنوب تهران می رسد، مشتمل بر فاضلاب رستوران ها و بعضی از کارگاه ها و... است... در این فاضلاب، پسماند صنایع مختلف مثل روغن کشی و ریخته گری وجود دارد. مسئله مهم، فلزات سنگین موجود در این فاضلاب هاست. متأسفانه فلزات سنگین، هم در گیاه و هم در بدن انسان و در بعضی اندام ها مثل کبد تجمع پیدا می کنند و منجر به بیماری سرطان می شوند... اغلب عوامل میکروبی مثل باکتری ها و تخم انگل ها وارد گیاهان می شوند و روی گیاه تجمع می کنند، اما مشکل عمده، فلزات سنگینی است که ذره ذره در گیاه و خاک جذب شده و

۱- بخشی از مصاحبه دکتر فاطمه جوادی، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، روزنامه ایران، ۳/۲/۱۳۸۵، ش ۳۴۵۰، ص ۶.

سپس وارد بدن ما می شوند».(۱)

نمونه سوم

نمونه سوم

«مردم اگر بداننـد که همین شـیرابه زباله ها چه تهدیـد وحشـتناکی برای زمین و منابع آبی زیرزمینی ایجاد می کنـد و ۱۱۸ نوع بیمـاری از زبـاله به انسـان منتقـل می شود، در آن صورت، اقـدام صـحیح و درستی در ارتباط با پسـماندها انجام خواهنـد داد. متأســفانه در «کهریزک» بیش از ۴۰ سـال است که زبـاله هـای تهران بـدون هیـچ گونه دیـدگاه بهـداشتی و مهندسـی توسـط گذشتگان دفن شده است، ۵۰۰ هکتار از زمین های «کهریزک» به صورت یک غده سرطانی درجنوب تهران، سلامت پایتخت را تهدیـد می کند. بیش از ۱۰ میلیون تُن گاز متان در آنجا انباشـته شـده و بیش از ۱۵۰ متر مکعب شـیرابه در آنجا وجود دارد که همین طور در حال افزایش است و این قطعا سلامت جامعه، آب، خاک و محیط زیست را تهدید می نماید».(۲)

خدای تعالی، زمین را پاک و پاکیزه قرار داده است، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

جُعِلَتْ لِیَ الْأَرْضُ کُلُّها وَ لِأُمَّتِی مَسْجِدا وَ طَهُورا.(۳)

تمام زمین برای من و امتم سجده گاه و پاک و پاکیزه قرار داده شده است.

حضرت امام خمینی رحمه الله در توضیح عرفانی این حدیث چنین نوشته

۱- از سـخنان دکتر علی رضا حسن اُقلی، عضو هیئت علمی مؤسـسه تحقیقات فنی و مهندسـی کشاورزی، روزنامه اعتماد ملی، ۱۹ تیر ۱۳۸۵، ش ۱۲۷، ص ۵.

۲- دکتر ابوالفضل ابراهیمی، مدیر عامل سازمان بازیافت و تبدیل مواد زاید شهرداری، روزنامه راه مردم، ۳۱ خرداد ۱۳۸۵، ش ۴۰۰، ص ۱۰.

۳- سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۳۴۳.

است:

اهل معرفت الهیّه چون مشاهده کردند که عالَم، مسجد ربوبیت است، باید مراقبت کنند که با طهارت و صفای باطن در آن قدم نهند که بساط مقدس حق را غیر مطهرین نتوانند پای نهاد و بار مجالست با او را جز به صدیقین و مخلصین ندهند.(۱)

از این رو، در فقه شیعه، سجده کردن جز بر خاک پاک و آنچه از خاک برمی آید، به جز خوردنی و پوشیدنی، روا نیست و چنین حکمی، خود، تلمیحی بر وظیفه پاکیزه نگه داشتن خاک به طور اعم وخاک سجده (سجده گاه) به طور اخص دارد؛ چه آنکه پاکیزگی از شعارهای اصیل اسلامی است: «النّظافهُ مِنَ الایمانِ».(۲)

حضرت علی علیه السلام نیز می فرمود: «نَهی رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ یُلْقَی السَّمُّ فِی بِلادِ الْمُشْرِکِینَ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله از مسموم کردن شهرهای مشرکان نهی کرده است.»(۳) این سخن عمومیت دارد و شامل آب و خاک و هر چیز دیگری می شود. به قیاس اولویت نیز فهمیده می شود وقتی مسموم کردن آب و خاک شهرهایی که مشرکان در آن زندگی می کنند، حرام و ممنوع است، به طریق اَوْلی، مسموم کردن آب و هوا و خاک و گیاهان شهرهای محل سکونت مسلمانان، حرام و ممنوع است.

۱- اسرار نماز معراج السالکین و صلوه العارفین، ص ۶۰.

۲- از سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله ؛ بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۱۲۹.

۳- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۰۷۰، ح ۳۴۹۶.

در فقه اسلامی، زمین یکی از مطهرات شمرده شده(۱) و در روایت است که «پاره ای از زمین پاره دیگر را پاک می کند.»(۲) به همین دلیل، از خاک همچون ماده ای پاک کننده برای تطهیر «ولوغ»(۳) از ظرف ها، استفاده می شود.(۴)

خاک پاک و زنده به خاطر داشتن باکتری فراوان می تواند آلودگی ها را از بین ببرد و چه بسا اگر این خاصیت در خاک نبود، کره زمین در مدت کوتاهی مبدّل به یک کانون عفونت می شد. بنابراین، خاک پاک زنده نه تنها آلوده نیست، بلکه از بین برنده آلودگی هاست و می تواند از این نظر تا حدودی جانشین آب شود؛ با این تفاوت که آب، حلّال است؛ یعنی میکروب ها را حل کرده و با خود می برد، ولی خاک، میکروب کُش است. اهمیت خاک پاک زنده در محیط زیست به سه دلیل غیرقابل انکار است:

۱. پاک کردن آلودگی های خاک سطحی؛(۵)

۲. پاک کردن (تصفیه) آب های زیرزمینی؛

۳. پاک کردن آلودگی های هوای محیط زیست؛ چه آنکه ورود هوا به داخل خاک ــ با وزش باد ــ می تواند اثر پاک کنندگی در مورد آلودگی های میکروبی، فیزیکی و شیمیایی هوا داشته باشد.(۶)

۱- ر.ک: رساله های عملیه مراجع عظام.

۲- «إِنَّ الْأَرْضَ تُطَهِّرُ بَعْضُها بَعْضا». فروع کافی، ج ۳، ص ۳۸، ح ۲.

۳- لیسیدن، دهان زدن سگ.

۴- ر.ک: رساله توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۱۵۰.

۵- چنان که در روایتی گذشت: «پاره ای از خاک پاره ای دیگر را پاک می کند».

۶- مقاله «اثر خاک پاک زنده در از بین بردن آلودگی های محیط زیست»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، صص ۴۰۵و۴۰۶.

فصل سوم: کشاورزی

اشاره

فصل سوم: کشاورزی

زیر فصل ها

۱. تعریف و اهمیت کشاورزی

۱. تعریف و اهمیت کشاورزی

«کشاورزی را می توان به معنای ایجاد هرگونه تغییردر زیست گاه های طبیعی یک منطقه برای به دست آوردن محصولات گیاهی یا دامی و متفاوت از آنچه در اکوسیستم های طبیعی متداول است، تعریف [کرد]. این تغییر و تحول در اکوسیستم های طبیعی برای افزایش توده زنده قابل برداشت، نیازمند جریانی از نیروی به کار برده شده توسط انسان است که در طول سال و با فواصل زمانی مختلف، سیستم را از بازگشت به حالت طبیعی (اولیه) خود، از نظر اجزای سیستم باز می دارد. برای مثال، عملیات شخم زمین، وجین علف های هرز، استفاده از آفت کش ها، کودها و آبیاری».(۱)

در متون دینی، اولین نشان از کشاورزی و دام داری را در زندگی فرزندان حضرت آدم علیه السلام می توان سراغ گرفت. گرچه در قرآن به این امر تصریح نشده و در آیه ۲۷ سوره مائده، تنها از پذیرش قربانی یکی از آنان و ردّ قربانی دیگری سخن رفته است، ولی در احادیث، ذیل همین آیه به دام دار بودن هابیل و کشاورز بودن قابیل تصریح(۲) و در تورات داستان به تفصیل بیان شده است:

۱- دائره المعارف جامع علوم کشاورزی،ج۱، ص ۳۲۰.

۲- نک: المیزان، ج ۵، ص ۳۱۸.

«هابیل به گله داری پرداخت و قابیل به کشاورزی مشغول شـد. پس از مـدتی، قائن هدیه ای از حاصل زمین خود را به حضور خداونـد آورد. هابیل نیز چند رأس از نخست زادگان گله خود را ذبح کرد و بهترین قسـمت گوشت آنها را به خداوند تقدیم نمود. خداونـد، هابیل و هدیه اش را پذیرفت، اما قائن و هدیه اش را قبول نکرد. پس قائن برآشـفت و از شدت خشم سـرش را به زیر افکند».(۱)

بر پایه برخی روایات،(۲) چون خداونـد، آدم ابوالبشـر را از بهشت برزخی راند و او پا به عرصه زمین نهاد، احساس گرسـنگی کرد. حضرت جبرئیل علیه السلام از آسمان فرود آمد و کشاورزی و درخت کاری را بدو آموخت و این روش را پیامبران پس از وی، یکی پس از دیگری برگزیدند، به جز حضرت ادریس علیه السلام که خیاطی پیشه کرد.

۲. فضیلت کشاورزی در اسلام

اشاره

۲. فضیلت کشاورزی در اسلام

حدود ۵۵۰ آیه در قرآن مجیـد، به صورتی بـا کشـاورزی مرتبـط است، که نزدیـک به نه درصـد کـل آیات قرآنی را دربرمی گیرد. کشـاورزی یکی از اسـتوانه های عمران و آبادانی هر کشور و شاهرگ حیات اقتصادی آن است. بی جهت نیست که در برخی روایـات، از تنی چنـد از معصومـان، از جمله رسول اکرم صـلی الله علیه و آله آمـده است: «هر کس آب و خاک داشـته باشد و با این حال فقیر بماند، خدا او را از رحمت خود دور کند».(۳)

۱- عهد قدیم، تورات، کتاب پیدایش، باب چهارم: ۳ _ ۶.

۲- نک: کافی، ج ۵، ص ۲۶۰، ح۴.

۳- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۹؛ تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۶۴.

تولیـد محصول از زمین، به ویژه برنـج و گنـدم و دیگر حبوبات که برای ادامه حیات نسل ها لازم است، فرایند دشوار و پیچیده ای است. آفتـاب بایـد بتابـد. آب های پهنه اقیانوس ها و دریاها بخار شونـد و سـپس به وسـیله بادهای مژده بخش به هر طرف پراکنده گردند و در نهایت، به صورت قطره های باران بر زمین فرود آیند و در دامن زمین و چشمه ها و چاه ها و رودهای آن به جریان افتند. زمین نرم و باران خورده به وسیله کشاورزان زیر و رو (شخم) می شود. سپس دانه پاشی می کنند. آن گاه دانه ها، دل خاک را می شـکافند و ریشه در زمین فرو می برند و شاخه و ساقه از آن سر برمی آورند. در نهایت، به برگ و بار می نشینند و پس از گذراندن دوره داشت و برداشت، فراوری می شوند و به مصرف غذای انسان می رسند.

قرآن کریم، رویش را فعل خدا می داند، نه کار بشر؛ همان سان که گردش ابر و بارش باران را. در واقع، خداوند، رویانیدن و به ثمر نشانـدن بوته هـا و زراعت را سامان می دهـد و به پایان می برد و آدمیان فقط ابزار این کارنـد؛ فقط می کارنـد، آبیاری می کنند و در حراست از آن می کوشند. به دیگر سخن، زراعت از آن خدا و کشت، کار بندگان خداست:

أَفَرَأَيْتُم ما تَحْرُثُونَ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزّارِعُونَ لَوْ نَشآءُ لَجَعَلْناهُ حُطامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ. (واقعه: ۶۳ _ ۶۵)

آیا آنچه را کشت می کنیـد، ملاحظه کرده ایـد؟ آیا شـما آن را [بی یاری ما] زراعت می کنیـد یا ماییم که زراعت می کنیم؟ همانا اگر بخواهیم، خاشاکش می گردانیم. پس در دریغ و تعجب می افتید.

در قرآن، کشاورزی، نعمتی ارجمند دانسته شده و از محصولات زراعی با

نام «حرث»،(۱) از برداشت دانه و محصول زراعی با عنوان «حصاد»،(۲) از خوشه محصولاتی چون گندم با نام «سنبل»(۳) و از خود دانه به عنوان «حبّه»(۴) و از برخی محصولات کشاورزی به نیکی یاد شده است و این همه، فضیلت و ارجمندی این شغل شریف را می رساند.

الف) ارتباط شگفت آب و خاک

الف) ارتباط شگفت آب و خاک

قرآن کریم درباره رابطه شگفت آب و خاک و هم دلی این دو منبع حیات آفرین الهی در تولید محصولات کشاورزی، مردم را به بازنگری در غذای خود فرا می خواند و از برخی از این محصولات پاکیزه و خوش گوار یاد می کند:

پس آدمی باید به غذای خود بنگرد. ما آب را از آسمان به صورت بارشی فرو ریختیم. آن گاه زمین را با شکافتنی [لازم] شکافتیم و در آن دانه[ها]رویاندیم و انگور و سبزی و زیتون و خرما و باغ های [با درختان]در هم تنیده و میوه و چراگاه تا وسیله استفاده شما ودام هاتان باشد.(۵)

اگر با تدبّر و اندیشه در قرآن ملاحظه کنیم، در می یابیم که خداوند، واژه «حَبّ» و «نَوی» را در مواردی به کار برده است که می خواهد نعمت، کرم، علم، قدرت، وحدانیت، عدالت و لطف خود را به بندگان یادآور شود. به این نمونه بنگرید:

إِنَّ اللّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوی یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَیِّتِ مِنَ الْحَیِّ ذلِکُمُ اللّهُ فَأَنّی تُؤْفَکُونَ. (انعام: ۹۵)

۱- نک: بقره: ۷۱ و ۲۰۵؛ آل عمران: ۱۴ و ۱۱۷.

۲- نک: انعام: ۱۴۱.

۳- نک: بقره: ۲۶۱.

۴- نک: بقره: ۲۶۱؛ انعام: ۵۹.

۵- عبس: ۲۴ _ ۳۲.

همانا خدا، شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می آورد. چنین است خدای شما. پس چگونه [از حق] منحرف می شوید؟

خدای متعال در این آیه شریف، خردمندان و صاحبان فطرت های پاک را مخاطب ساخته است و به ایشان اعلام می دارد تنها اوست که می تواند دانه ها و هسته ها را در زیر خاک بشکافد و چیزی را از نقیضش بیافریند.

فخر رازی در این باره بیانی لطیف دارد:

آن گاه که دانه یا هسته در زمین نمناک جای گیرد و زمانی معین بر آن بگذرد، خداوند شکافی در قسمت بالا و شکافی در قسمت پایین آن پدید می آورد. از شکاف نخست، ساقه برمی آید و به جانب بالا سرمی کشد و از شکاف دوم، ریشه پدید می آید و به طرف عمق زمین پیش می رود. این صحنه، شگفتی هایی به همراه دارد؛ یکی آنکه خاک درونی زمین سخت است و نفوذ در آن، دشوار و گاه به گونه ای است که کارد آهنی تیز نیز در آن فرو نمی رود، اما با این حال، ریشه های نرم و لطیف و نازک ــ به طوری که اگر آنها را میان دو انگشت بفشاریم، آب می شوند ــ از میان این خاک های سخت می گذرند و در اعماق آن پخش می شوند و این جز با تقدیر الهی امکان پذیر نیست. و از همین روی، خداوند در پایان آیه، انکار پروردگار را قبیح و بی شرمانه دانسته است.(۱)

ب) روش نگه داری حبوبات

ب) روش نگه داری حبوبات

بی گمان، کشاورزی مراحلی دارد: کاشت، داشت و برداشت و سپس ذخیره سازی غلّات و حبوبات برای مصرف سال های آینده و به ویژه برای آماده شدن در رویارویی با پدیده قحطی و خشک سالی که هرساله ده ها گرسنه را راهی دیار نیستی می کند. خداوند در یکی از آیات، از قول یوسف صدّیق

۱- تفسیر فخر رازی، ذیل تفسیر آیه ۹۵ سوره انعام.

علیه السلام، شیوه ذخیره سازی گندم را بدین منظور چنین بیان داشته است:

قالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِینَ دَأَبًا فَما حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فی سُنْبُلِهِ إِلّا قَلِیلًا مِمّا تَأْکُلُونَ. (یوسف: ۴۷)

یوسف گفت: هفت سال پیاپی مثل همیشه کشت و زرع کنید و آنچه را درو می کنید، با خوشه اش کنار بگذارید، مگر اندکی که از آن می خورید.

دو تن از دانشمندان مصری در توضیح آیه چنین نوشته اند: «خداوند در این آیه شریفه روشن ساخت که دانه ها و غلّاتی چون جو و گندم اگر در خوشه های خود نگه داری شوند، سالیان دراز باقی می مانند؛ زیرا خوشه ها مانع ورود هوا به درون خود می شوند و دانه ها را از فاسد شدن و راه یافتن سوسک و پشه بدان حفظ می کنند. همچنین نمی گذارند رطوبت و حرارت بدان ها راه یابد و گفته اند که در سرزمین مصر، در روزگار حضرت یوسف علیه السلام، غلّات دو سال بیشتر باقی نمی ماند و خداوند از طریق یوسف بدیشان آموخت که با این شیوه می توان غلات را تا پانزده سال نگه داری کرد. بی گمان، در آن روزگار میان آنان کسی نبود که این حقیقت علمی را بشناسد».(۱)

ج) سیر دانه تا خوشه، نماد رشد اسلام و مسلمانان

ج) سیر دانه تا خوشه، نماد رشد اسلام و مسلمانان

پیامبرخدا در آغاز بعثت با انبوهی از مشکلات، چون گردن کشی ملحدان و سرکردگان شرک و بت پرستی و کارشکنی کافران روبه رو بود. بدین سان حضرت و یاورانش در آغاز دعوت، ضعیف می نمودند. پیامبر اسلام ندای «قُولُوا لا اِلَهَ إِلَّا اللّهُ تُفْلِحُوا» سر داد و بذر ایمان و خداپرستی را در دل های مردان

۱- عالم النبات فی القرآن الکریم، ص ۸۵.

و زنان حق طلب کاشت. او در آشکار و نهان، آن را آبیاری و مراقبت کرد. به تدریج، این بذر ریشه دواند و ستبر شد و روی پای خود ایستاد، چنان که هر بیننده ای از مشاهده آن حیرت می کرد و کافران از دیدن آن به خشم و غضب می آمدند. قرآن کریم، این حقیقت را به صورت نمادی زیبا و مثلی لطیف چنین بیان داشته است:

محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران سخت گیر [و] با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود [بسیار] می بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. نشانه آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است. این صفت ایشان است در تورات و مَثَل آنها در انجیل چون کشته ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا]، کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است. (فتح: ۲۹)

به طور کلی، آیات فراوانی درباره کشاورزی و ارتباط آب و خاک و رویش گیاهان وجود دارد که یادکرد همه آنها و تذکر نکته های درس آموزشان در این مجال ممکن نیست. با این حال، با تأمل در آنها به طور عموم، نتایج آشکار زیر به دست می آید:

۱. رابطه شگفت آوری میان بارش باران، آب، خاک و رویش و پویش گیاهان وجود دارد که خداوند، آدمیان را به تأمل در آن فرا می خواند و این نظام شگفت انگیز را آیت وجود خود می داند.

۲. باران، سهم اصلی و ممتازی در سرسبزی زمین و رونق کشاورزی دارد. آب، نعمت بزرگ الهی است که باید قدر آن را دانست و در مصرف درست و

بهینه آن کوشید.

۳. هرگونه اسراف و تبذیر در استفاده از محصولات و فراورده های کشاورزی و منابع طبیعی از قبیل آب و خاک جایز نیست و خداوند به شدت از آن نهی کرده است.

۴. آدمیان باید بدانند که رویش گیاهان در پرتو بارش باران و زمینه مناسب و مساعد خاک و هوا، عملی است بسیار بزرگ که خداوند متعال انجام می دهد و سهم بشر در آن بسیار ناچیز است.

۵. بر کشاورزان واجب است زکات و حق فقیران و مستحقان را از محصولات کشاورزی بپردازند تا خداوند به کشت و کارشان برکت عنایت فرماید.(۱)

۳. فضیلت کشاورزی در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله

اشاره

۳. فضیلت کشاورزی در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله

زیر فصل ها

الف) تشویق به کار کشاورزی

ب) کشاورزی، بهترین ثروت

الف) تشویق به کار کشاورزی

الف) تشویق به کار کشاورزی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره اصحاب خود را به احیای طبیعت و عمران اراضی بایر سفارش می فرمود و دوست داشت که آنان به واسطه سرگرم شدن به کار، به ویژه پاکیزه ترین کارها؛ یعنی کشاورزی، هم از سستی و تنبلی فاصله بگیرند و هم از این راه روزی حلال کسب کنند و از نظر اقتصادی نیز نیازمند این و آن نباشند. از این رو، در سخنی خطاب به یکی از یاران خود فرمود: «اَحیِ بلدکَ المیّت؛ زمین ناآباد شهر خود را آباد کن.»(۲) در دستورالعملی همگانی نیز از آنان خواست که زمین زراعتی خود را بدون استفاده نگذارند:

۱- سیدعلی حسینی، طبیعت و کشاورزی از دیدگاه اسلام، صص ۱۵۴ و ۱۵۵.

۲- معجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، ماده «بلد و ارض».

«مَنْ کانَتْ لَهُ أَرْضٌ فَلْيَزْرَعْها؛ هر کس زمینی دارد، در آن کشاورزی کند».(۱)

در روزگار آن حضرت که هنوز مردم از علوم و فنون کمتر بهره داشتند، زمین های کشاورزی زیادی بی استفاده مانده و به بیابان های بزرگی تبدیل شده بود. حضرت برای تشویق مردم به سرمایه گذاری در این زمین ها و در نتیجه، رونق گرفتن کار کشاورزی چنین اعلام داشت: «مَنْ اَحْیا ارضا مواتا فهوله؛ هر کس زمین مرده ای را احیا سازد (آباد کند)، مالک آن خواهد بود».(۲)

در نتیجه استقبال مردم از این آموزه های پیامبر، رفته رفته در قرون اولیه ظهور اسلام، کشاورزی رونق و گسترش یافت و تحولی عظیم در آن پدید آمد.

«رشد کشاورزی در قرون اولیه اسلام غیرقابل تردید است. بنا به نوشته جاحظ در قرن نهم میلادی، ۳۶۰ نوع خرما در بازار بصره وجود داشته است، در حالی که یک قرن بعد، به نوشته ابن وحشیه در الفلاحه النبطیه، انواع خرما در عراق قابل شمارش نبوده است. به نوشته ابن رسته (اوایل قرن دهم میلادی)، ۷۸ نوع انگور در حوالی شهر صنعا وجود داشته است. انصاری در توصیف شهر کوچکی در سواحل شمال افریقا در سال ۱۴۰۰ م. از مناطقی نام می برد که ۶۵ نوع میوه، ۳۶ نوع گلابی، ۲۸ نوع انجیر، ۱۶ نوع زردآلو و میوه های دیگر تولید می کردند».(۳)

۱- معجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، ماده «بلد و ارض».

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۲۷، باب ۱ از ابواب احیاء الموات، ح ۵ و ۶.

۳- اندرو، ام. واتسون، نوآوری های کشاورزی در قرون اولیه اسلام، مقدمه مؤلف.

ب) کشاورزی، بهترین ثروت

ب) کشاورزی، بهترین ثروت

حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرسیده شد: کدام ثروت از همه بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را بکارد و از آن نگه داری کند و آن گاه که به ثمر رسید، درو کند و زکاتش را بدهد».(۱)

در روایتی دیگر به همین مضمون، آن گاه که از حضرت پرسیدند کدام یک از اموال ما از همه بهتر است، پاسخ فرمود: الحرث(۲) (کشاورزی).

حضرت در سخنی دیگر، استفاده انسان ها، پرندگان و چهارپایان از حاصل کشت و کارش را برای وی صدقه معرفی فرموده است:

هر مسلمانی درختی بنشاند یا محصولی بکارد و انسان یا پرنده یا حیوانی از آن محصول بخورد، برای وی صدقه است.(۳)

از این سخن و سخنانی از این دست به روشنی استفاده می شود که کشاورزی، بستر مناسبی برای خدمت رسانی به مردم است. کشاورزان در شمار خدمت رسانان به همه موجوداتند که خدا و رسولش، بر خدمت آنان مهر تأیید زده و پاداشی بزرگ برای آنان در نظر گرفته اند: پاداش متصدّقین.

از آن حضرت نیز نقل است که فرمود: «صدقه بدهید و آن را کوچک مشمارید.» گفتند: بر چه کسی ای فرستاده خدا؟ فرمود: «به مردم اسیر، درمانده و نیازمند.» پرسیدند: کدام یک از اموال ما برای پرداخت صدقه بهتر است؟ فرمود: «کشت

۱- «زرعٌ زَرَعَ صاحبه و اصلحه و ادّی حقّه یوم حصاده». شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۲۴۶؛ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۲۱ و ج ۱۰۳، ص ۶۴، ح ۴.

۲- بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۲۴.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۳،ص ۴۶۰، ح ۱۵۸۹۲؛ نیز ج ۲، ص ۵۰۱.

و دام».(۱)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند، روزی پیامبرانش را در کشاورزی و دام داری قرار داد تا بارش های آسمان را ناخوش ندارند.(۲)

حضرت در سخنی دیگر قریب به همین مضمون فرمود:

خدای عزّوجلّ، کشاورزی را برای پیامبران خود برگزید تا بارش آسمان را ناخوش ندارند.(۳)

همچنین آن حضرت، تمام پیامبران ــ به جز حضرت ادریس ــ را کشاورز معرفی فرموده است. «یزید پسر هارون واسطی از امام صادق علیه السلام درباره برزگران پرسید. حضرت فرمود: آنان کشت کاران گنج های خداوند در زمین اویند. در میان کارها هیچ کدام نزد خداوند محبوب تر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری نفرستاد جز آنکه کشاورز بود، به جز ادریس علیه السلام که خیاط بود».(۴)

به نظر می رسد که نسبت دادن کشاورزی به رسول خدا صلی الله علیه و آله از باب شمول یا تغلیب است؛ چه آنکه ممکن است در نظر امام، کشاورزی اعم از دام داری تلقّی شده باشد.

در تاریخ زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از دام داری ایشان در برهه ای کوتاه یاد شده، ولی نقل نشده که حضرت اختصاصا به کار کشاورزی نیز

۱- صنعانی، المصنف، ج ۲، ص ۳۶۰.

۲- کافی، ج ۵، ص ۲۶۰، ح ۱و۲.

۳- کافی، ج ۵، ص ۲۶۰، ح ۱و۲.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۶۱، ح ۱۵۸۹۸.

پرداخته است.

حضرت امام صادق علیه السلام در سخنی، سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان نسبت به کشاورزان را چنین بیان داشته است:

وَصّی رَسُولُ اللّهِ عَلِیّا عِنْدَ مَوْتِهِ، فَقالَ: یا عَلِیُّ! لا یُظْلَمُ الْفَلاّحُونَ بِحَضْرَتِکَ... .(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام مرگ، به حضرت علی علیه السلام درباره کشاورزان چنین سفارش کرد: ای علی علیه السلام ! تا تو هستی، به کشاورزان ستم نشود... .

چنین سفارشی از حساسیت فوق العاده کشاورزی و ارجمندی قشر زحمت کش کشاورز در چشم و دل حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حکایت دارد. امید که این سفارش پیامبر مهربانی و رحمت، همیشه آویزه گوش دولت مردان ما باشد.

چون در صدر اسلام، مسئله آلودگی آب و خاک مطرح نبوده، در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله، چیزی در این زمینه مطرح نشده است. با توجه به قواعد کلی که پیش تر گذشت، مانند «قاعده لاضرر»، «قاعده تسبیب» و امثال آن، اگر امروزه به دلیل به کارگیری کودهای شیمیایی، آفت کش ها و مانند آن، به آب و خاک و هوا و تنوع زیستی موجود آسیب وارد شود، افزون بر آنکه این کار از نظر شرعی، حرام است، از نظر حقوقی و قانونی نیز قابل پی گیری است و شخص خسارت زننده باید آن را جبران کند.

۱- کافی، ج ۵، ص ۲۸۴؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۸.

فصل چهارم: درخت و گل و گیاه (چشم انداز سبز)

اشاره

فصل چهارم: درخت و گل و گیاه (چشم انداز سبز)

زیر فصل ها

۱. منافع درخت

۱. منافع درخت

«درختان از میلیون ها سال پیش چون کارگاه بزرگی، هوای کره زمین را طبق سلیقه و خواسته جانداران پالایش کرده اند و در این رهگذر همه چیز نیز به آنها داده اند. انسان در دوره آغازین حیات خود، میوه درختان را می خورد و با پوست و برگ درختان، خود را می پوشاند. در پناه درختان جنگل، از سرما و گرمای بسیار و از باد و باران در امان بود و هنگام ترس به سوی آن می دوید و از بیم درندگان، بالای درخت می رفت و در لابه لای شاخه هایش پنهان می شد. سیل و توفان و تندر هم با وجود جنگل های انبوه، کارآیی چندانی نداشتند. از همان دوران کهن، انسان به درخت وابسته شد، چنان که اکنون نیز نمی تواند از آن بی نیاز باشد».(۱)

۲. منافع جنگل و مرتع

۲. منافع جنگل و مرتع

«از جنگل ها به عنوان تفرّج، کان کنی، به دست آوردن هیزم، الوار و فرآورده های کاغذی استفاده می شود و... درختان، شفادهندگان بزرگ طبیعتند؛

۱- هما کبیری، مقاله «ریه های سبز کره خاکی»، جام جم، سه شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۸۲، سال چهارم، ش ۱۱۰۲.

آنـان بـا تـأثیر گـذاردن روی باد، دما، رطوبت و بارنـدگی، به کنترل اقلیم کمک می کننـد. درختان در بازسازی جهانی آب، اکسیژن، کربن و ازت شـرکت دارنـد. جنگـل هـا، آب را جـذب کرده، نگه می دارنـد و به آرامی رهـا می سازنـد. در نتیجه، فرسایش و سـیل را کاهش داده و اجازه می دهنـد که آب به سـفره های آب زیرزمینی نفوذ کنـد. به علاوه جنگل ها، زیسـت گاه هایی برای حیات وحش و مراتعی برای دام ها فراهم آورده، در جذب برخی از آلاینده های هوا و سر و صدا کمک کرده و روان انسان را با فراهم آوردن گوشه عزلت و زیبایی متمکن می سازند... تمام این اعمال حساس به وسـیله انرژی خورشیدی بر اساس خودابقایی و بدون هزینه ای برای ما انجام می پذیرد».(۱)

«یک هکتار مرتع با پوششـی از گل ها و گیاهان متنوع خودرو قادر است تا بالای دو تن اکسـیژن ناب و جان فزا برای اسـتمرار حیـات انسان ها تولیـد کنـد. به اعتقاد دوسـتداران منابع طبیعی و شـیفتگان شـکوه علفزاران، یک هکتار مرتع مملو از گل های وحشـی و خـودرو سالانـه تـا دو هزار مـتر مکعب ریزش بـاران فصـلی را در خود ذخیره می کنـد و نمی گـذارد سـیلاب هـای سرکش پس از هر بارنـدگی شدید به کاشانه و عرصه های کشت و کار زراعی افراد بومی چنگ انداخته و به یک باره مرگ و نیستی به جای گذارد. ... جنگل ها و مراتع، یکی از منابع مهم تجدیدشونده هر کشور و زیربنای توسـعه اقتصادی و اجتماعی می باشند که نابودی تدریجی آنها موجب فنای سایر عوامل حیاتی از قبیل آب، خاک و موجودات وابسته به آنها و در نهایت، گسترش بیشتر آلودگی

۱- پروفسور جی. تی میلر، زیستن در محیط زیست، ترجمه: مجید مخدوم، ص ۳۱۵.

هواست».(۱)

۳. منافع گل ها و گیاهان

۳. منافع گل ها و گیاهان

«وجود گل ها و گیاهان چه در گلدان و جعبه ای کنار پنجره آپارتمان های شهری و چه در یک باغ حومه شهر، بر کیفیت زیبایی محیطی که مردم در داخل یا خارج آن زندگی، کار یا استراحت می کنند، می افزاید. زندگی در کنار گیاهان برای انسان، فواید مثبت روانی و فیزیولوژیکی دارد. به عنوان مثال، شواهد نشان می دهند آن دسته از بیماران بستری در بیمارستان ها که از پنجره، چشم اندازهایی به مناظر طبیعی داشته اند، نسبت به بیمارانی که رو به دیوار قرار گرفته بودند، بعد از جراحی، مسکّن کمتری مصرف کرده و مدت کوتاه تری بستری بوده اند. سایر مطالعات به نقش مثبت گیاهان در کاهش فشارهای عصبی اشاره می کنند.

گیاهان با کاستن از مصرف انرژی و ذخیره کردن منابع طبیعی، در حفظ محیط زیست مفیدند. استفاده از گیاهان، اقتصادی ترین شیوه برای تغییر خُرد اقلیم اطراف بناهاست. تعبیه صحیح درختان، درختچه ها و گیاهان کوتاه پوششی اطراف خانه ها و ساختمان ها می تواند هزینه های گرمایش و سرمایش را از طریق کنترل اثر خورشید و باد کاهش دهد. سایه درختان می تواند مقدار الکتریسیته لازم را برای به کار انداختن دستگاه های تهویه هوا ۱۰ تا ۵۰ درصد کاهش دهد و از این طریق، از انتشار دی اکسید کربن ناشی از آن بکاهد.

۱- محمدرضا اسماعیل پور، «مراتع و عرصه های گیاهی و کوهستانی، بستر استوار حیات و بنیان توسعه پایدار سلسله گزارش»، اطلاعات، سه شنبه ۱۵ دی ۱۳۸۳، ش ۲۳۲۴۷.

مطالعات مقدماتی نشان داده اند گیاهان برگ زینتی که به روشی صحیح در ساختمان ها و منازل تعبیه ونگه داری می شوند، می توانند کیفیت هوای داخل ساختمان را با کاهش دادن آلاینده ها بهبود بخشند».(۱)

با توجه به اهمیت بالا و والای درختان، جنگل ها، بوته زارها و مرتع ها در حفظ سلامت جسمی و روانی انسان و تأمین علوفه دام ها و اثرگذاری سودمند بر منابع آب و خاک و ده ها منافع دیگر، حفاظت از این ثروت بی بدیل خدادادی و تلاش در جهت گسترش آن از وظایف ملی و شرعی ملت مسلمان به ویژه دل سوزان منابع طبیعی و دست اندرکاران مسائل زیست محیطی به شمار می رود.

۴. درخت و گیاه در قرآن

اشاره

۴. درخت و گیاه در قرآن

قرآن کریم از پوشش گیاهی زمین همچون درختان، سبزه ها و بوته ها فراوان یاد کرده و سودمندی های زیادی را به آنان نسبت داده است. در اینجا برخی از این یادکردها را مرور می کنیم:

الف) گیاهان؛ جلوه حیات زمین

الف) گیاهان؛ جلوه حیات زمین

قرآن، زمین خالی از گیاه را مرده می داند که هیچ جنبش و حرکتی از آن برنمی خیزد. با این حال، همین که بادهای مژده بخش، ابرهای پراکنده را به هر سو رانند و متراکم کردند و باران رحمت الهی همچون دم مسیحایی به این خاک عبوس و مرده رسید، گویی با رویش گیاهان و گل ها در آن، روح حیاتی دوباره دمیده است، چنان که خداوند در قیامت مردگان را نیز بدین سان حیات

۱- دایره المعارف جامع علوم کشاورزی، ج ۱، صص ۳۶۹ و ۳۷۰.

مجدد خواهد بخشید:

و اوست که بادها را پیشاپیش [باران] رحمتش مژده رسان می فرستد، تا آن گاه که ابرهای گران بار را بردارند. آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم و از آن باران فرود آوریم و هرگونه میوه ای [از خاک] برآوریم. بدین سان مردگان را [نیز از قبرها] خارج می سازیم. باشد که یادآور شوید. (اعراف: ۵۷)(۱)

ب) گیاهان؛ شادی بخش و روح افزا

ب) گیاهان؛ شادی بخش و روح افزا

تماشای گلبرگ های لطیف و خوش رنگ، غنچه های زیبا و شکوفه های دلربا و چشم انداز زمرّدین بوستان ها و مرتع ها، انسان را غرق در شادی و سرور می کند و آرامشی معنوی به وی می بخشد. به همین دلیل، طبیبان، افسردگان را به تفرّج در بوستان ها و گلزارها سفارش می کنند:

وَ تَرَی اْلأَرْضَ هامِدَةً فَإِذا أَنْزَلْنا عَلَیْهَا الْماءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ کُلِّ زَوْجٍ بَهِیجٍ. (حج: ۵)

و زمین را مرده و افسرده می بینی و چون آب باران بر آن فرو باریم، بجنبد و بردمد و انواع گیاهان زیبا و شادی آفرین برویاند.

«بهیج» به معنای خوش حال و شادمان و «زوج» در اینجا به معنای گونه و صنف است. تعبیر قرآن بسیار جذّاب و شاعرانه است؛ گویا که با بارش باران، زمین مرده به ناگاه جان می گیرد و از خواب مرگ برمی خیزد و به رقص و اهتزاز درمی آید. هرکس حالت این گل ها و گیاهان را ببیند که در باد، دست افشان به این سو و آن سو حرکت می کنند، به نظرش می آید از سرزندگی دوباره به رقص و پای کوبی برخاسته اند. مشاهده چنین حالتی، بسیار دل انگیز و

۱- نک: فاطر: ۹؛ یس: ۳۳؛ فصّلت: ۳۹.

روح نواز و شادی بخش است.

این طراوت و نشاط گیاهان در انسان دل افسرده، انگیزه می آفریند و در وی روح نشاط می دمد و به آینده اش امیدوار می سازد و به تلاش و کار وا می دارد. علامه شعرانی نوشته است:

خرّمی گیاه سبز و درخت و گل و شکوفه که در این آیات ذکر شده، در انسان رغبت و نشاطی به وجود می آورد که زمین را آباد کند و کشت و زرع بسیار شود و روزی مردم فراخ گردد.(۱)

ج) جنگل و مرتع؛ آیه، نعمت و متاع زندگی

ج) جنگل و مرتع؛ آیه، نعمت و متاع زندگی

به طور کلی، از جنگل و مرتع در قرآن با واژه هایی چون «نبات»، «زوج کریم»، «جنّات معروشات»، «جنّات الفاف»، «حدائق غُلْب»، «اَبّ» و «مرعی» یاد شده است. برخی از این یادکردها و نکته های آموزنده آنها را مرور می کنیم:

اول:

وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ أَزْواجًا مِنْ نَباتٍ شَتّی كُلُوا وَ ارْعَوْا أَنْعامَكُمْ إِنَّ فی ذلِكَ لَآیاتٍ لِأُولِی النُّهی. (طه: ۵۳ و ۵۴)

و از آسمان آبی فرود آورد. پس به وسیله آن، رستنی های گوناگون، جفت جفت بیرون آوردیم. بخورید و دام هایتان را بچرانید که همانا در اینها نشانه هایی برای خردمندان است.

این آیه متذکر می شود که جنگل و مرتع صرفاً برای استفاده انسان آفریده نشده است که هرگونه دلش خواست، در آن تصرف و آن را غارت کند؛ چه آنکه انعام نیز در آن سهمی دارند و از چرای در آن روزی، می خورند. ازاین رو،

۱- نثر طوبی، ص ۹۷.

حقّ این حیوانات زبان بسته باید محفوظ بماند.

افزون بر آن، عمل شگفتِ رویش گیاه و مرتع از خاک فسرده و مرده به برکت ابرها و باران و سپس استفاده های متنوع انسان و حیوان از نتیجه اعجاز آب و خاک، جای تأمل و عبرت آموزی دارد و فطرت های پاک و حقیقت جو را به قدرت، علم و حکمت خدای آفرینش گر رهنمون می شود.

دوم:

وَ هُوَ الَّذِی أَنْشَأَ جَنّاتٍ مَعْرُوشاتٍ وَ غَیْرَ مَعْرُوشاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُکُلُهُ وَ الزَّیْتُونَ وَ الرُّمّانَ مُتَشابِها وَ غَیْرَ مُتَشابِهٍ کُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ یَوْمَ حَصادِهِ وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ. (انعام: ۱۴۱)

و اوست کسی که باغ هایی با داربست(۱) و بدون داربست(۲) و خرما بُن و کشتزار با میوه های گوناگون آن و زیتون و انار شبیه یکدیگر و غیرشبیه پدید آورد. از میوه آن [باغ ها] ــ چون ثمر داد ــ بخورید و حقّ [بینوایان از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید، ولی زیاده روی مکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد.

مراد از «جنّات معروشات»، مجموعه درهم فشرده از درختانی است که سبزی آنها سطح زمین را می پوشاند. در روایت است که حضرت علی علیه السلام آن را «مغروشات و غیرمغروشات» قرائت می کرده؛ یعنی او خداوندی است که باغ هایی را که آدمیان در آنها درخت می کارند و بوستان های خودرو

۱- برای نگه داری از میوه هایی که ساقه های ضعیف دارند، همچون انگور.

۲- باغ های بدون داربست، مقصود باغ هایی است که درختان آن به واسطه داشتن ساقه یا تنه های قوی نیاز به داربست ندارند، مانند: سیب، انار و...

را آفرید که در این صورت، واژه «غیرمغروشات» به جنگل های طبیعی اشاره دارد.

به هر ترتیب، از آیه استفاده می شود که جنگل ها از نعمت های خداوندی است که آنها را از سر لطف در اختیار آدمیان نهاده است و آنان نیز در استفاده از این نعمت الهی، باید حق دیگر نسل ها را در نظر بگیرند و در استفاده از آن افراط (اسراف) نورزند؛ چه آنکه خدا، اسراف کاران را دوست ندارد.

سوم:

أَنّا صَبَبْنَا الْماءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنا فيها حَبّا وَ عِنَبا وَ قَضْبا وَ زَيْتُونا وَ نَخْلًا وَ حَدائِقَ غُلْبا وَ فاكِهَةً وَ أَبّا مَتاعا لَكُمْ وَ لِأَنْعامِكُمْ. (عبس: ۲۵ _ ۳۲)

ما آب را به صورت بارشی فرو ریختیم. آن گاه زمین را با شکافتنی [لازم] شکافتیم. پس در آن دانه رویاندیم و انگور و سبزی و زیتون و خُرما بُن و باغ های انبوه (جنگل) و میوه و مرتع [تا وسیله] استفاده شما و دام هایتان باشد.

در این آیات شریف، خدای تعالی در جمله ای در نهایت اختصار، به زیبایی تمام، هر آنچه را انسان ها در زندگی مادی خود برای ادامه حیات و در سلامت کامل زیستن بدان نیازمندند، بیان فرموده است:

آب پاکیزه؛ زمین حاصل خیز و قبل از آن، هوا به منظور واکنش این دو؛ حبوبات؛ انگور؛ سبزی؛ زیتون؛ خرما؛ میوه[های دیگر]؛ جنگل؛ مرتع و دام.

با این حساب آیا شایسته است که باز انسان ناسپاسی کند و آب پاک سطحی و زیرزمینی را به انواع آلودگی های آلی و شیمیایی به ویژه کودهای شیمیایی و انواع آفت کش ها بیالاید و سبزی و حبوبات و میوه ها را با آنها

مسموم کند و به خورد خلق خدا دهد و پرندگان و حشرات و چهارپایان و موجودات زنده دیگر و در نهایت، حیات هم نوعان خود را تا مرز انهدام و نابودی بکشاند؟ فَاعْتَبِرُوا یا أُولِی ٱلْأَبْصارِ.

۵. جایگاه درخت و گل و گیاه در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله

اشاره

۵. جایگاه درخت و گل و گیاه در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله

بر پایه روایات متعدد، پیامبر خدا و به پیروی از آن بزرگوار، امامان معصوم علیهم السلام نیز همواره مؤمنان را به درخت کاری تشویق می کردند و آن را عملی مقدس و دارای ثواب فراوان می دانستند و خود در این راه پیش گام بودند؛ زیرا از فواید بی شمار درختان و جلوه های شادی بخش و اندوه زدای سرسبزی و خرّمی آگاه بودند.

الف) تشویق به درخت کاری

الف) تشویق به درخت کاری

مَنْ... غَرَسَ غَرْساً... کانَ لَهُ أَجْرَاً جارِیاً مَاانْتَفَعَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ الرَّحْمنِ.(۱)

هر کس درختی بکارد، تا زمانی که یکی از مخلوقات خدا از آن بهره بَرَد، خداوند به وی پاداش خواهد داد.

چنین روایاتی که به طور مطلق، انسان ها را به درخت کاری فرا می خوانند و برای آن پاداش منظور می دارند، شامل هرگونه درختی ـ مثمر و غیرمثمر ـ می شوند و نیز هرگونه استفاده ای که مردم از آن ببرند؛ اعم از میوه، سایه، منظره دل گشا و هوای لطیف و سالم را دربرمی گیرند.

ما مِنْ مُسْلِمٍ یَغرِسُ غَرْساً إلاّ کانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ بِقَدْرِ ما خَرَجَ مِن ثَمَرَهِ ذلِکَ الغَرْسِ.(۲)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۶۰.

۲- کنزالعمّال، ج ۳، صص ۸۹۶ ـ ۹۰۰.

هر مسلمانی درختی بکارد، به تعداد میوه آن، برای وی پاداش خواهد بود.

حضرت در روایتی، چنان بر کاشت نهال تأکید می ورزد که گویی در دنیا، هیچ عمل عبادی با آن برابری نمی کند:

إِنْ قامَتِ السّاعَةُ وَ فِی یَدِ أَحَدِکُمْ فَسِیلَةٌ فَإِنِ اسْتَطاعَ أَنْ لا تَقُومَ السّاعَةُ حَتّی یغْرِسُها، فَلْیَغْرِسْها.(۱)

اگر عمر جهان پایان یابد و قیامت برسد و یکی از شما نهالی در دست داشته باشد، چنان که به قدر کاشتن آن فرصت باشد، باید فرصت را از دست ندهد و نهال را بکارد.

بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درخت می کاشت و چنین نبود که تنها به کاشت درخت تشویق کند:

کانَ أَمِیرُالْمُؤمِنِینَ علیه السلام یَضْرِبُ بِالْمَرِّ وَ یَسْتَخْرِجُ الْأَرَضِینَ، وَ کانَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله یَمَصُّ النّوی بِفِیهِ وَ یَغْرِسُهُ، فَیَطْلُعُ مِنْ ساعَتِهِ... .(۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام پیوسته در زمین بیل می زد و زمین را آماده کشت می کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله، هسته خرما را با آب دهانش مرطوب می کرد و می کاشت و در همان لحظه سبز می شد.

ب) پیروی از شیوه های علمی در درخت کاری

ب) پیروی از شیوه های علمی در درخت کاری

در برخی روایات، به شیوه های علمی و صحیح کاشت درختان اشاره شده است. معصومان علیهم السلام این سخنان را در شرایط زمانی و مکانی (اقلیمی) خاصی مطرح کرده اند، ازاین رو، نمی تواند قانون عام تلقّی شود، ولی

۱- کنزالعمّال، ج ۳، ص ۸۹۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۶۰، ح ۱۵۸۹۴.

۲- کافی، ج ۵، ص ۷۴، ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲، ح ۲.

نشان دهنده این واقعیت است که درخت کاری باید به شیوه ای صحیح و مؤثر صورت گیرد تا درختان، کم بنیه و ضعیف، یا میوه هایشان، ریز و کرمو و شاخه هایشان، کم پشت نشود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی فرمود:

برادرم، عیسی از شهری می گذشت که میوه های آن دیار کرم خورده بودند. مردم از این مسئله نزد حضرت شکوه کردند. فرمود: چاره این مشکل نزد شماست، حال آنکه خود خبر ندارید. شما مردمی هستید که هنگام کاشت نهال، فقط خاک پای درخت می ریزید و نباید چنین کنید، بلکه سزاوار است ابتدا پای ریشه درخت آب بریزید. آن گاه خاک بپاشید تا میوه های تان کرمو نشود. پس آنان چنین کردند و مشکل برطرف شد.(۱)

ج) ارزش اقتصادی درخت کاری و باغ داری

ج) ارزش اقتصادی درخت کاری و باغ داری

حضرت در پاسخ به این پرسش اصحاب که «بهترین ثروت» کدام است، چنین فرمود: «بهترین ثروت، کشاورزی است؛ اگر به طور صحیح انجام شود و هنگام برداشت محصول، زکات آن داده شود.» پرسیدند: پس از گوسفند (دام داری)، کدام ثروت بهتر است؟ فرمود: «درختان استوار و بلند خرما که در گِل و لای می رویند و درختانی که در بیابان های خشک و تفتیده میوه می دهند (مانند زیتون). نخل، خوب درختی است. هرگاه کسی آن را بفروشد، پولش به سان مشتی خاکستر در روزی توفانی است، مگر آنکه نخلی دیگر بکارد.»(۲) بدین سان حضرت، کشاورزی و درخت کاری را بهترین ثروت از نظر اقتصادی و درخت نخل و زیتون را بهترین دارایی معرفی فرمود.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۹۲، ح ۱.

۲- کافی، ج ۵، صص ۲۶۰ و ۲۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۹۲.

د) بریدن درختان و نابودی جنگل ها

د) بریدن درختان و نابودی جنگل ها

چنان که پیش تر یادآور شدیم، هر نعمتی را شکری لازم است و کفران نعمت های الهی، حرام است و نعمت را به نقمت بدل می سازد. ازاین رو، بریدن درختان، نابود کردن جنگل های انبوه و باستانی و چشم انداز سبز زمین و از کار انداختن ریه های تنفسی خاک و آدمیان، گناهی است بس بزرگ و نابخشودنی که روایات صریح و قواعد متعدد فقهی از آن نهی کرده اند.

مسئله ممنوع بودن بریدن درختان و نابودی جنگل ها، در سیره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به صورت جدی مطرح است. حضرت در سخنی فرمود: «درختان مدینه نباید بریده شوند، جز به ضرورت».(۱)

با آنکه در صدر اسلام، درخت سدر در منطقه حجاز فراوان بود، باز هم حضرت برای مراقبت از آن فرمود: «هر کس درخت سدری را ببرد، خداوند او را با سر در آتش دوزخ خواهد انداخت».(۲)

در جنگ ها، بیشتر سربازان به رعایت موازین انسانی و زیست محیطی چندان توجهی نمی کنند. ازاین رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه گروهی نظامی را به سوی منطقه ای گسیل می داشت، بدیشان چنین سفارش می فرمود:

از کشتن زنان، [نوزادان شیرخوار] و پیرمردان بپرهیزید و درختان، به ویژه درخت نخل را هرگز نبرید.(۳)

درختان نخل را نسوزانید و در آب غرق نکنید. درختان میوه را نبرید و

۱- سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۲۱۲، ح ۳۰۳۵.

۲- سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۳۶۱.

۳- بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۶۰.

کشتزارها را به آتش مکشید.(۱)

حال، این سخنان را با عملکرد ارتش امریکا که داعیه دموکراسی و رعایت حقوق بشر و حقوق حیوانات و محیط زیست دارد، مقایسه کنید. این هم یک نمونه آشکار:

«...[در] جنگ ویتنام... . امریکاییان ۱۹ میلیون گالن داروی شیمیایی نارنجی بر مناطق وسیعی از جنگل های باران زا پاشیدند تا دشمن را [با از بین بردن درختان انبوه جنگلی]مشخص سازند. داروی دی اکسین یا اکسید نارنجی آلوده به دی اُکسین، یکی از سرطان زاترین عوامل شناخته شده می باشد... در سال ۱۹۸۶ م.،... کوهستان های عظیم مانند گوژ دایناسورها به نظر می رسیدند که دوازده سال پس از پایان جنگ هنوز آثار سیاهی و سوختگی بر آنها ظاهر بود».(۲)

۶. ارجمندی گل ها در نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

۶. ارجمندی گل ها در نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله به گل ها و گیاهان معطر بسیار عشق می ورزید. آن حضرت از گل ها و گیاهان مفید به عنوان غذا و دارو استفاده می کرد و به دیگران نیز سفارش می فرمود. به همین دلیل، کتاب هایی با عنوان «طبّ النبی» در دست رس است که دربردارنده راه کارهای درمان آن حضرت در زمان بیماری و روش های استفاده از داروهای گیاهی در بهبود بیماری هاست. حضرت به عطرزدن در نماز و غیرنماز توصیه می کرد و خود نیز همیشه عطر می زد، چنان که اگر از کوچه ای می گذشت، آنان که عبورش را ندیده بودند، از بوی عطر حضرت، متوجه عبور وی می شدند. در اینجا بخش هایی از سخنان

۱- بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۷۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳.

۲- هلن کالدیکوت، اگر این سیاره را دوست دارید، ص ۵۸.

حضرت را در زمینه ارزش گل و گیاه مرور می کنیم:

إِنَّ الرِّیحَ الطَّیِّبَهَ تَشُدُّ الْقَلبَ.(۱)

بوی خوش [گل ها و گیاهان]، دل را نیرومند می سازد.

مَنْ اَرادَ أَنْ یَشُمَّ رائِحَتِی فَلْیَشُمَّ الْوَرْدَ الْأَحمَرَ.(۲)

هرکه بخواهد بوی مرا استشمام کند، پس گل سرخ را بو کند.

عَلَیْکُمْ بِالْمَرْزَنْجُوشِ فَشَمُّوهُ فَإِنَّهُ جَیِّدٌ لِلْخُشامِ.(۳)

بر شما باد بهره بردن از گیاه مرزنگوش؛ آن را استشمام کنید که برای کَرْبویی(۴) مفید است.

مَنْ سَقیْ طَلْحَهً... فَکَأَنَّما سَقی مُؤْمِناً مِنْ ظَمَإٍ.(۵)

کسی که گیاه دارای گل و شکوفه... را آب دهد، مانند آن است که مؤمن تشنه ای را سیراب کرده است.

آن حضرت، برترین رستنی ها را گل سرخ و بنفشه می دانست و می فرمود: «عطر حورالعین، بوی آسه(۶) است و فرشتگان بوی گل سرخ می دهند.»(۷) می فرمود: «هرگاه به یکی از شما گلی دادند، آن را ببوید و بر دیده نهد، که آن از بهشت است و هرگاه به شما گلی [هدیه] دادند، رد نکنید».(۸)

حضرت امام علی علیه السلام می فرماید:

۱- فروع کافی، ج ۶، ص ۵۱۰.

۲- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۴۷؛ کشف الخفاء، ج ۱، ص ۲۵۹. شاید علت نام گذاری گل سرخ به «گل محمدی» همین سخن حضرت باشد.

۳- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۴۷؛ نیز ج ۵۹، ص ۲۹۹؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۱۰۷.

۴- پزشکی آنوسمی، نابویایی، فقدان حسّ بویایی.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵.

۶- نوعی گل خوش بو، مورد.

۷- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۳۴.

۸- اصول کافی، ج ۶، ص ۵۲۴.

رسول گرامی اسلام با دو دستش به من گل سرخی هدیه داد. چون آن را به بینی ام نزدیک کردم که بو کنم، فرمود: بدان که گل سرخ پس از «آسه»، سرور گل های بهشتی است.(۱)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۶۱، چ اسلامیه.

فصل پنجم: حیوانات

اشاره

فصل پنجم: حیوانات

زیر فصل ها

۱. تنوع زیستی و خطر انقراض

۱. تنوع زیستی و خطر انقراض

در دایره تنوع زیستی در جهـان، حیوانـات بخش عظیمی از آن را به خود اختصـاص داده انـد. در کشور مـا تاکنون ۱۶۴ گونه خزنده شناسایی شده که تعداد ۲۶ گونه آن، بومی یا انحصاری کشور ماست و از این تعداد، شش گونه آن در سطح جهان در معرض انقراض معرفی شـده انـد. تعداد گونه های پسـتاندار وحشـی در ایران ۱۶۰ گونه است که این تعـداد، معـادل کل گونه هـای پسـتاندار قاره اروپاست. از نظر دیگر رده های جانوری، پرنـدگان با ۵۰۲ گونه، ماهیـان آب های شـیرین با ۲۶۹ گونه و بالاخره دوزیستان با ۱۱ گونه که تقریباً نیمی از آنها بومی کشور ما تشخیص داده شده اند، غنای زیستی کشور ما را نمایان می کنند.(۱)

متأسفانه جامعه انسانی، هرساله سه هزار گونه گیاهی و جانوری را از دست می دهد و نیمی از موجودات زنده تا پایان این قرن نابود خواهنـد شد. افزون بر این، ۵۴۵۳ گونه جـانوری در معرض خطر قرار دارنـد. از این میان، ۱۸۱ گونه از پستانداران، ۱۸۲ گونه از پرندگان، ۵۵ گونه از خزندگان، ۳۰ گونه از دوزیستان، ۲۵۷ گونه از ماهیان، ۴۶ گونه از حشرات و ۲۲۲ گونه از نرم تنان

۱- هفته نامه برنامه، شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۳، ش ۶۵، ص ۶.

شرایط بسیار بحرانی دارند و به شدت در معرض انقراض هستند.(۱)

۲. حمایت از تنوع زیستی

۲. حمایت از تنوع زیستی

از میان رقم تخمینی ۵۰۰ میلیون گونه گیاهی و جانوری که از آغاز پیدایش زندگی روی کره زمین زیست کرده اند، تنها حدود دو میلیون گونه امروز باقی مانده اند. این بدان معناست که ۵/۹۹ درصد از کل گونه ها منقرض شده اند.(۲)

با توجه به بحران های یادشده، به منظور حفاظت از گونه های حیوانی مورد تهدید، نخستین «قانون حمایت از حیوانات» در سال ۱۸۲۲ م. در پارلمان انگلستان تصویب شد. این قانون در سال ۱۹۱۱ م. تکمیل گردید. بر اساس این قانون، موارد زیر در برخورد با حیوانات ممنوع است:

ـ حمل و نقل و راندن، به طوری که مایه رنج و ناراحتی حیوان شود؛

ـ ایجاد جنگ و درگیری میان حیوانات؛

ـ کشتن حیوانات با مواد سمی؛

ـ استفاده از سگ برای بارکشی؛

ـ شکار در محیط بسته؛

ـ بریدن دُم اسب، مگر با اجازه دام پزشک؛

ـ شکار گوزن در شب؛

ـ حیوان را بی جهت نمی توان طرد کرد و طرد کننده مجرم شناخته می شود؛

ـ باید بیماری حیوانات ریشه کن شود؛

۱- بهاره صفوی، «تنها یک زمین برای همه»، جام جم، دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۸۳.

۲- زیستن در محیط زیست، ص ۳۳۸.

ـ در کشتارگاه ها باید حیوان را بی هوش و سپس ذبح کنند.

به پیروی از انگلستان، در کشورهای دیگر اروپایی نیز گروه های طرفدار تنوع زیستی، فعالیت های خود را آغاز کردند و با تصویب قوانین و برگزاری همایش ها و سخنرانی ها و کار رسانه ای، نسبت به از دست رفتن ذخایر تنوع زیستی حیوانی هشدار دادند.

اگرچه انجمن های حامی حقوق حیوانات با انگیزه رعایت مسائل اخلاقی و انسانی و حفظ تنوع زیستی و عواملی از این دست به فعالیت در این زمینه اشتغال دارند، ولی اسلام ۱۲۰۰ سال پیش تر از اروپایی ها جایگاه ارجمند طبیعت و محیط زیست و عناصر آن از قبیل آب و خاک و گیاه و حیوان را مورد توجه و حمایت جدی قرار داده بود.

گوستاولوبون در این زمینه می نویسد:

در بلاد اسلامی، جمعیت حمایت از حیوانات لازم نیست و این قطعه از دنیا را می توان بهشت حیوانات دانست. مسلمین حقوق سگ، گربه و طیور را رعایت می کنند. مخصوصاً در مساجد و معابر، طیور با کمال آزادی پرواز می کنند و در مناره ها لانه دارند. مسلمین در این باره به گونه ای هستند که ما اروپاییان باید خیلی چیزها را از آنان بیاموزیم.(۱)

۳. مقایسه قانون حمایت از حیوانات در غرب و اسلام

۳. مقایسه قانون حمایت از حیوانات در غرب و اسلام

اگر «قانون حمایت از حیوانات» را که کشورهای غربی تصویب کرده اند و پشتوانه قانونی و اجرایی ندارد، با قوانین حمایتی اسلام مقایسه کنیم، سخن

۱- گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۴۴۶.

گوستاولوبون را بهتر درک می کنیم؛ چه آنکه قانون حمایتی اسلام از حیوانات:

الف) عمومیت دارد و هرگونه حیوانی اعم از اهلی، وحشی، آبزی و غیرآن را شامل می شود.

ب) پشتوانه حقوقی و ضمانت های اخلاقی دارد؛ چه آنکه سوءاستفاده یا حمایت نکردن از حیوانات، گناه و مستوجب عقوبت در پیش گاه خداوند است.

ج) در مکتب اسلام، هر مسلمانی وظیفه دارد به قدر توان خود نه تنها از حقوق حیوانات دفاع کند، بلکه باید در ترقی و تداوم حیات گونه های زیستی مشارکت ورزد.

د) در مکتب تربیتی اسلام، انسان مسلمان به گونه ای تربیت می شود که نه تنها به آزار حیوانات نمی پردازد، بلکه حتی در برابر آزار یا خستگی و زحمت هایی که از جانب حیوانات بر او تحمیل می شود، صبر می کند. بر این اساس، از صید بی رویه و بدون مجوزهای شرعی و قانونی دوری می گزینند. همچنین نه تنها حیوانات اهلی، بلکه درندگان و حیوانات وحشی را نیز ـ جز در موارد استثنایی و خوف خطر ـ تهدید نمی کند.

۴. جایگاه ارزشمند حیوانات در قرآن

اشاره

۴. جایگاه ارزشمند حیوانات در قرآن

در یک تقسیم بندی کلی، تمام حیواناتی را که در قرآن کریم از آنها ذکری به میان آمده است، به گروه های زیر می توان تقسیم کرد:

الف) حیوانات اهلی، مثل گاو، گوسفند، بز؛

ب) حیوانات وحشی، مثل گرگ، شیر، فیل، آهو؛

ج) پرندگان، مثل کلاغ، هدهد، بلدرچین؛

د) حشرات، مثل زنبور عسل، مورچه، ملخ؛

ح) آبزیان، مثل انواع ماهیان کوچک و غول پیکر.

از این حیوانات در ۵۲ سوره و افزون بر ۱۵۴ آیه یاد شده است که نشان از ارجمندی حیات حیوانی در قرآن دارد. قرآن آن قدر برای حیوانات ارزش قائل شده که دومین و بلندترین سوره خود (بقره) را به نام یکی از سودمندترین حیوانات نام گذاری کرده است. نام گذاری برخی دیگر از سوره ها به نام حیوانات و حشره هایی چون «انعام = چهارپایان»، «نحل = زنبورعسل»، «نَمل = مورچه»، «عادیات = اسبان تازنده در جنگ»، «عنکبوت» و «فیل»، دلیل دیگری برای ارجمندی این مخلوقات در اندیشه الهی است.(۱)

در اینجا مروری خواهیم داشت بر بعضی از این آیات:

الف) شیوه شناخت اسبان اصیل

الف) شیوه شناخت اسبان اصیل

وَ وَهَبْنا لِداوُدَ سُلَیْمانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوّابٌ إِذْ عُرِضَ عَلَیْهِ بِالْعَشِیِّ الصّافِناتُ الْجِیادُ فَقالَ إِنِّی أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَیْرِ عَنْ ذِکْرِ رَبِّی حَتّی تَوارَتْ بِالْحِجابِ رُدُّوها عَلَیَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَ الْأَعْناقِ. (ص: ۳۰ _ ۳۳)

و سلیمان را به داوود بخشیدیم، چه نیکو بنده ای! به راستی که او بازگشت کننده [به سوی ما] بود. هنگامی که [طرف] غروب، اسب های اصیل تیزتک را بر او عرضه کردند، [سلیمان] گفت: واقعاً من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا [هنگامی که وقت یاد خدا گذشت و خورشید] در پس حجاب

۱- نک: مقاله «نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن کریم»، فصل نامه فرهنگ جهاد، شماره پیاپی ۶،۵و۹.

ظلمت شد.(۱) [گفت:] اسب ها را نزد من بازآورید. پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساق ها و گردن آنها [و سرانجام وقف کردن آنها در راه خدا].

از اصول مسلّم دانش دام پزشکی برای شناخت اسب های اصیل از غیراصیل و توان مند از غیر آن، ارزیابی شکل ظاهری و تاخت دادن آنها به مسیری دور و مراقبت آنان هنگام دو و سپس نبض گیری و نگرش وضعیت عمومی و میزان خستگی آنهاست.

قرآن کریم این روش را سالیانی دراز پیش از این گوشزد و از پیامبر خود حضرت سلیمان علیه السلام حکایت کرده است. وی برای آنکه اسب های اصیل و تندرو خود را برای استفاده در جهاد و خدمت به دین محک بزنند، نخست از آنان سان دید و بدین ترتیب، وضعیت ظاهری و عمومی آنان را از نظر گذراند. سپس دستور داد آنها را تا مسافتی بعید بدوانند تا از دیده ها پنهان شوند. آن گاه درخواست کرد که بازشان گردانند. در نهایت، پس از بازگشت اسبان، میزان طاقت و سلامت آنان را با دست کشیدن بر ساق ها و گردن ها بررسی کرد.

ب) سرّ له له زدن سگ

ب) سرّ له له زدن سگ

... فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ. (اعراف: ۱۷۶)

پس مَثَل او (بلعم باعورا) مَثَل سگ است [که] اگر بر او حمله آوری، زبان از کام برآورد و اگر رهایش کنی، [باز] زبان از کام برآورد.

علم روز با کاربرد تجهیزات و آزمایش های مکرّر، بالاخره از سرّ له له زدن سگ پرده برداشته و به این نتیجه رسیده است که سگ، غدد عرق کننده ندارد؛

۱- یا تا آنکه اسب ها از دیده پنهان شدند.

جز معدودی در کف پاهایش. همین وضعیت موجب می شود که نتواند حرارت بدنش را از طریق منافذ پوستی دفع کند و به ناچار، این حرارت را با گشودن دهان و بیرون کردن زبان و تنفّس و زوزه و پارس دفع می کند؛ چه در زمان استراحت و چه هنگام خستگی و تعب.

افزون بر آن، این مَثَل، صورت بسیار زشتی از منظر سگ را می نماید: سگی که دهن گشوده و زبان بیرون آورده و آب دهانش از کناره های زبان در حال ریزش است. بی گمان، این مَثَل تصویر زشت و کریهی است از شخصی که با چنین هیئتی است.

ج) دعوت به تفکر در آفرینش شتر

ج) دعوت به تفکر در آفرینش شتر

أَ فَلا يَنْظُرُونَ إِلَى اْلإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ. (غاشیه: ۱۷)

آیا [مردم] در خلقت شتر نمی نگرند که چگونه خلق شده است؟

این آیه شریف، مردم را به شناخت شتر دعوت کرده است. اگر با عنایت به شتر بنگریم، او را از دیگر حیوانات متمایز خواهیم یافت. شتر در صحرا زندگی می کند. شدت گرما و لهیب خورشید را تحمل می کند. روزهای طولانی را با مختصری آب و غذا سپری می کند. بارهای سنگین را بر دوش می کشد. خدای متعال گردنی دراز به او عطا فرموده است تا از برگ درختان بهره گیرد. شتر این توان را دارد که هنگام وزش بادهای تند و غبارآلود، سوراخ های بینی اش را ببندد. خداوند گوش و بینی شتر را از مو پوشانده است تا این کشتیِ صحرا در کویرها مقابل توفان های شن، مقاومت کند و چشمانش را به گونه ای سامان داده است تا آسیب نبیند. بر پشتش، یک کوهان و در برخی از انواع شتران، دو کوهان قرار داده است که به منزله مخزن سوخت عمل می کند.

امروزه بشر دریافته است که شتر بیش از نیازش آب می نوشد تا در صحرا و هنگام نیاز و نبود آب، از آن استفاده کند. شتر قادر است ــ بر حسب درجه حرارت ــ از دو هفته تا دو ماه آب ننوشد و تشنگی را تحمل کند. از نظر علمی ثابت شده است که هرچه بر درجه حرارت هوا افزوده شود، درجه سردی جسم شتر نیز فزونی می یابد و بول و عرق هم نمی کند تا آب بدنش کاسته نشود.

شتر، اولین حیوانی است که اجداد ما با آن سفر می کردند؛ از شیر و گوشت او می خوردند و از پشم و پوستش لباس تهیه می کردند و از آن برکت و فزونی می یافتند. شترها با آنکه درشت اندام و نیرومندند، ولی بسیار مطیع و رام و تربیت پذیرند.

یکی از فرماندهان عرب (خالدبن ولید)، به منظور سیر و سیراب کردن لشکریان خویش از شترها استفاده می کرد؛ بدین صورت که شترها را ابتدا به آبشخور می رسانید و پس از سیراب کردنشان، مسافت های طولانی را در صحرا می پیمود. هر زمان نیز که به آب یا غذا نیاز داشت، با نحر کردن آنها و دست رسی به آب ذخیره شده در شکمشان از گوشت آنها نیز استفاده می کرد.(۱)

د) موریانه، حشره ای قدرتمند

د) موریانه، حشره ای قدرتمند

فَلَمّا قَضَیْنا عَلَیْهِ الْمَوْتَ ما دَلَّهُمْ عَلی مَوْتِهِ إِلّا دَابَّهُ الْأَرْضِ تَأْکُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمّا خَرَّ تَبَیَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ کانُوا یَعْلَمُونَ الْغَیْبَ ما لَبِثُوا فِی الْعَذابِ الْمُهینِ. (سبأ:۱۴)

۱- نک: فصل نامه فرهنگ جهاد، شماره پیاپی ۹، صص ۱۳۶ و ۱۳۷؛ شماره پیاپی ۱۹، صص۱۲۷و۱۲۸.

پس چون مرگ را بر او (سلیمان) مقدر داشتیم، جز جنبنده ای خاکی (موریانه) که عصای او را [به تدریج] می خورد، [آدمیان را] از مرگ او آگاه نگردانید. پس چون [سلیمان]فرو افتاد، برای جنّیان روشن گردید که اگر از غیب آگاهی داشتند، در آن عذاب خفت آور [باقی]نمی ماندند.

در اینجا قرآن کریم با ایجاز بلیغی قصه «موریانه» را نقل می کند؛ یعنی همان حشره ای که از «چوب» روزی می خورد و برای طایفه جن، مرگ حضرت سلیمان را کشف کرد.

این حشره نازک بدن و سست اندام، همان است که از مرگ سلیمان نبی خبر داد؛ پیامبری که بر جن و انس حکم پادشاهی می راند و سایه اقتدارش تا سالیان دراز بر سرشان مستدام بود. حتی جنیان ـ این موجودات قدرتمند که بر خوارق عادات و کارهای عجیب توانا هستند ـ از او می ترسیدند. سلیمان پس از مرگ نیز همچنان تکیه داده بر عصا ایستاد و کسی از گروه جنیان به مرگش پی نبرد؛ چه آنکه کسی جسارت نزدیک شدن به وی را نداشت تا حقیقت را دریابد.

جن و انسان ـ با همه عظمتش ـ از مرگ سلیمان علیه السلام آگاه نشد، تا آنکه «دابّهُ الْأَرْض» این راز را کشف کرد و اگر جن و انس را یارای دست رسی به غیب بود، حتماً از مرگ سلیمان باخبر می شدند و از سیطره حکم و حکومتش رهایی می یافتند. ازاین رو، پس از مرگ وی نیز مدت ها در عذاب خوارکننده خویش ماندند.

این حشره به ظاهر ساده که همیشه در تاریکی زندگی می کند و از ترس خشک شدن و نابودی در معرض تابش خورشید قرار نمی گیرد، بی هیچ ترس

و واهمه ای از مهابت سلیمان علیه السلام، چوب عصای او را جوید و به کاری دست زد که جن و انس هر دو از انجام دادن آن هراسان بودند؛ یعنی نزدیک شدن به سلیمان و پرده برداشتن از راز مرگ او. این داستان برای ما، داستان پند و موعظه است و به ما تفهیم می کند ارزش و اهمیت مخلوقات را به حجم و بزرگی آنها ندانیم، بلکه به یاد داشته باشیم چه بسا موجودات ضعیف و حقیر کارهای خارق العاده ای بکنند که جنّ و انس از انجام دادن آن ناتوان باشند.(۱)

ه) عنکبوت، استاد نساجی

ه) عنکبوت، استاد نساجی

مَثَلُ الَّذِینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّهِ أَوْلِیاءَ کَمَثَلِ الْعَنْکَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَیْتا وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُیُوتِ لَبَیْتُ الْعَنْکَبُوتِ لَوْ کانُوا یَعْلَمُونَ. (عنکبوت: ۴۱)

داستان کسانی که دوستانی غیر از خدا اختیار کرده اند، همچون عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه ای برای خویش ساخته است و در حقیقت _ اگر می دانستند _ سست ترین خانه ها همان خانه عنکبوت است.

عنکبوت، حیوان معروفی است که در جاهای خشک خانه ها و روی گیاهان، زندگی و از حیوانات کوچک دیگری همچون حشرات تغذیه می کند. عنکبوت ها را با چهار جفت پا و شکمی که در ناحیه جلو به گردنی باریک یا کمری لاغر پیوسته است، می توان شناخت.

خانه عنکبوت از رشته های حریری شکل نازکی که حیوان از شکم خویش ترشح می کند، برپا می شود که اگر به نازکی این رشته ها و قدرت جذب کنندگی آنها بنگریم، از قوی ترین رشته ها خواهد بود. عنکبوت به دو منظور خانه می سازد:

۱- نک: فصل نامه فرهنگ جهاد، شماره پیاپی ۶، ص ۷۸.

۱. به دام انداختن حشرات و حیواناتی مانند خودش؛

۲. پیله ای برای نگه داری از تخم هایش.

تمامی عنکبوت ها نسیجی حریری شکل از خویش ترشح می کنند، ولی این گونه نیست که ضرورتاً در خانه هایی که با این نسیج بنا می کنند، زندگی کنند.

Bristowe، دانشمند انگلیسی (۱۹۳۹ م.) می نویسد:

نسیجی که عنکبوت های ساکن در مساحت یک ایکر از اراضی کشاورزی بریتانیا در یک روز از روزهای آخر تابستان تولید می کنند، به اندازه ای است که تمام کره زمین را احاطه می کند؛ و اگر رشته های بافته شده در طول ۱۰ روز را در نظر بگیریم، کافی است تا با آن کره زمین و ماه را به هم متصل کنیم.

قرآن کریم که خانه عنکبوت را سست و ضعیف شمرده، بدین سبب است که تارها و ماده بنای این خانه را اگر نسبت به مواد دیگر موجود در طبیعت در نظر بگیریم، بسیار نرم و سست است. همچنین شکل ظاهری این بنا که در حقیقت، دایره هایی طولی از رشته های به هم تنیده است که با رشته های عرضی قطع شده، به آشیانه های دیگر موجودات، حتی پرندگان شباهتی ندارد؛ زیرا خانه عنکبوت از همه سو گشاده است و همیشه مورد هجوم بادهای ویرانگر.

بعضی از مفسران اشاره کرده اند که سستی خانه عنکبوت به سبب سستی تارها یا شکل ساخت آن نیست، بلکه بدین معناست که بنای خانواده و الفت خانوادگی در میان عنکبوت ها بسیار سست است؛ زیرا معروف است که در برخی گونه عنکبوت ها، جنس ماده پس از همسرگزینی، در یک تغییر موضع

روانی شدید، به جنس نر حمله می کند و او را از میان می برد. در نتیجه، نظام خانواده نیز ویران می شود و «خانه» به سبب چنین غریزه ای سست و شکننده خواهد بود.(۱)

به هر روی، در این آیه شریف، کار آنان که با غیر خدا طرح دوستی می ریزند، در سستی و ناپایداری به خانه سازی عنکبوت مانند شده است که اگر به این مسئله آگاهی داشتند، دستاویز محکم الهی را رها نمی کردند و به دوستی های خانه عنکبوتیِ غیرخدایی پناه نمی بردند.

۵. جایگاه حیوانات در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

۵. جایگاه حیوانات در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

در سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله، مدارا و مهربانی عجیبی نسبت به حیوانات مشاهده می شود. آن حضرت مرتب درباره حقوق حیوانات اهلی و خانگی سفارش می فرمود و هرگز اجازه نمی داد کسی بدون دلیل، پرنده یا حیوان وحشی را شکار کند یا بیازارد؛ چه آنکه بر اساس جهان بینی اسلامی، همه موجودات هستی، آیات الهی به شمار می روند و حق حیات دارند و از ارج و احترام ویژه ای برخوردارند.

ازاین رو در قیامت، از آدمی درباره همه خیر، حتی موجودات زنده ای که در خانه ها نگه داری می شوند [همانند سگ و گربه] بازخواست می شوند.(۲)

به دلیل فراوانی سخنان و مواردی که بیانگر سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در برخورد با حیوانات است، در اینجا مهم ترین آنها را

۱- نک: فصل نامه فرهنگ جهاد، پیاپی ۶، صص ۶۷ _ ۶۹.

۲- در روایت ابن عمر از رسول خدا نقل است که: «ان الرجل لَیسألُ عن کُلِّ شی ءٍ حتّی عن حَیَّةِ اَهْلِهِ.» ابن منظور، لسان العرب، ذیل واژه «حیا».

می آوریم.

الف) تشویق به دام داری

الف) تشویق به دام داری

«نِعْمَ الْمالُ الشاةُ؛ چه خوب ثروتی است گوسفند (دام داری)».(۱)

«هرکس در خانه اش گوسفندی باشد، فرشتگان، اهل خانه را تقدیس می کنند و فقر را به کلی از آنان برمی دارند».(۲)

«أَلْغَنَمُ عِزٌّ لِأَهْلِها؛ گوسفند، مایه سربلندی دام دار است».(۳)

«بر پیشانی اسب تا روز قیامت خیر گره خورده است و آن کس که بدان در راه خدا آب و غذا دهد، همانند کسی است که به صدقه دادن دست گشوده است...».(۴)

«نه قسمت از ده قسمت روزی، در تجارت است و قسمت باقی مانده در سابیاء (یعنی گوسفند)».(۵)

«ما بَعَثَ اللّه ُنَبِیّاً إِلاّ راعِیَ غَنَمٍ؛ خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، جز آنکه [بخشی از عمرش] چوپان بود».(۶)

ابوداوود روایت کرده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله صد گوسفند داشت و نمی خواست که بیش از آن داشته باشد».(۷)

«بر شما باد دام داری و کشاورزی؛ چه آنکه این دو موجب خیر و برکت شبانه روزی

۱- المحاسن، ص ۶۴۰؛ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۲۹.

۲- المحاسن، ص ۶۴۰؛ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۳۰.

۳- المحاسن، ص ۶۴۵؛ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۳۴.

۴- بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۵۹.

۵- الخصال، ج ۲، صص ۴۴۵ و ۴۴۶؛ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۱۸.

۶- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۱۷.

۷- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۱۶.

(دایمی) است».(۱)

حضرت بـه عمـه اش فرمـود: «چـه چیز مـانع شـد کـه در خـانه ات برکـتی نگه داری؟» عمه اش گفت: ای پیـامبر خـدا! برکت چیست؟ فرمود: «گوسـفند شـیرده؛ همانـا هر که در خـانه اش گوسـفندی شـیرده یـا میش یـا گاو شـیردهی نگه دارد، همه اینها برکتند».(۲)

ب) وظایف مردم در برابر حیوانات

ب) وظایف مردم در برابر حیوانات

«انسـان نسـبت به مرکب سـواری (اسب و الاـغ) خـود شـش وظیفه دارد: هرگـاه از پشت حیوانی فرود آمـد، علفش دهـد. زیرا هرگاه از آبی گـذشت، آب را به وی عرضه کنـد. بر چهره اش نزنـد. زیرا با چهره اش، پروردگارش را حمد می کند و تسبیح می گوید. بر پشتش ننشیند مگر برای انجام فرمان خدا. بیش از توان بر گرده اش بار ننهد. در مسیر طاقت فرسا نراندش».(۳)

«خداونـد تبارک و تعالی مـدارا و مهربانی را دوست دارد و از آن حمایت می کنـد. بنابراین، اگر با چهارپایان لاغر و ضـعیف مسـافرت می کنیـد، در هر خـانه ای، بار آنها را بر زمین نهیـد تا استراحت کننـد. اگر مسـیر خشک و کویری است، از آن زود بگذرید، ولی اگر علفزار است، در آن توقف کنید [تا حیوانات استراحت کنند و تغذیه شوند]».(۴)

«سه ترکه بر چهارپا سوار نشوید؛ زیرا یکی از آنان که نفر جلو باشد،

۱- فروع کافی، ج ۶، ص ۵۴۴.

۲- المحاسن، ص ۶۴۱؛ بحارالانوار، ج۶۱، ص ۱۳۰.

۳- الخصال، ج ۱، ص ۱۶۰؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۱.

۴- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۹؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۳.

ملعون است [چون موجب سواری دیگران شده و سنگینی او روی گردن و دست های حیوان است]».(۱)

«چهار زانو روی چهارپایان ننشینید [که سبب نامتعادل شدن و رنج حیوان است] و پشت آنها را [به هنگام توقف] برای خود مجلس قرار ندهید».(۲)

روزی حضرت، شتری را دید که بسته بود و هنوز جهاز بر پشت حیوان قرار داشت، فرمود: «صاحب این شتر کجاست؟ او مروت و جوان مردی ندارد و باید فردای قیامت خود را برای مخاصمه (محاکمه) آماده کند».(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله از اینکه افراد به صورت چهارپایان ضربه بزنند. یا بر چهره شان داغ بنهند، نهی می فرمود.(۴)

روزی ابوذر را دیدند که در دوران تبعید در ربذه، مرکبش را آب می داد. پرسیدند: آیا غلامی نداری که این حیوان را آب دهد؟ پاسخ داد: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر چهارپایی صبح و شام چنین دعا می کند: خدایا! به من صاحبی شایسته بده که مرا از علف سیر و از آب سیراب کند و بیش از توان بار بر من نگذارد. از این رو، دوست دارم که خودم به حیوان آب دهم».(۵)

پیامبر از اینکه حیوانی به آتش سوزانده شود،... نهی کرده است.(۶)

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۵۴؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۹.

۳- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۴؛ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۰۳.

۴- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷؛ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۱۵.

۵- کافی، ج ۶، ص ۵۲۷؛ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۰۵.

۶- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳؛ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۶۷.

«محل خوابیدن و استراحت حیوانات (طویله و لانه) را پاکیزه و خاک آن را عوض کنید».(۱)

«جایگاه گوسفند خود را تمیز و پاکیزه کنید و خاک و آب بینی آنان را پاک کنید؛ زیرا آنان از حیوانات بهشت هستند؛ [چنان خوب و دقیق جایگاهشان را پاکیزه کنید] که بتوانید در آنجا نماز بخوانید».(۲)

«چهارپایان سالم را سوار شوید و آنها را سالم نگه دارید و کرسی خطابه و صحبت های خود در کوچه ها و بازارها قرار مدهید؛ زیرا بسا مرکوبی که از سواره اش بهتر است و بیشتر از او به یاد خدای تبارک و تعالی است».(۳)

ابن عباس گفته است: «پیامبر از به جان هم انداختن حیوانات نهی فرمود.(۴)... رسول خدا صلی الله علیه و آله از کشتن هر جانداری نهی فرمود، مگر آنکه آزار برساند».(۵)

روزی پیامبر خدا الاغی را دید که بر صورتش داغ نهاده بودند. فرمود: «مگر نشنیده اید که من نفرین کرده ام آن کسی را که صورت حیوان را داغ کند یا بر چهره اش تازیانه بزند؟»(۶)

حضرت از کشتن زنبور عسل نهی کرد(۷) و فرمود: «مورچه را نکشید.»(۸) همچنین از خوردن خرده غذایی که مورچه ها به دهان و دست و پایشان حمل

۱- فروع کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۲.

۲- المحاسن، ص ۶۴۲؛ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۵۰.

۳- کنزالعمال، ح ۲۴۹۵۷.

۴- التاج الجامع الاصول، ج ۴، ص ۳۵۱.

۵- کنزالعمال، ح ۳۹۹۸۱.

۶- التاج الجامع الاصول، ج ۴، ص ۳۵۱.

۷- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷؛ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۱۵.

۸- بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۴۷.

می کنند، نهی فرمود.(۱)

حضرت رسول می فرمود: «به واسطه احترام روح (زنده بودن)، بر صاحب چهارپا واجب است به آب و علف چهارپایش توجه کند».(۲)

آن حضرت از فحّاشی به خروس نهی کرد و فرمود: «خروس، مردم را برای نماز [صبح] بیدار می کند.(۳)

می فرمود: «خداوند بر شما احسان را بر هر چیزی واجب کرد. پس هنگامی که می کشید [در شکار]، نیکو بکشید و هنگامی که سر می برید، نیکو سر ببرید و باید کسی که ذبح می کند (ذابح) چاقویش را تیز کند و ذبیحه را راحت کند و عذاب ندهد.» در سخن دیگری نیز فرمود: «چاقو را از چشم حیوانی که می خواهید سرش را ببرید، پنهان کنید».(۴)

حضرت از مثله و حبس کردنی که به مرگ حیوانی بینجامد، نهی کرد.(۵)

حضرت از پوست کندن یا قطع سر ذبیحه تا زمانی که نمرده است، نهی کرد.(۶)

ایشان، سر بریدن حیوان حامله و شیرده را بدون علت (ضرورت) ناپسند می داشت.(۷)

آن حضرت می فرمود: «اگر ستم هایی که به حیوانات می کنید، بر شما بخشوده شود،

۱- بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۶۱.

۲- بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۱۷.

۳- بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۳.

۴- بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۳۱۶.

۵- بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۳۲۸.

۶- بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۳۲۸.

۷- بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۳۲۹.

بسیاری از گناهانتان بخشوده شده است».(۱)

می فرمود: «هیچ انسان و حیوانی را مثله نکنید(۲)... نفرین خدا بر کسی که حیوانی را مُثله کند».(۳)

پیامبر خدا روزی بر گروهی گذشت که مرغ زنده ای را جایی بسته بودند و [برای تفریح یا مسابقه] به سویش تیر (سنگ) پرتاب می کردند. فرمود: «اینان کیستند؟ خدا لعنتشان کند».(۴)

بنابراین، ستم کردن بر حیوان و نیز شکنجه دادن آنها ممنوع است.

ج) به ناحق کشتن حیوانات

ج) به ناحق کشتن حیوانات

حضرت می فرمود: «هر حیوانی ــ پرنده یا غیرپرنده ــ که به ناحق (بیهوده) کشته شود، در روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد کرد».(۵)

می فرمود: «هر کس گنجشکی را بدون رعایت حقّ آن بکشد، خدای تعالی در روز قیامت از او بازخواست کند.» عرض شد: حقّ گنجشک چیست؟ فرمود: «[پس از شکار] او را ذبح کند، نه آنکه گردنش را با دست قطع کند».(۶)

می فرمود: «هر کس گنجشکی را بیهوده بکشد، آن گنجشک روز قیامت در اطراف عرش الهی ناله سرمی دهد و می گوید: پروردگارا! از قاتلم بپرس برای چه بدون آنکه منفعتی به حال وی داشته باشم، مرا کشت؟»(۷)

۱- کنزالعمّال، ح ۲۴۹۷۳؛ میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۳۴۴.

۲- کنزالعمّال، ح ۱۱۴۲۵؛ میزان الحکمه، ص ۱۰۷۰، ح ۳۴۹۹.

۳- کنزالعمّال، ح ۲۴۹۷۱؛ میزان الحکمه، ص ۱۳۴۴.

۴- بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۶۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۰۳.

۵- کنزالعمّال، ح ۳۹۹۶۸.

۶- کنزالعمّال، ح ۳۹۹۸۶.

۷- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۰۳؛ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۳۷۰.

د) آمرزش به واسطه نجات سگ

د) آمرزش به واسطه نجات سگ

رسول اللّه صلی الله علیه و آله فرمود: «مردی از مسیری بیابانی عبور می کرد. تشنه اش شد. پس وارد چاهی گردید و از آن آب نوشید. هنگامی که از چاه بیرون آمد، سگ تشنه ای دید که از شدت تشنگی زبانش را به خاک نمناک می مالید. مرد با خود گفت: این زبان بسته نیز مثل من تشنه است. پس دوباره وارد چاه شد. کفش خود را از آب پر کرد و آن را به دندان گرفت. از چاه خارج شد و آن را جلو سگ گذاشت و حیوان را سیراب کرد و بدین وسیله مورد آمرزش الهی قرار گرفت. یاران حضرت که این جریان را از وی شنیدند، گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ! مگر به واسطه خدمت و دل سوزی به حیوانات نیز پاداش داریم؟ فرمود: برای سیراب کردن هر جگرتشنه ای، پاداش است».(۱)

حضرت فرمود: «زنی بدکاره سگی را دید که بر سر چاهی له له می زد و کم مانده بود که از تشنگی تلف شود. زن کفش خود را درآورد و آن را به روسری اش بست و از چاه آب کشید و به حیوان داد. پس خداوند به سبب این کار از گناهانش گذشت».(۲)

ذ) دوزخ، سزای زجرکش کردن گربه

ذ) دوزخ، سزای زجرکش کردن گربه

حضرت فرمود: «زنی به سبب آنکه گربه ای را بسته بود و اجازه نمی داد برای غذای خود شکار کند و بدین سبب مرد، مستوجب آتش دوزخ شد».(۳)

۱- المبسوط، ج ۶، ص ۴۷؛ کنزالعمّال، ج ۶، ص ۴۲۰.

۲- کنزالعمّال، ح ۴۳۱۱۶.

۳- کنزالعمّال، ح ۴۳۶۹۵.

ر) قرنطینه حیوانات بیمار

ر) قرنطینه حیوانات بیمار

حضرت در سخنی فرمود: «هیچ کس نباید حیوان بیمار خود را در میان حیوانات سالم شخص دیگر وارد کند».(۱)

این سخن را با عملکرد برخی کشورهای متمدن غربی مقایسه کنید که برای مبتلا کردن دام های کشورهای دیگر، به هزار حیله و نیرنگ متوسل می شوند تا مثلاً جنون گاوی یا تب برفکی شایع میان دام های کشورشان را به دام های کشورهای وارد کننده گوشت و دام از آنها انتقال دهند.

ز) تشویق به پرورش مرغ و خروس در خانه

ز) تشویق به پرورش مرغ و خروس در خانه

حضرت فرمود: «نگه داری و پرورش مرغ و خروس را در خانه هایتان بیشتر رونق ببخشید».(۲)

ه_) کبوتر، انیس تنهایی

ه_) کبوتر، انیس تنهایی

امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از تنهایی و بی کسی شکایت کرد. حضرت به او فرمان داد تا یک جفت کبوتر در خانه اش نگه داری کند».(۳)

ی) زنبورداری، شغلی در نهایت سودمندی

ی) زنبورداری، شغلی در نهایت سودمندی

حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ مَثَلَ الْمؤْمِنِ کَمَثَلِ النَّحْلَهِ إِنْ صاحَبْتَهُ نَفَعَکَ، وَ إِنْ شاوَرْتَهُ نَفَعَکَ، وَ إِنْ جالَسْتَهُ نَفَعَکَ، وَ کُلُّ شَأْنِهِ مَنافِعُ، وَ کَذلِکَ النَّحْلَهُ کُلُّ شَأْنِها مِنافِعُ.(۴)

۱- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۹۰، ح ۲۰۷۳۱.

۲- بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۲.

۳- فروع کافی، ج ۶، ص ۵۴۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۰؛ بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۱۸.

۴- بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۳۸.

داستان مؤمن همچون داستان زنبور عسل است. اگر با او همراه شوی، به تو سود رساند و اگر با وی مشورت کنی، به تو سود رساند. اگر با وی هم نشین گردی، به تو سود رساند و چنین است زنبور عسل. تمام امورش سود و منفعت است.

۶. حقوق حیوان در فقه شیعه

۶. حقوق حیوان در فقه شیعه

با توجه به آیات و روایاتی که نمونه هایی از آن گذشت، فقیهان عظام در کتاب های فقهی استدلالی خود اموری را درباره حقوق حیوان یادآوری کرده اند که بیان برخی از آنها برای تکمیل بحث، خالی از فایده نیست. مرحوم فلسفی در این زمینه چنین نوشته است:

مسئولیت های مردم در قیامت بر اساس تکالیف دینی و مبتنی بر قوانین و سنتی است که شارع مقدس مقرر نموده است. از جمله آن تکالیف، وظایف مردم در مورد حیوانات و اراضی و بقاع است. آقایان فقها با استفاده از منابع اسلامی، وظایف مردم را در این باره به صورت فتاوا در کتب فقهی آورده اند. فقیه عالی مقام، مرحوم صاحب جواهر می گوید: اما نفقه حیواناتی که مملوکند و از جمله آنها کرم ابریشم و زنبور عسل و غیر این دو، به اتفاق تمام فقها واجب است؛ خواه آن حیوان، حلال گوشت باشد یا نباشد و خواه مالکش از آن نفعی ببرد یا نه. اما برای نفقه حیوانات اندازه ای معین نشده است. آنچه به وجوب شرعی باید رعایت گردد، این است که نیازهای حیوان از غذا، آب، جایگاه و پوشاک و نظایر اینها که با اختلاف زمان و مکان تفاوت می کند، تأمین گردد.

اگر مالک حیوان از وظیفه انفاق سرباز زند، حتی حیوان را آزاد نگذارد تا خودش از پی غذا به چراگاه برود، حکومت اسلامی، او را به کاری که باید

انجام دهـد، ملزم و مجبور می سازد و اگر الزامش متعـذّر باشد، حاکم خود به نیابت از مالک، هرطور که مقتضـی بداند، اقدام می نمایـد و از اموال مالک غذای حیوان را خریداری می کند و اگر مال منقول نداشـته باشد، می تواند از اموال غیرمنقول وی این کار را انجام دهد... و اگر علفی که غذای حیوان است در محل به طور عادی یافت نشود و در دست شخص خاصی باشد، واجب است از وی خریـداری شود و اگر مالکش از فروش امتناع نمایـد، در صورتی که علف را کسـی جز او نداشـته باشد، به فرموده صـاحب «مسالـک»، برای حفـظ حیوان می توان آن را به غصب گرفت؛ همـان طور که برای حفـظ جان انسان در موقع ضروری می توان عمل غصب غذا را انجام داد. اما باید مثل آن متاع یا قیمت آن به مالک پرداخت گردد.

رعـایت حقوق حیوانات، طبق موازین شـرعی از وظایف مالکین آنهاست و بر اساس تکالیفی که شارع بر آنان مقرر داشـته، در قیامت مورد پرسش و مؤاخذه قرار می گیرند و به تناسب عملی که انجام داده اند، پاداش یا کیفر می بینند. ممکن است بعضی از افراد بر اثر تخلف از وظایف دینی و بی اعتنایی به انصاف و عواطف انسانی، آن قـدر درباره حیوانی بـدرفتاری و سـتم کنند که خداونـد مهربـان را به خشم آورنـد و خود را جهنمی سازنـد و برعکس، ممکن است گنـاه کاری به انگیزه عطوفت انسانی نسـبت به حیوانی ترحم کند و بدین وسیله خویشتن را مشمول عفو الهی نماید و بهشتی گردد. این هر دو قسمت شاهد و نمونه دارد:

رسول اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: در شب اسـراء بر دوزخ اشـراف یافتم. زنی را دیـدم که معذّب است. از گناهش سؤال کردم. پاسخ داده شد که این زن، گربه ای را

محکم بست، نه به حیوان غـذا و آب داد و نه آزادش کرد تا خودش از پی غـذا برود. آن قدر با این وضع دردناک و رنج آور مانـد تـا مُرد. خداونـد این زن را برای آن گنـاه معـذب نموده است و فرمود: از بهشت آگاهی یافتم. زن آلوده دامنی را در آن دیدم. از وضـعش سؤال نمودم. پاسخ داده شد که این زن به سـگی گذر کرد که از عطش، زبانش از دهان بیرون شده [بود] و به شدت نفس می کشـید. او پارچه پوشـش خود را برگرفت و در چاه آویخت و چون قسمتی از آن خیس شد، بیرون کشید و در گلوی سـگ فشـار داد و آن قـدر این کـار را تکرار کرد تـا سگ سـیراب شـد و خداونـد گناهان زن را به واسـطه این کار بخشید.(۱)

۱- محمدتقی فلسفی، گفتار فلسفی: معاد از نظر روح و جسم، ج ۲، صص ۲۱۱ ـ ۲۱۳.

کتاب نامه

اشاره

کتاب نامه

زیر فصل ها

کتاب

نشریه

کتاب

کتاب

۱. ابن بـابویه قمی (شـیخ صـدوق)، ابـوجعفر محمـد بن علی بن حسـین، الخصـال، تحقیق: علی اکـبر غفـاری، بیروت، مؤسسـه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه_ . ق/ ۱۹۹۰م.

۲. _______________، مـن لایحضـره الفقیـه، تصـحیح و تعلیـق: علی اکـبر غفـاری، قم، منشـورات جماعه المدرسین، چاپ دوم، بی تا.

۳. ابوالحّب، جلیـل، نگـاهی به دنیـای حیوانـات در قرآن کریم، ترجمه: تقی متقی، قم، مرکز انتشـارات دفتر تبلیغـات اسـلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۴. صنعانی، المصنف، تحقیق: حبیب الرحمان الاعظمی، بیروت، المکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه_ . ق.

۵. فهیم الهادی، عبـدالمنعم و دنیا محسن برکت، عالم النبات فی القرآن الکریم، قاهره، دارالفکر العربی، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه_ . ق / ۱۹۹۸م.

۶. انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب، قم، منشورات مکتبه العلامه، چاپ سوم، ۱۳۶۸.

۷. انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۲.

۸. أ.ی. وِنْسِنْک وی.پ. مَنْسِنج، معجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، لیدن، ۱۹۶۷م.

۹. بجنوردی، محمدحسن، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه_ . ق.

۱۰. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

۱۱. برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، به اهتمام: جمال الدین حسینی محدّث، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه . ق.

۱۲. بیهقی، احمد بن حسین بن علی، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۱۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، جاویدان، ۱۳۷۷.

۱۴. جصّاص رازی، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ . ق.

۱۵. جمعی از محققان حوزوی و دانشگاهی، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۶. جی.تی. میلر، زیستن در محیط زیست، ترجمه: مجید مخدوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۲.

۱۷. چارلز جِی. آرنتزن (سرویراستار نسخه انگلیسی)، دایره المعارف جامع علوم کشاورزی، (جلد

اول) سیداحمد علوی (سرویراستار ترجمه فارسی)، دفتر دایره المعارف جامع علوم کشاورزی وزارت کشاورزی، با همکاری مؤسسه انتشاراتی محبوب، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.

۲۰. حسینی، سیدعلی، طبیعت و کشاورزی از دیدگاه اسلام، تهران، مؤسسه شقایق روستا، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲۱. طبیعت و محیط زیست از دیدگاه اسلام، (به مناسبت برگزاری سمینار بین المللی محیط زیست و فرهنگ)، قم، آیه حیات، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲۲. گیاهان و زندگی در اندیشه دینی، قم، آیه حیات، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۲۳. حسینی سیستانی، سیدعلی، قاعده لاضرر و لاضرار، قم، مکتبه آیت الله العظمی سیستانی، چاپ اول، ۱۴۱۴هـ. ق.

۲۴. حسینی شیرازی، سیدمحمد، البیئه، لبنان، مؤسسه الوعی الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ. ق/ ۲۰۰۰م.

۲۵. حکیمی، محمدرضا، بیدارگران اقالیم قبله، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

۲۶. حکیمی، محمد و هاشمی، فروغ، «اثر خاک پاک زنده در از بین بردن آلودگی های محیط زیست»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸.

۲۷. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: ندیم مرعشلی، بی جا، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی تا.

۲۸. سجستانی ازدی، ابی داوود سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۴۱۶ هـ. ق/ ۱۹۹۵ م.

۲۹. سیّدی، حسین، همنام گل های بهاری، قم، نسیم اندیشه، ۱۳۸۳.

۳۰. سیوطی، جلال الدین، الدرّ المنثور، جدّه، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۳۶۵ هـ. ق.

۳۱. شعرانی، ابوالحسن، نثر طوبی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۸ هـ. ق.

۳۲. شفیعی مازندرانی، محمد، «تأثیر محیط زیست بر انسان از دیدگاه اسلام»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط

زیست، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸.

۳۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیّه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، بی تا.

۳۴. شهیدی، سیدجعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸.

۳۵. صادقی اردستانی، احمد، پیام های پیامبر؛ آموزه های زندگی ساز، تهران، هستی نما، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۳۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

۳۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات محمدی، ۱۳۶۲.

۳۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن محمد، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول، بی تا.

۳۹. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ ششم، ۱۳۹۳ هـ. ق.

۴۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۶۱.

۴۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط، به کوشش: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه مرتضوی.

۴۲. ______________________، تهذیب الاحکام، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ. ق / ۱۳۷۶.

۴۳. عبدوس، محمدتقی و محمدی اشتهاردی، محمد، آموزه های اخلاقی ـ رفتاری امامان شیعه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.

۴۴. عسگری، فریدون، «منابع طبیعی از دیدگاه قرآن کریم و احادیث»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸.

۴۵. غضبان، فریدون، زمین شناسی زیست محیطی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۴۶. فخر رازی، تفسیر الکبیر، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ هـ. ق.

۴۷. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی: معاد از نظر روح و جسم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.

۴۸. فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن مجید، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم، بی تا.

۴۹. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵ هـ. ق.

۵۰. کالدیکوت، هلن، اگر این سیّاره را دوست دارید، طرحی برای مداوای زمین، ترجمه: منصور عاصمی، باز، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۵۱. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸هـ. ق.

۵۲. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سیدهاشم حسینی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۴.

۵۳. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنزالعمّال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، بی تا.

۵۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۵۵. ______________، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۵۶. ______________، توحید مفضّل، تهران، ۱۲۸۷ هـ. ق.

۵۷. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، (بخش مدنی)، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۱.

۵۸. محمد بن عبدالعزیز بن عبدالله، الماء فی الفکر الاسلامی و الادب العربی، المملکه المغربیه، وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، ۱۴۱۷ هـ. ق/ ۱۹۹۶م.

۵۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، تهران، مرکز تحقیقات دارالحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

۶۰. مخدوم، مجید، شالوده آمایش سرزمین، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.

۶۱. مطهری، مرتضی، جهان بینی توحیدی، قم، صدرا، ۱۳۵۷.

۶۲. ______________، علل گرایش به مادی گرایی، قم، صدرا، ۱۳۵۷.

۶۳. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، اصفهان، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، چاپ سوم، ۱۴۱۱هـ. ق.

۶۴. ______________، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامیه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۹.

۶۵. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۰۸ هـ. ق.

۶۶. ______________، رساله توضیح المسائل، قم، نشر روح، ۱۳۸۰.

۶۷. ______________، مناسک حج، ترجمه و توضیح: بی آزار شیرازی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.

۶۸. ناصیف، منصورعلی، التاج الجامع لِلاصول...، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۱ هـ. ق.

۶۹. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، بی تا.

۷۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه، مشهد، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ. ق.

۷۱. نقی زاده، محمد، «نقش معنوی طبیعت در ظهور محیط زندگی اسلامی»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸.

۷۲. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ . ق.

۷۳. نیک آیین، مهناز و میرهندی، سیدحسین، «منزلت آب و خاک از دیدگاه اسلام»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸.

۷۴. واتسون، اندرو.ام، نوآوری های کشاورزی در قرون اولیه اسلام، ترجمه: فرشته ناصری و عوض کوچکی، ویراسته: حسن تقی زاده طوسی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.

نشریه

نشریه

۷۵. ابوالحبّ، جلیل، «نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن کریم»، ترجمه؛ تقی متّقی، فصل نامه فرهنگ جهاد، پیاپی ۵،۶ و ۹.

۷۶. اسماعیل پور، محمدرضا، «مراتع و عرصه های گیاهی و کوهستانی، بستر حیات و بنیان توسعه پایدار، روزنامه اطلاعات، سه شنبه ۱۵ دی ۱۳۸۳، شماره ۲۳۲۴۷.

۷۷. الدرج، نیلز، «زندگی در توازن، انسان و بحران تنوع زیستی»، ترجمه: فرهاد رضایی، همشهری ماه (ضمیمه روزنامه همشهری)، سال اول، دی ماه ۱۳۸۰، شماره ۱۰.

۷۸. «بحران محیط زیست»، روزنامه کیهان، یک شنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۰، سال شصتم، شماره ۱۷۲۰۴.

۷۹. پوراصغر سنگاچین، فرزام، «تنوع زیستی ایران در جهان کم نظیر است»، هفته نامه برنامه، شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۳، شماره ۶۵.

۸۰. تاری مرادی، احسان و فخلعی، محمدتقی، «مبانی و احکام فقهی محیط زیست»، فصل نامه مطالعات اسلامی، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، پیاپی ۷۱، بهار ۱۳۸۵.

۸۱. «توسعه پایدار بدون حفظ محیط زیست ممکن نیست»، روزنامه اطلاعات، یک شنبه ۲۲ تیرماه ۱۳۸۲، شماره ۲۲۸۱۸.

۸۲. «تهدید همه جانبه طبیعت»، ضمیمه اطلاعات، چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۸۳، شماره ۲۳۰۶۳.

۸۳. جمشیدی، مژگان، «سه دهه سیاه در پیش است»، همشهری جمعه، جمعه ۱۰ خرداد ۱۳۸۱، سال دهم، شماره ۲۷۳۷.

۸۴. حسینی بهشتی، محمدرضا، «طبیعت در بحران»، روزنامه جام جم، شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۸۳، سال پنجم، شماره ۱۱۶۸.

۸۵. رحمانی، محمد، «احکام فقهی آب»، فصل نامه فرهنگ جهاد، پیاپی ۷ ـ ۸.

۸۶. رفیعی، ناصر، «مصادیق اسراف»، فصل نامه فرهنگ جهاد، پیاپی ۲،۱و۴.

۸۷. سلطانی، محمدعلی، «آب از نگاه ادیان»، فصل نامه فرهنگ جهاد، پیاپی ۷ ـ ۸.

۸۸. ________________، «کشاورزی و دام داری در زندگی پیامبران»، فصل نامه فرهنگ جهاد، پیاپی ۳،۲،۱ و ۴.

۸۹. شمسایی، محمدحسین، «راه کارهای حفاظت محیط زیست»، فصل نامه فرهنگ جهاد، پیاپی ۱۶.

۹۰. صفوی، بهاره، «تنها یک زمین برای همه»، روزنامه جام جم، دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۸۳، سال پنجم، شماره ۱۱۵۱۲.

۹۱. عابدی، احمد، «حقوق حیوان»، فصل نامه فرهنگ جهاد، پیاپی ۲.

۹۲. کبیری، هما، «ریه های سبز کره خاکی»، روزنامه جام جم، سه شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۸۲، سال چهارم، شماره ۱۱۰۲.

۹۳. گرجی، ابوالقاسم، «آلوده کردن آب»، فصل نامه فرهنگ جهاد، پیاپی ۷ _ ۸.

۹۴. محلّاتی، صلاح الدین، «رفتار زیست محیطی، باور و جهان بینی»، روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۸۲، شماره ۲۲۹۱۷.

۹۵. مختاری، علی، «نگاه قدسی قرآن به آب»، فصل نامه فرهنگ جهاد، پیاپی ۷ _ ۸.

۹۶. مطّلبی، سیدابوالحسن، «دنیای حیوانات از دیدگاه علم و قرآن»، فصل نامه فرهنگ جهاد، پیاپی ۱۹.

۹۷. نقی زاده، محمد، «جهان بینی و حفاظت محیط زیست»، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۲۲، پاییز ۸۲.

۹۸. ______________، «طبیعت در تعالیم اسلامی»، روزنامه کیهان، یک شنبه ۲۳ دی ۱۳۸۰، سال شصتم، شماره ۱۷۲۸۴.

۹۹. «هشدار در مورد تغییر وضعیت آب و هوایی زمین»، نیازمندی های جام جم، یک شنبه ۱۴ آبان ۱۳۵۸.

اگر کودکان خود را دوست داریم، بایـد کره زمین را دل سوزانه دوست بـداریم و آن را متنوّع و زیبا به آیندگان وانهیم تا در یـک روز گرم بهـاری در ده هزار سال دیگر بتواننـد در دریایی از علف ها، صـلح را حس کننـد. بتواننـد ببیننـد که زنبوری به ملاقات گلی می آید. بتوانند آوای یک پرنده را در آسمان بشنوند و بتوانند خوشی را در زنده بودن دریابند.

هیوا یلیتس

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹